

راهنمای مطالعه کتاب مقدس

سه ماهه سوم ۲۰۲۰: جولای | آگوست | سپتامبر

ایجاد دوستی برای خدا: خوشی مشارکت در ماموریت خداوند



Justina

فهرست مطالب

۱. چرا شاهد؟ — ۷ تیر — ۱۳ تیر ۴
۲. شهادتهای عالی: قدرت شهادت شخصی — ۱۴ تیر — ۲۰ تیر ۱۴
۳. عیسی مردم را چگونه می بینند — ۲۱ تیر — ۲۷ تیر ۲۴
۴. قدرت دعا: شفاعت برای دیگران — ۲۸ تیر — ۳ مرداد ۳۴
۵. شهادت دادن با روح توأمند — ۴ مرداد — ۱۰ مرداد ۴۴
۶. امکانات نامحدود — ۱۱ مرداد — ۱۷ مرداد ۵۴
۷. مشارکت کلام — ۱۸ مرداد — ۲۴ مرداد ۶۴
۸. مانند مسیح خدمت کنید — ۲۵ مرداد — ۳۱ مرداد ۷۴
۹. پرورش طرز برخوردی جاذب ۱ شهریور — ۷ شهریور ۸۴
۱۰. راهی جالب برای مشارکت ۸ شهریور — ۱۴ شهریور ۹۴
۱۱. داستان مسیح را به مشارکت گذاشتن — ۱۵ شهریور — ۲۱ شهریور ۱۰۹
۱۲. پیامی که ارزش مشارکت را دارد — ۲۲ شهریور — ۲۸ شهریور ۱۱۴
۱۳. گام برداشتن در ایمان — ۲۹ شهریور — ۴ مهر ۱۲۴

Editorial Office: 12501 Old Columbia Pike, Silver Spring, MD 20904

Come visit us at our Web site: <http://www.absbg.adventist.org>

Principal Contributors

Mark Finley

Editor

Clifford R. Goldstein

Associate Editor

Soraya Homayouni

Publication Manager

Lea Alexander Greve

Editorial Assistant

Sharon Thomas-Crews

Pacific Press® Coordinator

Tricia Wegh

Art Director and Illustrator

Lars Justinen

Design

Justinen Creative Group

Middle East and North Africa Union

Publishing Coordinator

Michael Eckert

Farsi Team

HH / BK

Farsi Layout and Design

Jónatas Silveiro



Sabbath School
Personal Ministries

حق چاپ محفوظ و مخصوص «کنگره عمومی ادونتیستهای روز هفتم» میباشد. هیچیک از بخشهای این کتابچه راهنمای مطالعه کتاب مقدس مدرسه سبت ویژه بزرگسالان بدون اجازه قبلی و کتبی از کنگره عمومی ادونتیستهای روز هفتم (جزال کنفرانس) قابل ویرایش، تغییر، اصلاح، اقتباس، ترجمه، تکثیر یا انتشار نیست. دفاتر بخشهای تابعه کنگره عمومی ادونتیستهای روز هفتم مجاز هستند تا طبق دستورالعمل ویژه ای ترتیبی اتخاذ نمایند تا کتابچه راهنمای مطالعه کتاب مقدس مدرسه سبت ویژه بزرگسالان ترجمه گردد. حق طبع و نشر مطالب ترجمه شده و انتشارات آنان متعلق به کنگره عمومی است. عناوین (ادونتیستهای روز هفتم) و (ادونتیست) و آرم شعله گون جزو اسامی و علامت تجاری ثبت شده متعلق به کنگره عمومی ادونتیستهای روز هفتم میباشد و استفاده از آن بدون اجازه قبلی از کنگره عمومی ممنوع است.



ایجاد دوستی برای خدا: خوشی مشارکت در ماموریت خداوند

موقعی پیش می آید که جرقه ای کوچک در ذهن، تفاوت شگرفی در زندگی ما ایجاد می کند. چند سال پیش با برخی از همکارانم در جلسه ای مشورتی حضور داشتم. گفتگوی ما به جلسه ای برای به مشارکت گذاشتن ایمان، شهادت، و بشارت تبدیل شد. یکی از دوستانم این این اندیشه را ابراز نمود که، «ماموریت بشارتی در درجه نخست کار خداست. تمامی ملکوت برای نجات سیاره ما مشغول به کارند. و وظیفه ما این است تا با مسرت برای نجات گمگشتگان با او همکاری کنیم. به نظر می رسد که گوئی باری سنگین از روی دوش من برداشته شده باشد. این وظیفه من نبود که دنیای گم گشته در گناه را نجات دهم. این کاری بود که پیش از این خداوند انجام داده بود. مسئولیت من همکاری با او در کاری بود که او از قبل انجام میداده است.

این ایده که کار ماموریت بشارتی، کار خداست، در سراسر کتاب مقدس آشکارا بیان شده است. سلیمان ایده فوق را اینگونه بیان میکند، «خداوند ابدیت را در دل‌های ایشان نهاده است». (جامعه ۳: ۱۱). وقتی فردی در این دنیا متولد میشود، خدا تمایل به ابدیت را در اعماق وجود او قرار میدهد. همانطور که آگوستین گفته است، «پروردگارا، ما به خاطر تو خلق شده ایم، و قلبهای ما هرگز آرام نخواهد گرفت تا زمانی که در تو آرام بگیریم». مطابق با انجیل یوحنا، مسیح نوری است که به هر کس که به این دنیا می آید، می تابد (۱: ۹). خداوند نه تنها در وجود هر کدام از ما شوق رسیدن به خودش را قرار داد، بلکه روح القدس خود را فرستاد تا ما را به سوی او هدایت کند. هرگونه تمایل به نیکوکاری و محکومیت از گناه توسط روح القدس القا میشود. انگیزه

هرگونه اشتیاق به نیکی، مهربانی، و از خودگذشتگی، در ابتدا توسط روح القدس در ما ایجاد میشود. حتی اگر ما آنرا کاملاً درک نکنیم و متوجه نشویم، روح القدس در زندگی ما کار می کند تا ما را بسوی مسیح سوق دهد (یوحنا ۱۶: ۷ تا ۱۵). لیکن خود مسیح بزرگترین هدیه برای همه ماست.

هنگامیکه بشر نومیدانه در گناه سقوط کرد، و به مرگ ابدی محکوم شد، محبت خداوند پیشقدم شد. لوقا مینویسد، «زیرا پسر انسان آمده است تا گمشده را پیدا کند و نجات دهد» (لوقا ۱۹: ۱۰). پولس رسول اضافه میکند، «اما خدا محبت خود را نسبت به ما کاملاً ثابت کرده است. زیرا در آن هنگام که ما هنوز گناهکار بودیم مسیح به خاطر ما مُرد» (لوقا ۵: ۸). خداوند در راه نجات ما پیشقدم شد. مسیح جلال و شکوه آسمان را رها کرد و برای انجام ماموریت نجات ما به این جهان تاریک قدم گذاشت.

قبل از اینکه همچون کودکی آهسته به سوی او گام برداریم، او با یک جهش بزرگ بسوی ما آمد. قبل از اینکه ما برای همیشه زندگی خود را تسلیم او بکنیم، او با تسلیم جان خود آزادی ما را تضمین کرد. ما دشمن او بودیم، اما او دوست ما بود. ما به او پُشت کردیم، اما او با روی گشاده به سوی ما آمد. ما توجهی به او نداشتیم، اما او به شدت نگران ما بود.

مسیح در کتاب لوقا باب ۱۵، مانند یک چوپان خوب و مهربان که در پی گوسفند گمشده خود میباشد، و زنی که دیوانه وار به دنبال سکه گمشده جیبی خود می گردد، و پدری پیری که مشتاقانه و شتابان برای دیدار پسر گمشده خود میدود، به تصویر کشیده شده است. خانم الِن جی وایت در یک جمله شگفت انگیز و قابل تفکر، اینطور بیان میکند: «نقشه بزرگ رستگاری پیش از بنیاد جهان از طرف خداوند طرح شد. مسیح در این طرح شگفت انگیز برای پرداخت فدیۀ انسان گناهکار در کناری نایستاد و بی تفاوت نماند. در شورای ملکوت، قبل از آفرینش جهان، پدر و پسر با هم متعهد شدند که اگر انسان نسبت به خدا وفادار نماند، مسیح، او که با پدر یکی بود، در جایگاه گناهکار قرار گیرد، و مرگ که مجازات گناه بود را از جانب انسان متحمل شود.» *The Advent Review and Sabbath Herald*، ۱۵ نوامبر سال ۱۸۹۸.

برای لحظه ای فکر کنید. ما امتیاز و افتخاری باورنکردنی، مسئولیتی بزرگ و همچنین شادی ابدی مشارکت با مسیح و همکاری با او را در ماموریتش داریم. و این مبحثِ تمامی درس‌های این سه ماهه است که مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

مارک فینلی، اهل کانتیکت ایالت متحد امریکا، مبشر مشهور بین المللی، معاون دبیر مجمع عمومی [کلیسای ادونتیستهای روز هفتم]، از سال ۲۰۰۵ تا سال ۲۰۱۰ بوده است. او بعد از بازنشستگی، به عنوان دستیار رئیس مجمع عمومی کلیسای ادونتیستهای روز هفتم مشغول بکار شد. کشیش فینلی و همسرش، ارنستین، دارای سه فرزند و پنج نوه میباشند.

چرا شاهد؟



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: یعقوب ۵: ۱۹، ۲۰؛ لوقا ۱۵: ۶؛ صفیا ۳: ۱۷؛ یوحنا ۷: ۳۷، ۳۸؛ اول تیموتائوس ۲: ۳، ۴؛ دوم قرنتیان ۵: ۱۴، ۱۵.

آیه حفظی: «زیرا انجام اینکار در حضور خدا، نجات دهنده‌ی ما، نیکو و پسندیده است. او مایل است همه آدمیان نجات یابند و حقیقت را بشناسند» (اول تیموتائوس ۲: ۳، ۴).

خداوند برای همه مردم جهان شوقی عظیم دارد تا به محبت او پاسخ داده، فیض او را بپذیرند، و توسط روح القدس متحول گردیده، و نجات یافته و وارد پادشاهی او شوند. او آرزویی بزرگ‌تر از رستگاری ما ندارد. عشق او نسبت به ما بی حد و مرز است. رحمت او بی‌کران است. شفقت او بی پایان است. بخشش او غیر قابل توصیف است. قدرت او نامتناهی است. در مقایسه با خدایان بت پرستان که خواستار قربانی بودند، خداوند ما بزرگترین ایثار را برای ما انجام داده است. فارغ از این که چقدر به رستگاری تمایل داشته باشیم، خداوند بیشتر مشتاق نجات ما است. «زیرا، انجام اینکار در حضور خداوند، نجات دهنده ما، نیکو و پسندیده است. او مایل است همه آدمیان نجات یابند و حقیقت را بشناسند» (اول تیموتائوس ۲: ۳، ۴). آرزوی قلبی او نجات شما و من است. بطور کلی کار شاهدان مسیح درباره عیسی مسیح است. درباره آنچه که در کل، شهادت دادن در باره عیسی می باشد. در این باره است که او به خاطر نجات و تغییر زندگی ما چه کرده است و درباره حقایق شگفت انگیز کلام اوست که از او و سرشت زیبای او سخن می گوید. چرا شاهد؟ هنگامیکه ما درک میکنیم که او کیست و شگفتی های فیض و قدرت محبت او را تجربه کنیم، نمی توانیم در مقابل آن ساکت بمانیم. چرا شاهد؟ برای اینکه در حالیکه با او مشارکت میکنیم، با مشاهده مردمی که با فیض او رستگار گردیده و با محبت او متحول گردیده اند در شادی او سهیم می گردیم.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۴ تیر - ۶ جولای آماده شوید.

فراهم آوردن فرصتهایی برای نجات

خداوند هر روزه فرصتهایی را برای همه مردم ایجاد میکند تا او را بشناسند. او از طریق روح القدس در قلبهای آنان نفوذ میکند. او خود را از طریق زیبایی‌ها و پیچیدگی‌های جهان طبیعی آشکار میکند. عظمت، نظم، و تعادل جهان، همه از خدائی سخن می‌گویند که در حکمت او حدودی نیست و قدرتی بی‌کران دارد. او موقعیت‌ها و فرصتهایی را در زندگی ما فراهم می‌آورد تا ما را به سمت خود بکشاند.

با اینکه خداوند خود را با تاثیرات روح القدس، شکوه و عظمت طبیعت و مشیت الهی خود بر ما آشکار می‌سازد، اما شفاف‌ترین مکاشفه محبت او در زندگی و خدمت عیسی مسیح آشکار میشود. وقتی در خصوص عیسی با دیگران صحبت میکنیم، بهترین فرصت را برای نجات آنها فراهم میکنیم.

لوقا باب ۹:۰۱ را بخوانید و با یعقوب باب ۵: ۹۱، ۰۲ مقایسه کنید. انجیل لوقا درباره هدف مسیح از آمدن بر روی زمین چه تعلیم میدهد؟ چگونه ما با مسیح در کار نجات گمراهان همکاری می‌کنیم؟

به گفته یعقوب « که هرکس گناهکاری را از گمراهی بازگرداند، جان او را از مرگ نجات بخشیده و گناهان بی شماری را پوشانیده است» (یعقوب ۵: ۲۰). کتاب رومیان این طرز فکر را قوت میبخشد. در رومیان باب ۱ و ۲، چه غیر یهودیان که مکاشفه خدا را در طبیعت دیده‌اند، و چه یهودیان که مکاشفه نبوی خدا را از طریق کلام خدا دریافت کرده‌اند، بدون مسیح محکوم به گمراهی هستند. در رومیان باب ۳ تا ۵، رسول خدا بیان میکند که نجات تنها با فیض مسیح و از طریق ایمان حاصل میشود. او در رومیان ۶ تا ۸، شرح میدهد که چگونه فیضی که هر ایماندار را [از گناه تبرئه] و عادل می‌شمارد، فیضی تقدیس کننده نیز هست. او در رومیان باب ۱۰، اظهار میدارد «هر که نام خداوند را بخواند، نجات خواهد یافت» (رومیان ۱۰: ۱۳)، و سپس او اشاره میکند، «اما چگونه کسی فراخوانده شود که به او ایمان نیاورده باشد؟ و آنها ایمان نخواهند آورد مگر اینکه آنها از او شنیده باشند، و آنها چگونه بشنوند، اگر کسی برای آنان موعظه نکند» (رومیان ۱۰: ۱۴). ما زنجیره‌های ارتباطی خدا در طرح نجات او برای دستیابی به افراد گمشده با شکوه و جلال انجیل هستیم.

ما به مردم شهادت نمی‌دهیم، که تنها فرصت نجات را به مردم بدهیم. ما شاهدان او هستیم، که به آنان بهترین فرصت را بدهیم. نقش ما در طرح نجات خداوند برای رستگاری بشر چیست؟ همچنین در این مورد فکر کنید: چه نفر مژده انجیل را از زبان خود شما شنیده اند؟

مسرور ساختن مسیح

آیا تا به حال کسی از شما سؤال کرده است، روز شما چگونه میگذرد؟ آیا امروز همه چیز به خوبی برای شما پیش رفته است؟ چه میشود اگر شما این سؤالات را از خدا بپرسید: «خدایا، روز شما چگونه میگذرد؟ فکر میکنید، چه جوابی از طرف خدا دریافت خواهید کرد؟ احتمالا جوابهایی شبیه به اینها را از او خواهید شنید. روز بسیار سختی را گذراندم. چشمان من پر از اشک شده است، هنگامیکه هزاران اردوگاه پناهندگان را دیدم که مملو از کودکانی بود که از سرما میلرزیدند، واز گرسنگی گریان بودند. من در خیابانهای شهرهای شلوغ جهان قدم زدم و همراه با بی خانمان ها و افراد بی بضاعت گریه کردم. قلب من به خاطر آزار و اذیت زنان و بچههای وحشت زده ایی که برای بردگی جنسی فروخته میشوند شکسته شده است. من شاهد ویرانی حاصل از جنگ، اثرات مخرب بلایای طبیعی و عذاب دردناک بیماریهای ناتوان کننده و کشنده بوده ام». اما خداوند، آیا چیزی وجود دارد که تو را شاد کرده باشد؟ آیا چیزی وجود دارد که باعث شادی قلب شما شده باشد؟ آیا چیزی وجود دارد که شده باشد تا نغمه خوانی کنی؟

لوقا باب ۱۵: ۶، ۷، ۹، ۱۰ و ۲۲ تا ۲۴، ۳۲ را بخوانید. چگونه این داستانها خاتمه می یابند و این خاتمه ها در باره خدا به شما چه می گویند؟

هنگامیکه گمشده ای نجات می یابد، کل کائنات شادمان می گردد. در دنیایی مملو از بیمارها، بلایا، مرگ و میر، ما میتوانیم با اشتراک گذاشتن «خبر خوش» رستگاری با دیگران، قلب خداوند را شاد سازیم. یکی از بزرگترین انگیزهها برای به مشارکت گذاردن محبت مسیح، فهمیدن این موضوع است که شهادت دادن دل خدا را شاد می سازد. هر زمانیکه ما محبت او را آشکار میکنیم، کل عرش نغمه سرائی می کند.

صفینا باب ۳: ۱۷ را بخوانید. هنگامی که فیض نجات را می پذیریم، عکس العمل خداوند چیست؟

این صحنه را تجسم کنید که در نتیجه شهادت شامرد یا زنی، پسر یا دختری، عیسی را به عنوان منجی خود بپذیرد. عیسی مسرور میشود. همه بهشتیان سرود می خوانند و ناجی مقتدر ما با آواز خواندن از نجات آن شخص شادمان میشود. چه پاداشی ارزشمندتر و محقق تر از آن میتواند باشد که دانست، شهادت شما در جهانی سرشار از غم توانسته قلب خداوند را شاد سازد؟

رشد روحانی با بخشیدن

دریای مرده [یا بحر املیت] پست ترین سطح زمین را از سطح دریا نشان میدهد. با ارتفاع ۴۲۳ متر زیر سطح دریا، پست ترین منطقه از سطح دریا در جهان است. رود اردن که از دریای جلیل سرچشمه می‌گیرد، در طی مسیر خود از طریق دره اردن به بن بست دریای مرده سرازیر میشود.

آب و هوای گرم و خشک، همراه با تابش شدید آفتاب و شرایط بیابانی، باعث تبخیر بسیار سریع آب میشود. از آنجائیکه نمک و مواد معدنی دریای مرده ۳۳.۷ درصد است، جانوران یا گیاهان زیادی نمیتوانند به طور دائمی در آن زندگی کنند. ماهی و گیاهی در آن وجود ندارد؛ فقط بعضی از موجودات میکروسکوپی و باکتری‌ها در اعماق آن وجود دارند. اگر لطف و رحمت خداوند که در زندگی مسیحی ما در جریان است، وارد زندگی دیگران نشود، ما مانند دریای مرده راکد و بی جان خواهیم شد. به عنوان یک مسیحی، ما نباید اینگونه زندگی کنیم.

یوحنا باب ۷: ۳۷، ۳۸ و لوقا ۶: ۳۸ را بخوانید. در مقایسه با دریای مرده، چه دلیل طبیعی باعث میشود که هر کس به مسیح ایمان بیاورد نهرهای آب حیات از وجود او جاری شود؟

« خداوند میتواند بدون کمک ما به هدف خود یعنی نجات گناهکاران دست یابد؛ اما به منظور پرورش صفاتی همچون مسیح، باید در کار او شریک شویم. به منظور ورود در خوشی او، - خوشی دیدن جانهای رهایی یافته با قربانی او، - باید در زحمات او به منظور رستگاری آنان شریک شویم. » *الِن جی وایت، Fundamentals of Christian Education*، صفحه ۲۰۷.

« کسانی غالب خواهند شد که از لاک خود بیرون بیایند؛ و تنها چیزی که این امر را میسر میسازد، شدت اشتیاق برای نجات دیگران است. » *الِن جی وایت، Fundamentals of Christian Education*، صفحه ۲۰۷.

ما با مشارکت آنچه که مسیح در زندگیمان انجام داده، در ایمان خود رشد میکنیم. با توجه به تمامی آنچه که از طریق عیسی مسیح به ما عطا شده، چه چیزی به غیر از خودخواهانه ترین دلیل میتواند ما را از به اشتراک گذاری آنچه که به ما داده شده، باز دارد؟ در عین حال، اگر ما در مشارکت ایمانمان غفلت کنیم، زندگی روحانی ما مانند دریای مرده راکد و گنداب خواهد شد.

تجربیات شما در زمینه بشارت به دیگران، دعا کردن با دیگران، و تامین نیازهای دیگران چیست؟ این تجربیات چه تاثیری بر ایمان شما و قدم زدن با خداوند میگذارد؟

وفاداری به فرمان مسیح

وفاداری به مسیح مستلزم تعهد به انجام اراده اوست. این امر اطاعت به فرامین او را ملزم می‌دارد. وفاداری به مسیح سبب میشود که قلب ما همراه قلب مسیح برای نجات گمگشته بتپد. این امر در اولویت اموری که او در اولویت قرار میدهد جا می‌گیرد.

اول تیموتائوس ۲: ۳، ۴ و دوم پطرس ۳: ۹ را بخوانید. این آیات در مورد خواسته قلبی خداوند چه چیزی به ما میگویند؟ اولویت او چیست؟

خداوند مشتاق نجات همه مردم است. هیچ چیزی برای او مهمتر از این امر نیست. اشتیاق او برای «همه» این است نجات یابند و «به معرفت حقیقت نائل شوند» (اول تیموتائوس ۲: ۴). او «نمیخواهد کسی هلاک شود بلکه میخواهد همگان توبه کنند» (دوم پطرس ۳: ۹). کتاب مقدس تفسیری ادونتیسهای روز هفتم در مورد این آیه نشان میدهد که کلمه یونانی مورد استفاده برای «خواست او»، *boulomai* است، که بیانگر تمایل ذهن، به عنوان «خواست» یا «آرزوی» اوست. سپس کتاب تفسیری بررسی روشنگرایانه ای را بر روی کلمه «اما» دارد. کلمه یونانی برای «اما» *alla* است، و در اینجا برای این منظور بکار برده شده تا تاکید بر روی تضاد بین تفسیر غلط از سرشت خداوند که معمولاً شاید او بخواهد برخی هلاک شوند، ولی حقیقت اینست که او میخواهد تا همه نجات یابند. (The SDA Bible Commentary، جلد ۷، صفحه ۶۱۵). فرمان مسیح برای هر یک از ما مشارکت در رسالت او به عنوان شاهدهان محبت و رحمت او میباشد، و این حقیقت برآمده از تمایل او برای نجات تمامی بشریت می باشد.

اعمال ۱۳: ۴۷ را بخوانید و با اشعیا باب ۴۹: ۶ مقایسه کنید. این آیه در اصل در مورد چه کسانی صحبت میکند؟ چگونه پولس رسول از آن استفاده میکند؟

مواقعی وجود دارد که نبوت عهد عتیق بیش از یک کاربرد دارد. در اینجا پیش بینی پولس رسول را می بینیم که، ابتدا به اسرائیل و نبوت در مورد مسیح اشاره دارد (نگاه کنید به اشعیا ۴۱: ۸، اشعیا ۴۹: ۶ و لوقا ۲: ۳۲) و سپس در کلیسای عهد جدید بوقوع می پیوندد. کلیسایی که از فرمان مسیح غفلت کند یا آنرا کم اهمیت در نظر بگیرد، در رسیدن به هدف بوجود آمدنش شکست خورده است و فراخوان نبوی خود را برای جهان از دست داده است.

چه خطراتی برای کلیسا، حتی برای کلیسای محلی، وجود دارد، اگر آنقدر درگیر مسایل درونی شود که فراموش کند هدف از تاسیس آن چه بوده است؟

با انگیزه محبت

در این هفته بر روی پاسخ به این سؤال «چرا شهادت»، متمرکز شدیم و فهمیدیم که همانطور که ایمان خود را به اشتراک می‌گذاریم، از همکاری با خداوند در رسالت او به دنیا شادمان می‌شویم. شهادت ما از محبت او فرصتهای بزرگتری را برای رستگاری فراهم می‌آورد، از آنجائی که آنان می‌توانند روشن تر فیض و حقیقت او را ببینند.

در عین حال، شهادت دادن نیز یکی از روشهای خدا برای رشد روحانی ماست. کوتاهی در خدمت به دیگران و به اشتراک گذاشتن آنچه که مسیح برای ما انجام داده است، زندگی روحانی اصیل را تباه می‌سازد.

مشارکت با مسیح ما را با کسی مرتبط میکند که نجات همه بشریت آرزوی قلبی اوست. این پاسخی به اطاعت از فرمان اوست. در درس امروز، عالیتین انگیزه را برای شهادت دادن مطالعه خواهیم کرد.

دوم قرنیتان ۵: ۱۴، ۱۵، ۱۸ تا ۲۰ را بخوانید. چه عاملی باعث شد تا پولس به خاطر انجیل، مشقات، رنج‌ها، و مشکلات را متحمل شود؟ چگونه همین انگیزه میتواند ما را در راه خدماتمان برای مسیح ترغیب کند؟

پولس رسول توسط محبت انگیزه یافت. چیزهایی وجود دارند که شما فقط به خاطر عشق و محبت انجام می‌دهید، بدون اینکه نیاز به دلیل دیگری برای انجام آنها داشته باشید. وقتی پولس رسول بیان میکند «محبت مسیح ما را وادار می‌سازد»، او در باره یک حقیقت جاودان صحبت میکند. کلمه وادار به مفهوم «اصرار کردن، پیش راندن، کنترل کردن، یا در حد اعلی، انگیزه دادن و ترغیب کردن است. محبت مسیح اعمال پولس را کنترل میکرد و او را ترغیب میکرد که شاهد او باشد. او با عزمی بی پروا و اندیشه ای یکتا، نقشه نجات و رستگاری خداوند را در سراسر ممالک مدیترانه به اشتراک گذاشت.

« محبت باید در قلب ساکن شود. یک مسیحی تمام و کمال، انگیزه‌های فعالیت خود را از اعماق دلی که آکنده از محبت باشد برای سرور خویش بدست می‌آورد. سرشاخه‌ها از ریشه‌های شور و عشق برای مسیح با علاقه ای غیرخودخواهانه برای برادران است که جوانه می‌زند ». *الِن جی وایت، خانه ادونتیسیت، صفحه ۴۲۵.*

هنگامیکه ما برآستی فداکاری عظیم مسیح را درک کنیم، با محبت او مستغرق و وادار می‌شویم تا آنچه که او برای ما انجام داده را با دیگران به اشتراک بگذاریم.

کسیکه تمام مخلوقات را آفریده است (کهکشانها، ستارگان، لشکریان آسمانی، کل کیهان،

جهان‌های دیگر)، کسی بود که برای ما بر روی صلیب جان خود را داد. چگونه این حقیقت حیرت‌انگیز می‌تواند در ما محبت و اشتیاق به خدا و اشتیاق به اشتراک‌گذاری آن محبت را ایجاد نکند؟

جمعه

۱۳ تیر

اندیشه‌هایی فراتر: بخوانید از *الِن جی وایت*، «فصل «هدف خدا برای کلیسای خویش»، صفحات ۹ تا ۱۶ در *اعمال رسولان*، و صفحات ۸۲۲ تا ۸۲۸ از کتاب *آرزوی اعصار*. کلیسای عهد جدید با این خطر روبرو شده بود که نتوانسته بود هدف از بوجود آمدنش را درک کند. *الِن جی وایت* این خطر را چنین توصیف می‌کند: «جفایی که بر کلیسا در اورشلیم واقع شد، باعث انگیزه‌ای بزرگ برای بشارت انجیل شد. پیروزی با کلام خدا بود و این خطر وجود داشت که شاگردان مسیح برای مدتی طولانی تردید نموده و درنگ کنند، و نسبت به فرمان منجی برای رفتن و بشارت دادن به تمام جهان بی تفاوت شوند. و فراموش کنند که قدرت کلام در مقابل شرارت بهترین ثمره است که بوسیله خدمت پرتکاپو حاصل می‌شود، آنها شروع به این فکر کردند که هیچ کاری مهم‌تر از محافظت از کلیسای اورشلیم در برابر حملات دشمن نیست. آنها به جای تعلیم کسانی که تازه ایمان آورده بودند برای رساندن پیام انجیل به آنانی که پیغام را هنوز نشنیده بودند، با این خطر مواجه بودند که فکر کنند آنچه که انجام شده کافی است و به آن راضی باشند و بسنده کنند». *اعمال رسولان*، صفحه ۱۰۵.

سؤالاتی برای بحث

۱. به اظهارات خانم *الِن جی وایت* در بالا به خصوص به آخرین سطر توجه کنید. چرا حتی امروزه ما باید مراقب همین خطر بالقوه باشیم؟ در مواجهه با چالش‌های بشارتی که در پیش روی ماست، چرا چنین رفتاری بسیار تاسف‌بار، حتی بطور غم‌انگیزی می‌تواند اشتباه می‌باشد؟
۲. چرا فکر می‌کنید همه انجیل‌ها با یک فرمان مشابه به پایان می‌رسند؟ متی باب ۲۸: ۱۸ تا ۲۰، مرقس ۱۶: ۱۵، ۱۶؛ لوقا ۲۴: ۴۶ تا ۴۹؛ و یوحنا ۲۰: ۲۱ را بخوانید. این برای ایمانداران قرن اول به چه معنا بود، و امروز برای ما به معنا است؟
۳. آیا شهادت دادن و خدمت می‌تواند جایگزین روحانی بودن واقعی شود، اگر چنین است، چگونه می‌توانیم مراقب باشیم تا در دام آن نیافتیم؟

۴. در کلاس، در مورد پاسخ سؤال پایانی مبحث روز سه شنبه، و در مورد چگونگی تاثیرگذاری خدمت و شهادت دادن در رشد روحانی خودتان صحبت کنید. برخی از آموخته های شما که میتواند به دیگران کمک کنند، چه هستند؟ چه اشتباهاتی مرتکب شده اید که میتواند به دیگران کمک کند که از انجام آنها اجتناب ورزند؟

۵. بر روی این واقعیت شگفت انگیز که خداوند هریک از ما را تک تک دوست دارد، متمرکز شوید. چطور معنی آنرا درک می کنید؟ شاید این مهم ترین حقیقت در تمام جهان باشد، این قضیه چه تاثیری بر زندگی شما دارد؟



توقف در فرودگاه

توسط گلن ارنفورد لای

تنها یک سوال در روز داوری پرسیده خواهد شد. این مطلب را وقتی شنیدم هواپیمایم پس از پرواز خارجی که داشتم در شهر پورتلند ایالت اورگان آمریکا بر زمین نشست. افسر مهاجرتی آمریکا در فرودگاه بین المللی پورتلند نگاهی به پاسپورت نروژی ام انداخت بعد به خود من نگاه کرد و پرسید: «هدف شما از آمدن به اینجا چیست؟ پاسخ دادم: قرار است دوستم را ملاقات کنم. او پرسید: آدرسش کجاست؟

گفتم: نمی دانم. او قرار است در این فرودگاه به دنبالم بیاید. افسر مهاجرتی از اینکه آدرس را نمی دانستم زیاد راضی به نظر نمی رسید. بعد گفت: خوب، قبلاً او را کجا ملاقات کردی؟ گفتم: در دانشکده ای خارج از لندن. آنجا چه رشته ای درس می خواندی؟ رشته الهیات.

افسر مهاجرتی بر چهره ام تامل کرد و گفت: آیا ایماندار هستی؟ بله. به پاسپورتم که در دستش بود نگاه کرد و بعد برگشت به من نگاه کرد. پرسید: خوب، چرا نجات یافته ای؟ جواب بدون اینکه تفکر کنم فوراً از دهانم بیرون آمد. گفتم: چون عیسی برایم مرد. افسر به من نگاه کرد و گفت: پاسخ خوبی بود. می توانید وارد شوید.

اهمیت گفتگو تأثیری شدید بر من گذاشت در حالی که وارد سالن دریافت چمدانها شدم. تنها یک سوال در روز داوری پرسیده خواهد شد: چرا نجات یافتی؟ جواب در اول یوحنا باب ۵ آیات ۱۱ تا ۱۳ یافت می شود که می گوید: و آن شهادت این است که خدا به ما حیات جاویدان بخشیده، و این حیات در پسر اوست. آن که پسر را دارد، حیات دارد و آن که پسر خدا را ندارد از حیات برخوردار نیست. اینها را به شما نوشتم که به نام پسر خدا ایمان دارید، تا بدانید که از حیات جاویدان برخوردارید. چرا نجات یافته ای؟ با اطمینان به نجات، می توانید با اطمینان بگوئید: چون عیسی برای من مُرد. و پاسخی که دریافت می کنید دلپذیر خواهد بود، پاسخ خوبی بود، می توانید وارد شوید.

گلن ارنفورد لای که ۵۵ سال سن دارد در شهر اُسلو واقع در کشور نروژ در مدرسه متعلق به ادونتیست روز هفتم به نام اوستمارکا به شغل معلمی مشغول است و همچنین عضو و شبان رسمی جوانان کلیسای ادونتیست روز هفتم است که بخشی از سیزدهمین قسمت هدایای سال ۲۰۱۷ را جهت بازگشائی مرکز اجتماع جوانان دریافت کرده است.

شهادتهای عالی: قدرت شهادت شخصی



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: مرقس ۵: ۱۵ تا ۲۰؛ مرقس ۱: ۱۶ تا ۱۱؛ اعمال ۴: ۱ تا ۲۰؛ اول یوحنا ۱: ۱ تا ۳؛ غلاطیان ۲: ۲۰؛ اعمال ۲۶: ۱ تا ۳۲.

آیه حفظی: «زیرا ما نمی توانیم آنچه دیده و شنیده ایم، باز نگوئیم» (اعمال ۴: ۲۰).

قدرتی خارق العاده در شهادت شخصی وجود دارد. هنگامیکه قلبهای ما با محبت مسیح گرما می پذیرد و با فیض او تحول می یابیم، مطلبی قابل توجه برای گفتن درباره او داریم. و آن مطلب این است که آنچه را که مسیح انجام داده است را با دیگری به مشارکت بگذاریم. چیزی کاملاً منحصر بفرد که او شخصاً برای ما انجام داده است.

بحث و استدلال بر علیه تجربه شخصی دشوار است. ممکن است افراد بطور کلی درباره عقاید و یا تفاسیر شما از یک متن با شما بحث کنند و یا حتی مذهب شما را به سخره بگیرند. اما هنگامیکه یک فرد بگوید، «من زمانی ناامید بودم اما حال امید دارم؛ من پر از احساس گناه بودم و اکنون آرامش دارم؛ من بی هدف بودم و حالا هدفی دارم»، حتی شک گرایان می توانند تحت تاثیر قدرت انجیل واقع شوند.

گرچه ممکن است برخی افراد مانند پولس رسول در راه دمشق، بطور ناگهانی و شورانگیز تغییرات چشمگیری را در زندگیشان تجربه کنند، اما اکثر اوقات تغییر و تحول فرد همزمان با رشد شناخت او از ارزشهای مسیح، و احساس قدردانی و سپاس عمیق نسبت به فیض عظیم او و هدیه رایگان نجات او رخ میدهد. مسیح بطور ریشه ای بر زندگی ما مجدداً تمرکز می کند. این شهادتی است که جهان عاجزانه بدان نیاز داشته و در انتظار آن بوده است.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۱ تیر - ۱۱ جولای آماده شوید.

شاهدان غیر محتمل

مرقس باب ۵: ۱۵ تا ۲۰ را بخوانید. فکر میکنید چرا عیسی آن مرد را به سرزمین دکاپولیس فرستاد تا در میان خانواده و دوستانش شاهدهی باشد، به جای اینکه او را نزد خویش نگه دارد و ایمان تازه او را پرورش دهد؟

کلمه دکاپولیس از دو کلمه سرچشمه می‌گیرد: دکا به معنای ده، و پولیس به معنای شهرها است. منطقه دکاپولیس در قرن اول میلادی منطقه ای شامل ده شهر در سواحل جلیل بوده است. این شهرها با یک زبان و فرهنگ مشترک بهم پیوند خورده بودند. شیطان برای بسیاری از مردم در آن منطقه شناخته شده بود. او با رفتار خشونت آمیز و غیر مترقبه اش ترس را در قلبهای آنان ریخته بود. مسیح در وجود آن مرد، کسی را دید که در آرزوی بدست آوردن چیزی بهتر بود، بنابراین او بطور معجزه آسایی آن مرد از عذاب اهریمنان رهایی داد.

هنگامیکه اهالی شهر شنیدند که مسیح به ارواح پلید اجازه داده تا درون گله خوکها بروند و تمام گله بزرگ از سراسیبه تپه به دریاچه ریخته و خفه شده‌اند، آنها دور عیسی جمع شدند که ببینند که ماجرا چیست. بر اساس انجیل مرقس «وقتی آنها نزد عیسی آمدند و آن دیوانه را که گرفتار گروهی از ارواح پلید بود دیدند، که لباس پوشیده و با عقل سالم در آنجا نشسته است، بسیار هراسان شدند» (مرقس ۵: ۱۵). مرد کاملاً سلامتی جسمانی و عقلانی و عاطفی و روحانی خود را بدست آورده بود. ماهیت وجودی انجیل اینست که افراد آسیب دیده در اثر عواقب مخرب گناه، به کمالی بازگرداند که مسیح آنان را برای آن آفریده است.

چه شخصی میتواندست به این ده شهر دکاپولیس یعنی کل منطقه، بهتر از کسیکه ارواح پلید از او خارج شده بودند، دست یابد و شهادت زندگی خود در میان بگذارد؟ این جی وایت این مسئله را بدرستی اینطور بیان میکند: «ما به عنوان شاهدان مسیح باید آنچه را که میدانیم، دیده ایم و احساس کرده ایم بیان کنیم. اگر گام به گام عیسی را پیروی کرده باشیم باید حرفی برای گفتن داشته باشیم که چگونه مسیح ما را هدایت نموده است. ما میتوانیم از چگونگی وفاداری او و صحت و تایید دریافت وعده او بگوییم. ما میتوانیم شاهد آنچه که از طریق فیض دریافت کرده ایم باشیم. این شاهد بودن و مشارکت برای مسئله ای است که خداوند ما را برای آن فراخوانده است، و بخاطر اینکه جهان درحال نابودی است» (آرزوی اعصار صفحه ۳۴۰). خداوند اغلب از شاهدان غیر محتملی که با فیض او متحول شده‌اند استفاده میکند تا دنیا را تغییر دهد و متفاوت سازد.

حکایت شما چیست؛ یعنی داستان تحول شما چگونه بوده است؟ شما در مورد چگونگی ایمان آوردن خود چه دارید که با دیگران در میان بگذارید؟ چه چیزی را میتوانید با کسی که ایمان نیاورده در میان بگذارید، کسیکه بتواند از تجربه ای که شما به اشتراک میگذارید، بهرمنند شود؟

دوشنبه

تیر ۱۶

اعلام خبر مسیح قیام کرده از قبر

سحرگاه روز یکشنبه بود، و هر دو مریم با عجله راهی قبر مسیح شدند. آنها نمی رفتند که چیزی از او تقاضا کنند. چه چیزی ممکن است که یک مرده بتواند به آنها بدهد؟ آخرین باری که او را دیدند، بدن وی خونین، کبود، و تکیده بود. صحنه صلیب عمیقاً در ذهنشان حک شده بود. اکنون آنها تنها وظیفه ای را انجام می دادند که بر عهده داشتند. غمگینانه، آنها راهی آرامگاه شدند تا بدن او را با عطر و روغن تدهین کنند. سایه های تیره نومییدی آنها را ظلمت ناامیدی فرو برد. آینده برای آنان مبهم و نومیدانه بود. هنگامیکه آنان به قبر رسیدند، مبهوت شدند زیرا آنرا را خالی یافتند. متی وقایع صبح رستاخیز مسیح را اینگونه بیان میکند: «آنگاه فرشته به زنان گفت: هراسان مباشید! میدانم که در جستجوی عیسی مصلوب هستید. او اینجا نیست، زیرا همانگونه که فرمود بود، برخاسته است!» (متی ۲۸: ۵، ۶).

اینک زنان غرق در شادی شده بودند. ابرهای تیره غم و اندوه آنها در روشنایی طلوع صبح رستاخیز محو گردید. شب اندوه آنان پایان گرفت. چهره ایشان به شادمانی آراسته شد، و سرودهای شادی جای اشک های حزن و اندوه آنها را گرفت.

مرقس باب ۱۶: ۱ تا ۱۱ را بخوانید. واکنش مریم وقتی فهمید که مسیح از مرگ قیام کرده چه بود؟

پس از آنکه مریم مسیح زنده را ملاقات کرد، با عجله به اورشلیم بازگشت تا به دیگران خبر دهد. مژده نیکو برای اشتراک گذاری است، و او نمیتوانست سکوت کند. مسیح زنده بود! قبر او خالی بود و جهان باید این موضوع را بداند. بعد از اینکه، ما نیز مسیح زنده را در طول زندگیمان ملاقات کنیم، ما نیز باید برای گفتن این حکایت تلاش کنیم زیرا که خبر خوش برای به مشارکت گذاشتن است.

بسیار جالب توجه است که علیرغم همه دفعاتی که عیسی در مورد آنچه که اتفاق خواهد افتاده با آنان سخن گفته بود، و به آنان گفته بود که او کشته خواهد شد و سپس

زنده خواهد شد، حواریون (همان کسانی که عیسی مسیح آنان را مخصوصاً برگزیده بود) شهادت مریم مبنی بر زنده بودن مسیح را نپذیرفتند. «اما آنها باور نکردند که عیسی زنده شده و در برابر مریم ظاهر گشته است» (مرقس ۱۶: ۱۱). بنابراین، از آنجاییکه خود شاگردان مسیح بلافاصله باور نکردند، اگر دیگران فوراً کلام ما را نپذیرند، ما نیز نباید تعجب کنیم.

آخرین زمانی که شهادت شما پذیرفته نشد، چه زمانی بود؟ واکنش شما چگونه بوده، و از آن تجربه چه آموخته‌اید؟

۱۷ تیر

سه شنبه

زندگی متحول شده، تغییر ایجاد میکند

« وقتی آنان جسارت پطرس و یوحنا را مشاهده کردند و پی بردند که افرادی درس نخوانده و معمولی هستند، متعجب شدند و دانستند که از یاران عیسی بوده‌اند » (اعمال ۴: ۱۳).

کلیسای عهد جدید با رشد یافته و توسعه یافت. در روز پنطیکاست ۳۰۰۰ نفر تعمید گرفتند (اعمال ۲: ۴۱). چند هفته بعد هزاران نفر دیگر به اعضای کلیسا اضافه شدند (اعمال ۴: ۴). خیلی زود اولیای امور تشخیص دادند که چه اتفاقی افتاده است. این ایمانداران عهد جدید با مسیح همراه بودند. زندگی آنها تغییر کرده بود. آنها با فیض او متحول شده بودند، و دیگر نمی‌توانستند سکوت کنند.

اعمال باب ۴: ۱ تا ۲۰ را بخوانید. در اینجا چه اتفاقی می‌افتد؟ چه اتفاقی افتاد که رهبران یهود سعی کردند پطرس و یوحنا را مجبور به سکوت کنند؟ واکنش آنها چه بود؟

اینان ایمانداران جدید در مسیح بودند که باید داستان خود را بیان میکردند. پطرس، یک ماهیگیر پرحرف بود که از طریق فیض خدا تغییر کرد. یعقوب و یوحنا، ملقب به پسران رعد که خشم خود را به سختی کنترل میکردند، نیز از طریق فیض مسیح متحول شدند. تومای شکاک هم به لطف خداوند تغییر کرد. حواریون و اعضای اولیه کلیسا هر کدام داستان‌هایی درباره خود داشتند که بیان کنند و نمی‌توانستند سکوت کنند. به این سخن قدرتمند *إلن جی* وایت در کتاب گام به سوی مسیح توجه کنید: «هیچکسی به

سوی مسیح نمی آید مگر اینکه ابتدا در قلبش اشتیاق شناساندن دوستی گرانبھائی که در مسیح یافته به دیگران بوجود آمده باشد؛ نجات و حقیقت تطهیر نمیتواند در قلب او مبحوس بماند». صفحه ۷۸.

به آنچه رهبران مذهبی در آیه ۱۶ گفته اند، توجه کنید. آنها آشکارا به واقعیت معجزه اذعان میکنند که نشان میدهد، مرد شفا یافته درست در مقابل آنها ایستاده بوده است. حتی با این وجود، آنها از تغییر رفتار و برخورد خود را تغییر نمی دهند. با اینحال، با وجود این مخالفت آشکارا، پطرس و یوحنا از موضع عقب نشینی نکردند.

بین شناخت مسیح و بشارت او چه ارتباطی وجود دارد؟ چرا شناختن شخصی مسیح برای اینکه شاهد او باشیم، حیاتی است؟

۱۸ تیر

چهارشنبه

به مشارکت گذاردن تجربه خودمان

در اعمال باب ۲۶، متوجه میشویم که پولس رسول به عنوان یک زندانی در برابر اغریپاس پادشاه قرار می گیرد. در اینجا، پولس با صحبت مستقیم با پادشاه، شهادت شخصی خود درباره زندگیش را بیان می کند؛ او نه تنها به عنوان یک آزار دهنده پیروان مسیح؛ بلکه به عنوان کسی که به مسیح ایمان آورده و شاهد زندگی و وعده قیام او از مرگ بوده، صحبت میکند (اعمال ۲۶: ۸).

هنگامیکه پولس در راه دمشق متحول شد و به مسیح ایمان آورد، مشسح با او صحبت کرد و به او گفت، « حال برخیز! چون من به تو ظاهر شده ام تا تو را انتخاب کنم که خدمتگزار و شاهد من باشی. تو باید واقعه امروز و اموری را که در آینده به تو نشان خواهم داد، به مردم اعلام کنی» (اعمال ۲۶: ۱۶). به مشارکت ایمان با دیگران همیشه تجربه ای پویاست. یعنی در میان گذاشتن داستان آنچه که مسیح برای ما در گذشته و حال حاضر انجام میدهد، و آنچه که در آینده انجام خواهد داد.

شهادت هرگز در باره ما نبوده است، بلکه همیشه در مورد اوست. او خدایی است که گناهان ما را عفو میکند، بیماری های ما را شفا می بخشد، با محبت و رحمت خود تاج حیات بر سر ما میگذارد، و با چیزهای نیکو ما را خرسند میسازد (مزامیر ۱۰۳: ۳ تا ۵). شاهد بودن اینست که به سادگی حکایت خود از فیض شگفت انگیز او نسبت به خودمان را با دیگران به اشتراک بگذاریم. این شهادتی از مواجهه شخصی ما با خدایی است که فیض او شگفت انگیز است.

اول یوحنا باب ۱: ۱ تا ۳ را بخوانید و با غلاطیان باب ۲: ۲۰ مقایسه کنید. چه شباهتهایی می بینید؟ تجربه یوحنا با تجربه پولس چه شباهتی دارد؟

با اینکه یوحنا و پولس هر کدام تجربه های متفاوتی در زندگی داشتند، اما هر دو تجربه شخصی ملاقات با عیسی را داشتند. تجربه مواجهه آنان با مسیح این نبود که فقط یکبار در یک مرحله خاص در زندگی آنان اتفاق افتاده باشد و دیگر با او برخورد نکرده باشند. این تجربه ای مداوم و روزانه همراه با لذت چشیدن محبت او و گام برداشتن در پرتو حقیقت او بود.

آیا تغییر و تحول همیشه اتفاقی است که در گذشته می افتد؟ به بیاناتِ اَلن جی وایت در مورد آن کسانی که فکر میکردند تجربه تحول آنان در گذشته بسیار مهم است، توجه کنید: «گویی، اگر یکبار آنها چیزی درباره مذهب فهمیدند، دیگر نیاز ندارند تا هر روزه تغییر کنند؛ اما هر یک از ما باید هر روز متحول شویم.» Manuscript Releases، جلد ۴، صفحه ۴۶.

صرف نظر از هر آنچه که تجربیات شما در گذشته بوده است، حتی اگر قوی و چشمگیر بوده است، چرا مهم است که هر روزه با خداوند ارتباط داشته باشیم تا حقیقت، نیکویی، و قدرت او را حس کنیم؟ پاسخ خود را در روز سبت در کلاس مطرح کنید.

۱۹ تیر

پنجشنبه

قدرت شهادت شخصی

بیاید دوباره به پولس که در مقابل اغریپاس قرار گرفته بود نگاه کنیم. پولس رسول در مقابل مردی که، آخرین نسل شاهان یهودی، خاندان مکابیان، و مجلس هیروود بود، ایستاده است. اغریپاس ادعا میکرد که یهودی است، اما قلباً خود را رومی میدانست. (نگاه کنید به کتاب مقدس تفسیری ادونتیست، جلد ۶، صفحه ۴۳۶). رسول سالخورده، خسته از سفرهای بشارتی خویش و رنجیده از نبرد در مجادله بین خیر و شر در آنجا ایستاده، قلب او سرشار از محبت خدا و چهره اش تابناک از نیکویی خداوند است. حتی با وجود هر آنچه که در زندگی او رخ داده است و هرگونه آزار و اذیت و دشواری که او در زندگی اش تجربه کرده است، او میتواند اعلام کند که خدا نیکوست.

اغریپاس بدبین، شکاک، بی حس و بی تفاوت نسبت به هر نظام ارزشی واقعی است. در مقابل پولس که پُر از ایمان و متعهد به حقیقت است، و در دفاع از عدالت استوار و راسخ است. تفاوت بین این دو مرد از این مشهودتر نمیتواند باشد. پولس در جلسه

محاکمه خود درخواست کرد که اجازه دهند صحبت کند و اغریپاس به او اجازه اینکار را داد.

اعمال باب ۲۶: ۱ تا ۳۲ را بخوانید. چگونه پولس در برابر اغریپاس شهادت داد؟ از سخنان او چه می توانیم بیاموزیم؟

در جایی که خشم و نفرت قلبها را مسدود می کند، در مقابل، محبت و مهربانی آنها را می گشاید. در اینجا پولس با نهایت مهربانی و احترام با اغریپاس رفتار می کند. او اغریپاس را چنین خطاب کرد: «از این خوشوقتم که آن جناب به همه آداب و رسوم یهودیان و اختلافات بین آنان آشنایی کامل دارید» (اعمال ۶۲: ۳). سپس او درباره نحوه تغییر و تحول خود سخن گفت.

داستان تحول پولس در اعمال ۲۶: ۱۲ تا ۱۸ را بخوانید و سپس تاثیر آن بر روی اغریپاس که در اعمال ۲۶: ۲۶ تا ۲۸ بیان شده است را با دقت مورد توجه قرار دهید. چرا فکر میکنید اغریپاس همانگونه واکنش نشان داد که باید میداد؟ چه چیزی در شهادت پولس، اغریپاس را تحت تاثیر قرار داد؟

شهادت پولس از چگونگی تغییر زندگیش بوسیله عیسی، تاثیر قدرتمندی بر روی پادشاه کافر داشت. هیچ شهادتی به اندازه زندگی متحول شده نمیتواند تاثیرگذار باشد. شهادت زندگی حقیقی متحول شده، تاثیر شگفت انگیزی بر روی دیگران دارد. حتی زندگی پادشاهان کافر با فیض خداوند متحول میشود. حتی اگر ما به اندازه پولس حکایتی شورانگیز در مورد تحول خود نداشته باشیم، با اینحال همه باید قادر باشیم تا با دیگران در مورد مفهوم نجات و رستگاری بوسیله خون عیسی مسیح صحبت کنیم.

۲۰ تیر

جمعه

اندیشه ای فراتر: بخوانید از الن جی وایت، «تقریباً مرا متقاعد کرده ای»، صفحات ۴۳۳ تا ۴۳۸، در اعمال رسولان.

به هر اندازه که کتاب مقدس برای ایمان ما ضروری باشد، ولی به تنهایی ارزش روحانی واقعی برای ما نخواهد داشت، اگر هنگامی که آن را مطالعه می کنیم تاثیر روح القدس در قلب و ذهن ما نباشد.

اساس زندگی مسیحی، رابطه محکم و عمیق با مسیح است که ما مشتاق هستیم تا آنرا به اشتراک بگذاریم. هر قدر هم که تعلیم درست مهم باشد، اما نمیتواند جایگزین زندگی که توسط فیض و محبت مسیح متحول شده بشود. الِن جی وایت این مسئله را با کلام ساده اینطور بیان میکند: «منجی می دانست که هیچ استدلالی، هر چقدر هم که منطقی باشد نمیتواند قلبهای سخت را مجذوب خود کند یا پوسته سخت دنیاپرستی و خودخواهی آنرا درهم شکند. او میدانست که شاگردانش باید عطایای آسمانی را دریافت کنند؛ انجیل فقط زمانی میتواند تاثیرگذار باشد که توسط قلبهای گرم از محبت او و لبانی که توسط دانش جاودان او شیوا و سخنور شده اعلان شود، او که راه حقیقت و حیات است» (اعمال رسولان، صفحه ۳۱). در کتاب آرزوی اعصار، او این تفکر عمیق را اضافه میکند: «محبت شگفت انگیز مسیح قلبها را مجذوب و تسخیر میکند، در حالیکه صرفاً تکرار تعالیم هیچ چیزی را نمیتواند محقق کند». صفحه ۸۲۶.

کسانی هستند که اعتقاد دارند، شهادت شخصی، تلاش برای متقاعد کردن دیگران در مورد حقایق موجود در کلام خدا است. با اینحال اهمیت دارد که در زمان مناسب حقایق کلام خدا به اشتراک گذاشته شود، شهادت شخصی ما ارتباط زیادی دارد با رهایی از گناه، صلح و آشتی، رحمت، بخشش، قدرت، امید، و شادی که عیسی مسیح در هدیه حیات ابدی بطور رایگان به ما می بخشد.

سؤالاتی برای بحث

۱. چرا فکر می کنید که شهادت شخصی ما بسیار قدرتمند و تاثیرگذار بر دیگران است؟ چگونه شهادت دیگران بر شما و تجربه شخصی شما تاثیر میگذارد؟

۲. در کلاس، در مورد پاسخ خود به آخرین سؤال روز چهارشنبه صحبت کنید. چرا تجربه شخصی روزانه با خداوند بسیار مهم است، نه تنها برای شاهد بودن ما، بلکه برای ایمان شخصی خودمان نیز مهم است؟

۳. البته که یک شهادت قدرتمند میتواند گواه قوی باشد. در عین حال، چرا یک زندگی خداگونه اینقدر در بشارت ما نقش مهمی دارد؟

۴. شهادت شخصی خود را در کلاس به اشتراک بگذارید. به یاد داشته باشید که شما آنچه را که مسیح برای شما انجام داده است را به مشارکت می گذارید و مفهومی که او امروز برای شما دارد. مسیح چه تغییری در زندگی شما ایجاد کرده است؟



احیای کلیسای در اوهایو

توسط اندرو مک چسنی

وینس والن که یک برنامه ریز مالی بود اعتبار کار خود را مدیون روح القدس و یک آرگ بادی می داند، به این علت که توانست کلیسای را در ایالت اوهایوی امریکا، که به ۱۵ نفر تقلیل یافته بود، در طی مدت سه سال به جماعتی پر جنب و جوش متبدل سازد که بالغ بر ۸۵ نفر می شد. معجزات هنگامی رخ دادند که وینس در کلیساهای مختلف کوچک شروع به موعظه کرد که یکی از این کلیساهای، کلیسای ادونتیست روز هفتم همیلتون بود که از کودکی به همراه والدین خود برای عبادت به آنجا رفته بود. وینس گفت: در واقع، مشارکت مردم در آنجا تقلیل یافته بود. هیچ کسی در آنجا نبود که پیانو بنوازد. همسرم با استفاده از موسیقی یک سی دی سرود پرستشی می خواند.

عصر یک روز که همسرش دارلا از مراسم [جشن کوچک قبل از عروسی] که در کلیسای همیلتون برگزار شده بود برمی گشت اعلام کرد که شبان کلیسا دارد آنجا را ترک می کند.

همسرش به شوخی گفت: می توانی شبان آنجا بشوی. تا دو هفته وینس نمی توانست کلیسا را فراموش کند. اوشب هنگام با حرفهای همسرش بیدار شد که در گوشش نجوا می کرد، «تو می توانی شبان آنجا بشوی».

سرانجام، وینس داوطلب شد تا برای مدت شش ماه به کلیسای همیلتون کمک کند. مورد بعدی که او می دانست این بود که اعضای شش نفره هیئت مدیره کلیسای همیلتون برای او دعا می کردند تا شبان غیر رسمی آنان بشود.

۱. [منظور از شبان «غیر رسمی» این است که فرد برای شبانی دوره خاصی ندیده ولی بواسطه مطالعه و هدایت روح

القدس به سطحی رسیده که می تواند با رای و نظر بزرگان کلیسا به عنوان شبان خدمت نماید]

وینس گفت: در طی مدتی که من همواره شبها از خواب می پریدم آن دعاها در حقیقت ادامه داشته است. یقیناً این کار روح القدس بوده است. وینس با نقش جدید خود، از یک نوازنده حرفه ای بازنشسته ارگ به نام جری تیلور دعوت کرد تا به عنوان رهبر موسیقی کمک کند. یکروز جری با هیجان وینس را صدا زد تا بگوید که یک خانه بازنشستگی اعیانی یک ارگ بادی را به ارزش ۷۵۰۰۰ دلار بفروش می رساند. وینس گفت: ما از عهده خرید آن بر نمی آئیم! حتی ۵۰۰۰ دلار نیز برای ما خیلی زیاد است. جری گفت: حالا برویم یک نگاهی بیندازیم.

دینیار آن خانه بازنشستگی، مفتون شنیدن خبر درباره کلیسای همیلتون شده بود. او عذر خواسته و برای لحظه ای کوتاه ما را ترک کرد و بعد بازگشت و گفت: من همین الان با مدیر اینجا صحبت کردم. ما به دنبال کلیسایی بودیم تا این ارگ بادی را به آنجا اهدا کنیم. تنها شرط آن این است که کلیسا را بروی مردم باز کنید.

پس کلیسای همیلتون ارگ بادی را رایگان دریافت کرد. معجزات تمام شدنی نبود. کارگران ساختمانی محراب را با هزینه ای که در بر داشت برای ارگ بادی تغییر شکل دادند. آب چاه کلیسا قابل شرب نبود، از اینرو مهندسان کمک کردند تا آب شهری به کلیسا وصل شود. بسیاری از ایمانداران از فرقه های مختلف به گروه گر کلیسا پیوستند.

لحظه هیجان انگیز هنگامی رخ داد که دو زن در صبح روز سبت به کلیسا آمدند و اعلام نمودند که می خواهند سبت کتاب مقدسی را نگه دارند، پس از آنکه خودشان کتاب مقدس را مطالعه کرده بودند. یک زن و شوهرش بعدها تعمیم گرفتند.

وینس ۶۵ ساله گفت که ارگ بادی در هر حال تنها وسیله ای بود که خدا توسط آن مردم را به کلیسا جذب کرد. او گفت که ما داریم همینطور مردم را جذب می کنیم.

عیسی مردم را چگونه می بینند



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: مرقس ۸: ۲۲ تا ۲۶؛ یوحنا ۴: ۳ تا ۲۴؛ یوحنا ۱: ۴۰، ۴۱؛ مرقس ۱۲: ۲۸ تا ۳۴؛ لوقا ۲۳: ۳۹ تا ۴۳؛ اعمال ۸: ۲۶ تا ۳۸.

آیه حفظی: بدیشان گفت: «از عقب من آید تا شما را صیاد مردم گردانم» (متی ۴: ۱۹).

مسیح استاد صید جانهاست. با مشاهده طریقی که او با مردم رفتار میکرد، یاد میگیریم که چگونه دیگران را به سوی شناخت رستگاری از طریق عیسی مسیح سوق دهیم. وقتی با او همراه می شویم تا با او از کوچه های شلوغ بیت المقدس و از مسیرهای خاکی یهودا، و در دامنه های مرتفع جلیل گذر کنیم، در می یابیم که او چگونه اصول ملکوت را برای جستجوی جانها آشکار میکند.

عیسی تمامی زنان و مردان را شایسته ملکوت خویش دید. او همه انسانها را با چشم رحمت و شفقت الهی می دید. او پطرس را نه به عنوان یک ماهیگر خشن و حراف، بلکه به عنوان یک واعظ قدرتمند انجیل دید. او یعقوب و یوحنا را نه به عنوان دو انسان تند خو و آتشین مزاج، بلکه به عنوان مشتاقان بیان کننده فیض خود دید. او اشتیاق عمیق را در قلبهای مریم مجدلیه، زن سامری و مریم مادر عیسی به منظور پذیرش محبت حقیقی دید. او توما را نه به عنوان یک شکاک بدبین، بلکه به عنوان یک مخلص صادق با سؤالهای صادقانه و بی ریا دید. چه یهودی یا غیر یهودی، مرد یا زن، دزد بر روی صلیب، فرمانده نظامی، یا مرد دیوانه ای که روح پلید داشت؛ عیسی مسیح در آنان استعداد خدادادیشان را دید و به آنان از دیدگاه رستگاری نگاه کرد.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۸ تیر - ۱۸ جولای آماده شوید.

دومین لمس

در کل کتاب مقدس فقط یک معجزه از طرف عیسی موجود است که او در دو مرحله آنرا به انجام میرساند. و این شفای فرد نابینا در بیت صیدا است. این حکایت درس‌هایی را بدون محدودیت زمانی در تاریخ، در اختیار کلیسای مسیح میگذارد. این برنامه خداوند برای هر یک از ایمانداران است تا با بهره گرفتن از آن فرد دیگری را به سوی مسیح سوق دهند. کلام خداوند می‌گوید، «و چون به بیت صیدا رسیدند، عده ای مردی نابینا را نزد عیسی آوردند، تمنا کردند بر او دست بگذارد» (مرقس ۸: ۲۲). در اینجا کلمه مهم و کلیدی «آوردند» و «تمنا کردند» وجود دارد. مرد نابینا با میل خویش برای شفا نزد عیسی نیامده بود. دوستانش نیاز او را به شفا دیدند پس او را آوردند. اگرچه ممکن است مرد نابینا ایمان زیادی به مسیح نداشت، اما دوستانش او را نزد مسیح آوردند. زیرا آنان ایمان داشتند که مسیح میتواند آن مرد نابینا را شفا بخشد.

در عهد جدید حدوداً ۲۵ معجزه شفابخش جدا از هم وجود دارد که توسط مسیح انجام گرفته است. در بیش از نیمی از آنها یکی از بستگان یا دوستان فرد او را برای بهبودی نزد مسیح آورده‌اند. بسیاری از مردم هرگز نزد مسیح نخواهند آمد مگر اینکه کسانی که ایمان آورده‌اند آنان را نزد او بیاورند. نقش ما در اینجا «معرفی» مسیح و آوردن مردم نزد اوست.

دومین کلمه ای که در مرقس باب ۸: ۲۲ مورد توجه ما قرار می‌گیرد، کلمه «تمنا» است که میتواند به معنای التماس، درخواست، ترغیب باشد. این مطلب حاکی از یک خواهش ملایم، مهربانانه و مؤدبانه است تا اینکه تقاضائی گستاخانه و طلبکارانه باشد. دوستان این مرد نابینا با مهربانی به عیسی متوسل شدند، و معتقد بودند که عیسی هم تمایل و هم قدرت این را دارد که به او کمک کند. ممکن است این مرد آنقدر ایمان نداشته باشد که عیسی بتواند او را شفا بخشد، اما دوستانش ایمان داشتند و اینکار را کردند. گاهی اوقات ما باید دیگران را سوار بر بال ایمان خود بسوی عیسی مسیح ببریم.

مرقس باب ۸: ۲۲ تا ۲۶ را بخوانید. چرا فکر میکنید مسیح در دو مرحله مرد نابینا را شفا داد؟ این حکایت، امروز برای ما به عنوان شاهدان مسیح چه درس‌هایی دارد؟

آیا امکان دارد ما هم، مردم را به دیده روشن ببینیم؟ آیا ما نیز گاهی اوقات به جای دیدن آنها به عنوان کاندیدهای ورود به پادشاهی خداوند، آنان را بیشتر شبیه «درختانی متحرک» در سایه ای از ابهام می‌بینیم؟ به نظر شما چه چیزی باعث میشود تا هر از گاهی مردم را به وضوح ببینیم؟

علاوه بر این درس مشهود و روشن درباره نحوه بکار گیری خداوند از ما برای دستیابی به انسان‌ها، چه چیز دیگری میتوانیم از این حکایت بیاموزیم؟ به عنوان مثال، چگونه میتوانیم بیاموزیم که هم علم پزشکی و هم مسائل روحانی می‌توانند هر دو سهمی در بهبودی [شفا] و هدایت انسان‌های گمراه داشته باشند؟

دوشنبه

۲۵ فروردین

درسی از پذیرش

عیسی با الگو بودن برای حواریون میخواست تا آنان هم با نگرشی جدید هر فرد را ببینند. مسیح به حواریون آموخت که چگونه مردم را از منظر الهی ببینند. نگاه او به مردم ریشه ای و عمیق بود. او آنان را میدید، اما نه آنطور که به نظر می رسیدند، بلکه به صورتی که ممکن بود درآیند. مسیح در تمام تعاملاتش با مردم، با آنها با عزت و احترام رفتار کرد. او اغلب با طرز رفتار و برخورد خود با مردم، حواریون را شگفت زده میکرد. این امر به ویژه در برخوردش با زن سامری صادق است.

مطالعات باستانشناسی کتاب مقدس این نظریه جالب در مورد رابطه بین یهودیان و سامریان را بیان میکند: « شکاف میان سامریان و یهودیان از همان دوران اولیه است. بر اساس دوم پادشاهان باب ۱۷، سامریان از نوادگان مردمی بودند که در بین النهرین می زیستند، کسانی که توسط پادشاه آشوری در ۷۲۲ قبل از میلاد تبعید شده و مجبور شدند تا در سرزمینهای شمالی اسرائیل مستقر شوند. آنان پرستش یهوه را با عبادات بت پرست در هم آمیختند [The Archaeological Study Bible] (انتشارات زاندروند، ۲۰۰۵)، صفحه ۱۷۲۷]. آنها علاوه بر این شیوه های بت پرستی به منظور شبیه سازی، کهنات رقیب را بوجود آورده و معابدی رقیب را بر روی کوه جرزیم ساختند. با توجه به چنین اختلاف عقیدتی با سامریان، شاگردان مسیح میبایستی متعجب شده باشند زمانیکه عیسی مسیر راه سامره را برای رفتن به سمت جلیل انتخاب کرد. آنها تعجب کردند که عیسی خود را درگیر بحث مذهبی نمیکند. او بی درنگ درخواست زن سامری برای پذیرش، محبت، و بخشش را اجابت نمود.

یوحنا باب ۴:۳ تا ۴:۳۴ را بخوانید. چگونه عیسی به زن سامری نزدیک شد؟ واکنش زن سامری به گفتگوی مسیح با او چه بود؟ واکنش حواریون به این ماجرا چه بود و چگونه عیسی دیدگاه آنان را تغییر داد؟

درس ماندگاری که عیسی آرزو داشت تا به شاگردانش و هر یک از ما تعلیم دهد، به همین سادگی است: «کسانی که روح مسیح را دارند، همه انسان‌ها را از دیدگاه شفقت الهی می‌بینند» (الن جی وایت، نشانه‌های زمان، ۲۰ ژوئن، ۱۸۹۲).

افرادیکه شما به خاطر تاثیرات فرهنگی و اجتماعی خودتان، گرایش دارید به آنان به دیده تحقیر یا عدم احترام نگاه کنید، چه کسانی هستند؟ چرا باید نگرش خود را تغییر دهید، و چگونه می‌توان این تغییر را بوجود آورد؟

سه شنبه

۲۴ تیر

از جاییکه هستید شروع کنید

شخصی این سخن بجا را گفته است، «تنها نقطه‌ای که در زندگی باید از آنجا شروع کرد، جایی است که شما در آن آنجا هستید، زیرا مکان دیگری برای شروع وجود ندارد». عیسی در اعمال باب ۱: ۸ این اصل را تاکید میکند، «اما وقتی روح القدس بر شما نازل شود قدرت خواهید یافت و در اورشلیم و تمام یهودیه و سامره و تا دور افتاده‌ترین نقاط عالم شاهدان من خواهید بود».

پیام مسیح به شاگردانش بسیار روشن‌تر و واضح‌تر از آن بود که فهمیده نشود: از جایی شروع کنید که در آنجا هستید. در آنجایی که خداوند شما را قرار داده، شاهد باشید. به جای آنکه در رویای بدست آوردن فرصت‌های بهتر باشید از اطرافیان خود شروع کنید. فرصتهایی که در نزدیکی شما می‌باشد را با چشمان الهی ببینید!

نیازی نیست که شما تحصیل کرده‌ترین، سخنورترین و با استعدادترین فرد جهان باشید. در هر حال با بهره‌گیری درست از برخی از این عطایا می‌توان مفید بود، و در آخر اینکه، در کلان‌چیز که بدان نیاز دارید، عشق به خداوند و عشق و علاقه برای نجات جان‌هاست. اگر مایلید تا شاهد مسیح باشید، خداوند راه انجام اینکار را برای شما باز میکند.

یوحنا باب ۱: ۴۰، ۴۱؛ یوحنا ۵: ۶ تا ۱۱، و یوحنا ۱۲: ۲۰ تا ۲۶ را بخوانید. این آیات چه چیزی را در مورد بینش روحانی اندریاس و عملکرد او برای شاهد مسیح بودن، به ما میگویند؟

تجربه و حکایت اندریاس به روشنی با ما سخن می‌گوید. او با خانواده خودش شروع کرد. او ابتدا با برادرش درباره مسیح صحبت کرد. اندریاس با پسر بچه‌ای که نان جو و

دو ماهی داشت ایجاد دوستی و ارتباط برقرار کرد و سپس برای مسیح مواد غذایی متعلق به او را فراهم کرد تا معجزه خود را نشان دهد، در اینجا استعداد اندریاس فقط این بود که میدانست چگونه باید با یونانیان رفتار کرد. به جای بحث در مورد مسائل عقیدتی، او نیاز مردم را حس کرد و آن را با مسیح در میان گذاشت.

هنر موثر صید جان‌ها، هنر برقراری روابط مثبت و دلسوزانه است. به افراد نزدیک خود که ممکن است عیسی را نشناسند فکر کنید. آیا آنان وجود شخصی مهربان و دلسوز را در زندگی شما حس میکنند؟ آیا در شما آرامش و هدفی را می بینند، که آرزوی آنرا داشته باشند؟ آیا زندگی شما تبلیغی برای انجیل است؟ ما با شناساندن عیسی مسیح به دیگران، بین آنان و خداوند دوستی ایجاد میکنیم. آنان دوستان مسیحی میشوند و سر انجام، همانطور که ما پیام زمان آخر خداوند در مورد حقایق کتاب مقدسی را با آنان به اشتراک میگذاریم، شاید آنان به عضویت مسیحیان کلیسای روز هفتم ادونتیسست در آیند.

چرا هدایت اعضای فامیل و بستگان خودمان به سوی مسیح در برخی مواقع بسیار دشوار است؟ آیا تا به حال در معرفی مسیح به یکی از اعضای خانواده یا دوستان نزدیک خود موفق بوده‌اید؟ اصولی را که ممکن است برای کلاس مفید باشد به اشتراک بگذارید.

تیر ۲۵

چهارشنبه

سر و کار داشتن با افراد سختگیر

عیسی، استاد برخورد با افراد سخت گیر بود. او با کلام و اعمال خود ثابت کرد که پذیرای آنان است. او با دلسوزی و حساسیت به دل نگرانیها و سوالاتی که مطرح میکردند گوش میداد، و با حوصله و صبورانه حقایق الهی را برای آنان بیان میکرد. او اشتیاق درونی سخت ترین قلبها را تشخیص میداد و نیروی پنهانی شیطان را در بدترین گناهکاران می دید. از نظر مسیح هیچکس دور از دستیابی انجیل نبود. مسلماً مسیح باور داشت که: «هیچکس آنقدر در گناه نیافتاده، و هیچکس آنقدر بدطینت و فاسد نشده که نتواند رستگار شود، بلکه آنها می‌توانند در عیسی مسیح نجات یابند» (الن جی وایت، آرزوی اعصار، صفحه ۲۵۸). مسیح به انسان‌ها با دیدگاه متفاوتی نسبت به بقیه ما نگاه میکرد. او در همه انسان‌ها درخشش جلال اولیه و اصیل خلقت را میدید. او حیطة فکری آنان را بالا برد تا بتوانند امکان تحولی را درک کنند که ممکن است در آنها بوجود آید، و بسیاری برای کسب آنچه که او برای زندگی آنان در نظر داشت، نزد او آمدند.

متی باب ۴: ۱۸، ۱۹؛ مرقس ۱۲: ۲۸ تا ۳۴؛ و لوقا ۲۳: ۳۹ تا ۴۳ را بخوانید. چه شباهتی را

در دعوت مسیح از پطرس و یوحنا، یکی از علمای دینی، و دزد بر روی صلیب می بینید؟ رویکرد مسیح را با هر یک از این افراد، به دقت مطالعه کنید. چه چیزی برایتان برجسته است و توجه شما را جلب میکند؟

مسیح به هر جا که می رفت، توانایی های روحانی را می دید؛ وی استعداد درونی نامزدهای احتمالی برای ورود به پادشاهی خداوند را در بعید ترین و محتمل ترین شرایط میدید. ما این توانایی را «رشد دیدگاه کلیسا» می نامیم. بینش رشد یافته کلیسا یک حساسیت پرورش یافته در کلیسا برای دیدن مردم از همان دیدگاهی است که مسیح می دید، یعنی دیدن آنان به عنوان فاتحان و شایستگان ورود به پادشاهی خداوند. همچنین این مستلزم «رشد روحانی گوش های کلیساست»، یعنی شناخت و درک نیازهای بیان نشده از سوی اطرافیان ماست. یعنی شنیدن صدای اشتیاق قلبهای آنان برای چیزهایی که آنان ندارند، حتی اگر آنان آشکارا و صراحتاً آن نیازها را بیان نکنند.

از پروردگار بخواهید تا شما را نسبت به کارگردانی و هدایت روح القدس در زندگی دیگران حساس کند. دعا کنید که خداوند شما را دوباره لمس کند و چشمان شما را باز کند تا فرصتهای روحانی را ببینیم که هر روزه او برای ما فراهم میکند تا ایمانمان را با دیگران به اشتراک بگذاریم. در پی خداوند، برای داشتن چشم بینا، قلب حساس شنوا، و شوق معرفی مسیحی که شما او را شناخته و دوست دارید، برای دیگران باشید، و آنوقت شما در مسیر خود بسوی سفر هیجان انگیز حیات خواهید بود. زندگی معنای کاملاً جدیدی به خود می گیرد. شما چنان احساس رضایت خاطر و شادمانی خواهید کرد که هرگز آنرا قبلاً تجربه نکرده اید. تنها کسانی که برای جانها کار می کنند می توانند رضامندی را درک کنند که از آن حاصل می شود.

۲۶ تیر

پنجشنبه

درک فرصتهای زودگذر

کتاب اعمال رسولان مملو از داستانهایی است که نشان میدهد که چگونه شاگردان مسیح از فرصتهای زودگذر برای پیشرفت ملکوت خداوند بهره گرفتند. یکی پس از دیگری، شرح حالهای شگفت انگیزی را در مورد کلیسای اولیه و چگونگی رشد آن میخوانیم، حتی با وجود چالش هایی که کلیسا چه در داخل و چه از خارج با آنها روبرو بود.

به عنوان مثال، در دوم قرنیتیان باب ۲: ۱۲، ۱۳، پولس رسول در مورد تجربه خود در تروآس می گوید: «پس چون برای بشارت انجیل مسیح به تروآس رفتم، دریافتم که خداوند در آنجا دری بزرگ به روی من گشوده است. اما باز آرام نداشتم زیرا برادر خود تیطوس

را نیافتیم. پس با اهالی آنجا وداع کرده، به مقدونیه رفتیم.» خدا به طرز معجزه آسایی راه را برای پولس باز کرد تا انجیل را در قاره اروپا موعظه کند، و او میدانست درهایی را که امروز خداوند باز کرده، شاید فردا بسته شوند و دیگر فرصتی برای تبلیغ انجیل نباشد. او با استفاده از فرصت پیش آمده و دیدن امکانات موجود بلافاصله به سوی مقدونیه حرکت کرد.

خداوند عهد جدید، خدای گشاینده درهای بسته است [خدایی که فرصتهای کوتاهی را برای ما فراهم میکند تا ایمان خود را به اشتراک بگذاریم]. در سراسر کتاب اعمال رسولان، خدا در تلاش است. در همه جا، شهرها، ولایات، کشورها و مهمتر از همه در قلب افراد مختلف، درهای بازی برای کلام خدا وجود دارند.

اعمال باب ۸: ۲۶ تا ۳۸ را بخوانید. این آیات در خصوص راه هایی که فیلیپس برای هدایت خداوند می‌گشاید و واکنش او به فرصتهای الهی، چه چیزی به ما می آموزند؟

«فرشته خداوند فیلیپس را بسوی کسیکه در پی نور و آماده پذیرش انجیل بود راهنمایی کرد، و امروز فرشتگان قدم به قدم آن دسته از کارگران خداوند را هدایت می کند که اجازه میدهند تا روح القدس زبانهای آنان را تقدیس و قلبهایشان را تطهیر و لمس کند. فرشته ای که برای راهنمایی فیلیپس بسوی مرد حبشی فرستاده شد، خودش میتوانست پیغام خداوند را به مرد حبشی برساند، اما خداوند بدین طریق عمل نمی کند. این نقشه اوست که انسانها برای هموعان خود تلاش کنند» (الِن جی وایت، اعمال رسولان، صفحه ۱۰۹).

اگر ما هم گوش شنوا و چشمان بینا داشته باشیم، توسط فرشتگان نادیده خداوند هدایت میشویم تا حقایق ملکوت او را به جویندگان حقیقت برسانیم.

توجه کنید که چگونه کتب مقدس، اساس این داستان بودند. همچنین توجه داشته باشید که چگونه این مسئله بسیار مهم بود تا کسیکه کلام خدا را میدانست، بتواند آنرا به تفصیل شرح دهد. چه درس هایی در اینجا برای ما وجود دارند؟

۲۹ فروردین

جمعه

تفکری فراتر: از خانم الِن جی وایت بخوانید، «انجیل در سامره»، صفحات ۱۰۳ تا

۱۱۱، اعمال رسولان.

همه مردم اطراف ما در پی یافتن حقیقت جاودان هستند. همانطور که عیسی بدرستی آنرا بیان میکند، «پس به شاگردان خود گفت: در حقیقت محصول فراوان است ولی کارگر کم». مشکل، کمبود محصول نبود. عیسی با چشمان الهی مسح شده، فراوانی محصول را میدید در حالیکه شاگردان او فقط تضادها را می دیدند. راه حل عیسی مسیح برای این مشکل چه بود؟ «بنابراین شما باید از صاحب محصول درخواست نمایید تا کارگرانی برای جمع آوری محصول خود بفرستد» (متی ۹: ۳۸). راه حل این است که دعا کنید، تا خداوند شما را برای برداشت محصول خود بفرستد.

چرا اینگونه دعا نکنیم؟ «پروردگارا، من میخواهم از من برای پیشرفت ملکوت خودت استفاده کنی. چشمان من را باز کن تا بتوانم هر روزه فرصتهای کوتاهی را که در مقابل من قرار میدهی ببینم. به من بیاموز که نسبت به اطرافیان خودم حساس باشم. به من کمک کن تا سخنان امیدوار کننده و تشویق کننده بیان کنم و محبت و حقیقت تو را با آنانیکه هر روزه با آنان در تماس هستم به اشتراک بگذارم». اگر شما مشتاق باشید که این دعا را بکنید، خداوند کارهای فوق العاده ای در زندگی شما خواهد کرد.

سؤالاتی برای بحث

۱. اگر تلاش کرده اید تا جان‌هایی را به سوی مسیح بیاورید، از یک چیز آگاه هستید: همیشه اینکار آسان نیست، اینطور نیست؟ بله، مطمئناً، فقط خداوند میتواند قلبها را تغییر دهد، اما او با حکمت خود تصمیم گرفته است تا ما هم بخشی از این روند باشیم. حتی کار برای نجات یک انسان نیارمند زمان، تلاش، صبر، و محبتی است که از آسمان داده شده باشد. چه تصمیماتی میتوانید بگیرید که به شما کمک کند تا به منظور شاهد مسیح بودن خویشتن انکاری و ایثار کنید؟

۲. برخی از افرادی که پیاپی آنان در تماس هستید و مسیح را نمیشناسند، چه کسانی هستند؟ چه کاری انجام داده‌اید، یا در حال انجام دادن هستید، یا باید انجام دهید، تا برای آنان شاهد [سفیر مسیح] باشید؟

۳. در مورد پولس از شهر طرسوس بیندیشید. در اینجا کسی وجود دارد که به نظر می‌رسد خیلی سختگیر باشد که تغییر کند! ولی با اینحال، میدانیم که چه اتفاقی برای او رخ داد. این مطلب چه چیزی را در مورد خطر پیش‌قضواتی دیگران بر اساس ظواهر آنان به ما می‌گوید؟

۴. با یادآوری حکایت شائول، نظر ما در مورد آیه ای مانند متی باب ۷: ۶ - «آنچه مقدس است به سگان ندهید و مرواریدهای خود را جلوی خوک‌ها نریزید. مبادا آنها را زیر پا لگدمال کنند و برگشته شما را بدرند، چه می‌تواند باشد؟



خانواده فیلیپینی تحول یافتند

توسط استیون دراگو

یک مبشر نوشتجات و ادبیات در خیابانهای گرم و خاکی فیلیپین در شهر بوتوآن راه می رفت. با آن همه زحمتی که متحمل شد، هیچ چیز نتوانست بفروشد. این تنها منبع درآمدش بود؛ پس کمی دلسرد شد. اما عزم خود را جزم کرد تا درب یک خانه دیگر را بکوبد. وقتی نزدیک شد دعا کرده و بعد در زد.

زنی نحیف با چشمانی مشتاق با لبخند با مرد خسته سلام و احوالپرسی کرد. او گام آسمانی خود را برداشت و آن زن می توانست صداقت و خلوص را در چشمان او ببیند و از صدایش بشنود. و بسان این می مانست که خود روح القدس دارد با زن حرف می زند.

او یک زن مسیحی بود، اما سالها در دلسردی عمیقی به سر می برد درحالیکه هیچ اشتیاقی برای پیروی از مسیح نداشت. وقتی وضعیت اقتصادی خانواده رو به رکود گذارد، زن بسان یک فرد گرسنه مشتاق بود تا از عیسی بشنود. اما جیبهایش همیشه خالی بود. ده فرزند داشت و سه تای دیگر نیز در راه بود.

او چگونه می توانست کتاب بشارتی آن مرد را بخرد تا فقط آنرا خوانده و به اشتراک بگذارد؟ عنوان کتاب «نبرد عظیم» بود که توسط خانم الن جی وایت نوشته شده بود.

بدون معطلی، او کتاب را با بودجه کمی که داشت خرید. بیش از ۵۰ سال از آن روز می گذرد اما اثره آن کتاب همچنان احساس می شود. آن زن که اسمش ایفانیا تای است تک تک فرزندان را به سوی مسیح هدایت نمود. او یقیناً باور داشت به نوشته الن جی وایت در کتاب «شهادتهایی برای کلیسا» جلد شش صفحه ۴۲۹ اعتقاد داشت: «کار ما برای مسیح باید از خانواده شروع شود و در خانه. ... هیچ حوزه بشارتی مهم تر از این نیست». یکی از پسرهایش به نام فلورنته تای شبان شد و هم اکنون متصدی موسسه انتشارات کلیسای ادونتیست روز هفتم در شهر مانیل واقع در فیلیپین است. دیگر

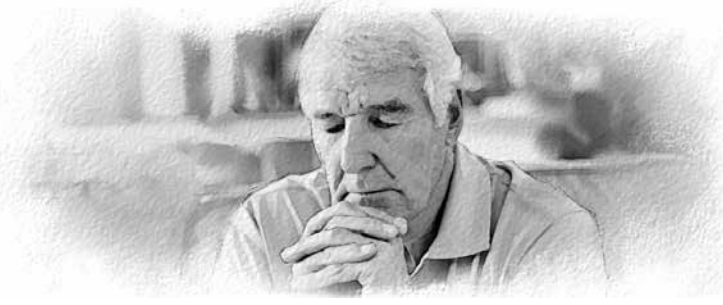
فرزندانش به عنوان مشایخ، شماس و خادمه معلم در کلیسای ادونتیست و موسسات آموزشی شدند. تقریباً همگی از دانشکده ویو مانتین فارغ التحصیل شدند و هر یک به دیگری برای رفتن به آن دانشکده کمک کرد. من این زن را به عنوان «مامان» می‌شناسم. با یکی از دخترهایش به نام دورکاس ازدواج کردم که تمام عمرش را وقف تعلیم در آکادمی ادونتیست کرده است.

مامان قبل از اینکه او را ملاقات کنم سگته کرده بود. او لال، کور و بستری بود. او از صمیم قلبش تلاش کرد تا در اولین ملاقاتمان با من حرف بزند اما نتوانست. اصلاً مهم نیست. اوهم اکنون با قلبم خیلی وقتها حرف زده است چونکه او سالها پیش به روح القدس پاسخ داد. مامان در آگوست ۲۰۱۳ در سن ۸۹سالگی درگذشت.

بسیاری از مردم تنها به خاطر آن مبشر ادبیاتی تنها، به مسیح روی آوردند؛ از طریق کتاب قدرتمند و از طریق زنی که جذب روح القدس شده بود. مامان من دوباره تو را در آن روز تعیین شده خواهم دید.

اسیتون دراگو در تصویر به همراه دورکاس، خادم کتاب مقدس و مبشر در کریستین برگ ایالت ویرجینیا است.

قدرت دعا: شفاعت برای دیگران



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: مکاشفه ۱۲: ۷ تا ۹؛ افسسیان ۶: ۱۲؛ عبرانیان ۷: ۲۵؛ افسسیان ۱: ۱۵ تا ۲۱؛ دانیال ۱۰: ۱۰ تا ۱۴؛ اول یوحنا ۵: ۱۴ تا ۱۶.

آیه حفظی: «نزد یکدیگر به گناهان خود اعتراف نمائید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید. دعای صمیمانه شخص عادل و نیک بسیار مؤثر است» (یعقوب ۵: ۱۶).

اعضای کلیسای عهد جدید نیاز خود را به دعا احساس کردند.

«پس از دعای ایشان، مکانی که در آن جمع بودند به لرزه درآمد و همه از روح القدس پُر گشته، کلام خدا را با شهادت بیان می کردند» (اعمال ۴: ۳۲). توجه کنید: شاگردان دعا کردند. آنها با روح القدس پر شدند، و سپس کلام خدا را با جسارت و اعتماد به نفس برای دیگران بیان کردند.

بین دعای آنان و پُر شدن با روح القدس و بشارت قدرتمندانه کلام خدا رابطه مستقیمی وجود داشت. «شاگردان در دعا برکات را فقط برای خودشان درخواست نکردند. آنان با بار مسئولیت نجات جان‌ها محک و سنجیده می شدند. آنها فهمیدند که انجیل باید به جهان معرفی شود، و آنها مدعی قدرتی بودند که مسیح وعده آنرا داده بود» (الن جی وایت، اعمال رسولان، صفحه ۳۷).

زمانیکه برای شفاعت دیگران از خداوند مسئلت نمائیم، او از طریق قلبهای ما کار میکند تا ما را به خود نزدیکتر کند و به ما حکمت الهی بخشد تا برای ملکوت او به دیگران دست یابیم (یعقوب ۱: ۵). همچنین او با قدرت در زندگی آنان عمل میکند و آنان بسوی خود می کشاند، به طریقی که ما نمیتوانیم ببینیم یا حتی کاملاً درک کنیم (اول یوحنا ۵: ۱۴ تا ۱۷).

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۴ مرداد - ۲۵ جولای آماده شوید.

جدال کیهانی

مکاشفه باب ۱۲: ۷ تا ۹، افسسیان ۶: ۱۲، و دوم قرنتیان ۴: ۱۰ را با هم مقایسه کنید. چگونه این آیات در درک ما از دعای شفاعت تاثیر میگذارد؟

کتاب مقدس پرده را از بین دنیای پیدا و ناپیدا از برابر چشمان ما بر میدارد. بین شر و خیر، بین نیروهای تاریکی و عدالت، و بین مسیح و شیطان نزاع وجود دارد. در این مجادله کیهانی، خداوند به آزادی بشر احترام میگذارد. او هرگز در اراده آزاد انسان مداخله نمیکند و ضمیر او را مجبور به عملی نمیکند. او روح القدس خود را می فرستد تا جهان را در مورد گناه، عدالت و داوری متقاعد کند (یوحنا ۱۶: ۷، ۸). فرشتگان آسمانی وارد این نبرد میشوند، تا به افرادی که مایلند نجات الهی را دریافت نمایند کمک و مراقبت نمایند (عبرانیان ۱: ۱۴). همچنین خداوند وقایع موقتی را در زندگی افراد ترتیب می دهد تا آنان را بسوی خویش هدایت نماید.

آنچه که خداوند انجام نخواهد داد، تحمیل و اجبار است. زور و اجبار بر خلاف قانون ملکوت خداوند است. تهدید و اجبار با قاعده محبت که اساس پادشاهی اوست، بیگانه است. در اینجا دعا نقش بسیار مهمی دارد. با اینحال خداوند تمام تلاش خود برای دستیابی به انسانها را قبل از دعا آغاز کرده است، اما دعاها را با قدرت خداوند توانا را آشکار میکند. او به آزادی انتخاب ما در مورد دعا کردن برای دیگران احترام میگذارد، هنگامیکه ما دعا میکنیم او میتواند در پرتو مجادله بین نیکی و بدی کار بیشتری نسبت به زمانیکه ما دعا نمی کنیم انجام دهد.

این جمله را با دقت در نظر داشته باشید، «این بخشی از نقشه خداوند است که ما را در پاسخ به دعای از روی ایمان سهیم کند، تا از طریق دعا، آنچه را که او به ما نداده است طلب کنیم» (الن جی وایت، نبرد بزرگ، صفحه ۵۲۵). در نبرد میان نیکی و بدی، دعا دگرگونی ایجاد میکند. وقتی ما برای کسانی که مسیح را نمی شناسند دعا میکنیم، دعای ما مجرای برکات الهی را برای جاری شدن در زندگی آنان باز میکند. خدا به انتخاب ما در زندگی برای دعا کردن برای دیگران احترام میگذارد و حتی به مراتب قدرتمندتر به سود آنان عمل میکند.

در پرداختن به موضوع دعای شفاعت، ما باید با فروتنی اعتراف کنیم که کاملاً عملکرد خداوند را درک نمیکنیم، اما این موضوع نباید مانع ما از دعای مستمر برای برکات دعای شفاعت برای خود و دیگران شود.

چرا فکر می کنید، زمانیکه ما دعا میکنیم خداوند با قدرت بیشتری نسبت به زمانیکه از دعا کردن غفلت میکنیم، عمل می کند؟ حتی اگر ما بطور کامل درک نمی کنیم که چگونه این مسئله اتفاق می افتد، چرا باید توصیه کتاب مقدس برای دعا کردن دیگران باعث شود که ما این کار را انجام دهیم؟

عیسی: شفاعت کننده توانا

لوقا باب ۳: ۲۱، لوقا ۵: ۱۶ و لوقا ۹: ۱۸ را بخوانید. این آیات در مورد رابطه بین زندگی عبادی مسیح و مثمر ثمر بودنش در خدمت چه چیزی به ما میگویند؟

زندگی عیسی مسیح یک ارتباط مستمر الهی با پدرش بود. عیسی در زمان تعمید هنگامیکه رسالت وابسته به مسیح موعود بودن خویش را شروع کرد، او برای قدرت الهی در جهت کامل کردن هدف ملکوتیش دعا کرد. او مجهز به قدرت روح القدس شد تا اراده پدر و وظیفه ای که از قبل به او محول شده بود را به انجام رساند و کامل کند. چه در هنگام خوراک دادن به پنج هزار نفر، چه در حال شفای جذامی، و یا در نجات فرد دیوانه از ارواح پلید، عیسی تشخیص داد که در نبرد بین خیر و شر، دعا یک سلاح قدرتمند برای شکست نیروهای جهنمی است. دعا، روش مقدّر شده ملکوتی است که ما در آن ناتوانی ها و ضعف های خود را با قدرت قادر مطلق، یعنی خداوند تلیفیک میکنیم. این وسیله ای است برای نزدیک شدن به خداوند، تنها کسیکه میتواند قلبهای آنانیکه ما برایشان دعا میکنیم را لمس کند.

لوقا باب ۲۲: ۳۱ تا ۳۴ و عبرانیان باب ۷: ۲۵ را بخوانید. عیسی چه اطمینانی به پطرس داد تا او را برای وسوسه هایی که در آینده با آنها مواجه خواهد شد آماده کند؟ او چه تضمینی به هریک از ما در هنگام روبرو شدن با وسوسه ها می دهد؟

مردان و زنانی که دعا می کنند، فاتحان تاثیر گذار روح هستند. عیسی مسیح با ذکر نام پطرس برای او دعا کرد. او به پطرس اطمینان داد که در زمان بزرگترین وسوسه اش، او برایش دعا خواهد کرد. شیطان خیلی خوب با استعدادهای درونی پطرس برای پیشرفت ملکوت خداوند آشنا بود. او قصد داشت تا هر کاری که ممکن است انجام دهد تا تاثیرات مثبت نقش پطرس در کلیسای مسیح را از بین ببرد. اما در طی تمام وسوسه های شیطان، مسیح در حال دعا برای پطرس بود، و به دعاهای استاد او پاسخ داده شد. چه واقعیت هیجان انگیزی که بدانیم منجی بشریت برای ما نیز دعا میکند. او ما را دعوت میکند تا با دعای شفاعت برای دیگران و بلند کردن آنان در حضور عرش خداوند با ذکر نام در اینکار به او به پیوندیم.

استمرار و پایداری ما در دعا، وابستگی کامل و مطلق ما به خداوند در دستیابی به آنانیکه برایشان دعا میکنیم را اعلام و تایید میکند.

در حال حاضر شما برای چه کسی دعا می کنید؟ چرا بسیار مهم است که هرگز ناامید نشوید، هرچند که اوضاع دشوار به نظر می رسد؟

تیر ۳۱

سه شنبه

دعاهای شفاعت پولس

دعای شفاعت، کتاب مقدسی است. پولس در طول خدمت خود، برای تولد تازه در کلیساهائی که در طی خدمت بشارتی خود تاسیس کرده بود دعا میکرد. پولس باور داشت که وقتی دعا می کند اتفاقی خواهد افتاد که اگر دعا نکند، اتفاق نخواهد افتاد. با اینکه او را از عزیزانش جدا کرده بودند، او درک کرد که آنها می توانند همانطور که برای یکدیگر دعا میکنند در قلبهایشان با هم متحد شوند.

افسیسیان باب ۱: ۱۵ تا ۲۱ را بخوانید. در سطرهای زیر، فهرست درخواست های مختلف پولس از خدا برای افسسیان را ذکر کنید. او بطور خاص چه چیزی را از خدا خواست که به آنها بدهد؟

دعای پولس برای ایمانداران افسس قابل توجه است. او دعا کرد تا خداوند به آنها خرد و حکمت روحانی بخشد، ذهن آنان را با حقیقت الهی روشن کند و به آنان امید حیات ابدی ببخشد. همچنین او دعا کرد که آنها عملکرد قدرتمند، قدرت خداوند را در زندگی خود تجربه کنند. خداوند آنقدر قادر و توانا است که عیسی را از بین مردگان زنده کرد، و وقایعی را رقم می زند که اساس امید آنها برای حیات ابدی در اوست. دعای او با یادآوری «میراث غنی و پر جلال مسیح» پایان می گیرد. مسیحیان افسس باید با روح تشویق پر شده باشند و دانسته باشند که پولس برای آنها دعا می کرد تا بدانند که دعای پولس در مورد چه چیزی است.

فیلیپیان باب ۱: ۳ تا ۱۱ و به لحن دعای پولس توجه کنید. اگر شما عضو کلیسای فیلیپی بودید و نامه ای شبیه به این از پولس دریافت می کردید، که در آن نه تنها برای شما دعا می کند بلکه همچنین محتوا و چارچوب دعای او با شما در میان گذاشته می شد، چه احساسی داشتید و چرا؟ چه وعده هایی در این سخنان یافت میشوند؟ در عین حال، چه تذکراتی نیز وجود دارد؟

اینها برخی از برجسته ترین و دلگرم کننده ترین کلمات موجود در کتاب مقدس هستند، پر از وعده ها و همچنین دعوت برای پُر شدن از محبت، دانش و عطایای حاصل از شناخت مسیح، که پس از آن میتوانیم شخصی باشیم که خداوند در نظر داشت تا در اتحاد با مسیح باشیم.

چهارشنبه

۱ مرداد

قدرتهای غیبی در کار

در نبرد بین خیر و شر دعای شفاعت یک سلاح قدرتمند است که ما آنرا «نبرد بزرگ» می نامیم. یکی از روشن ترین مکاشفه ها در مورد این نبرد در دانیال باب ۱۰ آمده است. شما به یاد می آورید که ارمیاء نبی پیش بینی کرده بود که یهودیان هفتاد سال در بند بابلین خواهند بود. در پایان عمر دانیال، این دوره نبوتی اسارت یهودیان رو به پایان بود. دانیال نگران بود، او شواهد کمی در ارتباط با تحقق نبوت ارمیا می دید و قوم او هنوز در اسارت بودند.

دانیال باب ۱۰: ۱۰ تا ۱۴ را بخوانید. چه هنگام دعاهای دانیال شنیده شد، و چه چیزی موقتاً مانع آنها بود؟

این آیه ای شگفت انگیز است. برای درک کامل آن بگذارید با برخی از شخصیت‌های آن آشنا شویم. چه کسی شاهزاده پادشاهی پارس است؟ مطمئناً کوروش نیست. او پادشاه امپراتوری پارس است. به احتمال زیاد عبارت «شاهزاده پادشاهی فارس» نمایانگر شیطان است. مسیح او را «رئیس این جهان» نامید (یوحنا ۱۲: ۳۱، یوحنا ۱۴: ۳۰). پولس او را «رئیس قدرت هوا» (افسسیان ۲: ۲) لقب می دهد. اگر شاهزاده پارس نمایانگر شیطان است، پس چه کسی میکائیل است؟ اصطلاح میکائیل پنج بار در کتاب مقدس آمده است (مکاشفه ۱۲: ۷؛ یهودا ۹؛ دانیال ۱۰: ۱۳، ۲۱؛ و دانیال ۱۲: ۱). مطالعه دقیق بر روی این آیات نشان میدهد که میکائیل (که به معنای «کسیکه شبیه خداست») اصطلاح دیگری برای توصیف عیسی به عنوان فرمانده همه فرشتگان در نبرد مستقیم با شیطان است. مسیح پسر ابدی، ازلی، قادر الهی، خداوند است. یکی از عملکردهای او به عنوان فرمانده کل فرشتگان، شکست شیطان و در نهایت نابودی اوست.

دانیال باب ۱۰ پرده را کنار می زند و آشکار میکند که این نبرد میان خیر و شر است. همانطور که دانیال دعا می کند، میکائیل، مسیح قادر متعال، از ملکوت نازل میشود تا نیروهای تاریکی جهنمی را شکست دهد. با اینکه ممکن است ما آن را نبینیم، اما عیسی

در تلاش است تا به دعا‌های شفاعت ما پاسخ دهد. او ناجی قادر ماست. و هیچیک از دعا‌های ما به دور از توجه و پاسخ او نمی ماند.

واقعیت نقش نبرد بزرگ را در زندگی خودتان چگونه می بینید؟ واقعیت این نبرد در مورد نوع انتخاب‌هایی که نیاز است شما در زندگیتان بکنید، چه چیزی به شما می گوید؟

۲ مرداد

پنجشنبه

تمرکز دعا

در سراسر کتاب مقدس بطور خاص بر روی دعا تاکید شده است. دعا، چند خواست و آرزوی مبهم و غیر مشخص روح نیست. دعا آوردن درخواست‌های ویژه و خاص به حضور خداوند است. مسیح بطور خاص برای شاگردانش [حواریون] دعا کرد. پولس رسول بطور خیلی خاص برای مسیحیان افسسس، فیلیپی، و کولسیه دعا کرد. او برای دوستان جوان خود مانند تیموتائوس، تیتوس، و یوحنا مرقس دعا کرد.

اول سموئیل باب ۱۲: ۲۲ تا ۲۴ و ایوب باب ۱۶: ۲۱ را بخوانید. چه چیزی در این آیات مشترک است؟ آنها چه چیزی را در مورد دعای شفاعت به ما میگویند؟

هم سموئیل و هم ایوب هر دو بر نیاز دعای شفاعت صمیمانه، قلبی، و خالصانه تاکید می کنند. سخنان سموئیل کاملاً قدرتمندانه بیان شده است. او فریاد بر می آورد، «حاشا از من که با دست کشیدن از دعا برای شما، به خداوند گناه ورزم» (اول سموئیل ۱۲: ۲۳). ما تقریباً می توانیم طنین صدای دعای سموئیل را در سخنان ایوب بشنویم «کاش که کسی میان من و خدا میانجیگری کند» (ایوب ۱۶: ۲۱). شفاعت و میانجیگری برای زنان و مردانی که مسیح را نمی شناسند، وظیفه همه ماست.

اول یوحنا باب ۵: ۱۴ تا ۱۶ را بخوانید. وقتی برای دیگران شفاعت میکنیم چه اتفاقی می افتد؟

وقتی برای دیگران دعا می کنیم، ما پل ارتباطی رسیدن برکات خداوند به آنان میشویم.

او از طریق ما جریان آب حیات را از بارگاه ملکوتی خویش در آسمان وارد زندگی آنان میکند. کلّ لشگر شیطان با نوای صمیمانه شفاعت به لرزه در می آید. خانمِ اِن جی وایت قدرت دعا را با این سخنان قابل توجه توصیف می کند: «شیطان تحمل ندارد تا در برابر قدرت و عظمت رقیب قدرتمند خود به هراس و لرزه بیفتد و عقب نشینی کند. با صدای صادقانه دعا، کلّ سپاه شیطان به لرزه در می آید» (اِن جی وایت، شهادت ها برای کلیسا، جلد ۱، صفحه ۳۴۶). دعا، ما را به منشاء قدرت الهی در نبرد برای نجات جانهای زنان و مردان گمشده متصل می کند.

متی باب ۱۸: ۱۸، ۱۹ را بخوانید. این آیات چه ارتباطی با دعای شفاعت دارند، و چگونه این آیات تشویق میکنند تا برای دعای رستگاری برای کسانی که پروردگار را نمی شناسند، با دیگران هم صدا شد؟

۳ مرداد

جمعه

اندیشه ای فراتر: بخوانید، از خانمِ اِن جی وایت، «مزیت دعا»، صفحات ۹۳ تا ۱۰۴، از کتاب گامهایی بسوی مسیح؛ «کار برای اعضای کلیسا»، صفحات ۱۹ تا ۲۴، از کتاب شهادت هایی برای کلیسا، جلد ۷.

وقتی ما برای دیگران دعا میکنیم، خداوند به تعهد و اتکاء ما نسبت به او و قدرتش ارج می نهد و با بکارگیری تمامی عوامل آسمان، انسان را تغییر میدهد. همانطور که دعاهای ما بسوی عرش او بالا میروند، فرشتگان درگاه او به دستور او وارد عمل میشوند. «فرشتگان خادم در عرش او در انتظار هستند تا فوراً از فرمان مسیح پیروی کنند و به هر دعایی که برخاسته از ایمان زنده و صادقانه است، پاسخ دهند» (اِن جی وایت، پیامهای منتخب، جلد دوم، صفحه ۳۷۷). ما اطمینان داریم که در نزد خداوند هیچ دعایی نه بی جواب می ماند، و نه فراموش می شود. آنها در آسمان ذخیره میشوند تا در زمان و مکانی که خود مناسب می داند به آنها پاسخ دهد. «دعایی که از روی ایمان باشد هرگز بی جواب نمی ماند؛ اما با اطمینان از اینکه همیشه به طریقی به آن مورد خاصی که در دعا انتظار آنرا داریم پاسخ داده خواهد شد، می توان استنباط کرد که هیچ دعایی بی پاسخ نمی ماند» (اِن جی وایت، شهادتهایی برای کلیسا، جلد ۱، صفحه ۲۳۱). این موضوع ما را تشویق می کند تا برای همسران، فرزندان، وابستگان، دوستان، و همکارانمان که مسیح را نمی شناسند، شفاعت کنیم. یک دعای خالصانه هیچوقت بی جواب نمی ماند. ممکن است همیشه فوراً پاسخهای دعاهايمان برای دیگران را دریافت نکنیم، اما خداوند بر روی قلبهای آنان کار میکند، به طریقی که ما فقط در ابدیت از آن مطلع خواهیم شد.

سوالاتی برای بحث

۱. فیلیپیان باب ۱: ۱۹؛ کولسیان باب ۴: ۲، ۳؛ و دوم تسالونیکیان باب ۳: ۱، ۲ را بخوانید. به علت دعای فیلیپیان، پولس در دوران حبس از چه اطمینان خاطری برخوردار بود؟ او از کولسیان و تسالونیکیان خواست تا از جانب وی برای چه چیزی دعا کنند؟ این درخواست های دعای شفاعت چه ارتباطی با روح پرستش دارند؟
۲. به واقعیت نبرد بزرگ و اینکه این روایت مهم در پس جهانی که ما در آن زندگی می کنیم، شکل می گیرد توجه کنید. چگونه آگاهی شما از این نبرد به درک شما از اهمیت دعا کمک میکند؟ بله، مسیح پیروز این نبرد است، و ما می دانیم که در پایان کسانی که در طرف او هستند پیروز خواهند بود. اما در این بین، چرا بسیار مهم است که دعا کنیم و در پی آن باشیم تا هر کاری که می توانیم برای وفادار ماندن به او و نجات دیگران انجام دهیم؟
۳. برخی از موانع داشتن یک زندگی فعال تر در انجام دعای شفاعت چه هستند؟ برخی از بهانه های شما برای طفره رفتن از دعا برای دیگران چه هستند؟



سربازی وفادار در لهستان

توسط سلاومیر پاسک

وقتی ارتش لهستان هواپیماهای میگ ۲۱ را از رده خارج کرده تا جت های جدیدتر جایگزین شوند، فرصتی یافتم تا شغل مکانیکی خود را ترک کرده تا شغل جدید پیدا کنم:

من کاربرج مراقبت را انتخاب کردم و برای همین به مدت شش ماه به طور فشرده آموزش دیدم. اما وقتی فارغ التحصیل شدم یک دکتر چشم پزشک مرا واجد شرایط ندانست و گفت که دیدِ چشمانم ضعیف شده است. در حالیکه غم تمامی وجودم را فرا گرفته بود گفتم «خدا یا چرا؟»

سرانجام پای من به انجام کارهای عجیب و غریب در یک پایگاه نظامی کشیده شد. کارم طوری بود که وقت زیاد داشتم و ساعتها به خواندن کتاب مقدس مشغول می شدم. اشتیاق داشتم بدانم که خدا در من ریشه می افکند.

در خانه، همسرم آنتا به همراه من کتاب مقدس می خواند. متوجه شدیم که چندین متن هست که با چیزی که در کلیسایمان آموختیم هماهنگی نداشت. نوشته شده بود که مُردگان در زمین می خوابند نه در آسمان یا جهنم و اینکه روز هفتم، روز سبت می باشد.

یک روز شنبه، آنتا و من تصمیم گرفتیم تا از یک کلیسای ادونتیست بازدید کنیم. با همدیگر اینگونه توافق نمودیم که اگر چیزی بر خلاف آنچه در کتاب مقدس است بشنویم آنجا را ترک کنیم. ما هرگز آنجا را ترک نکردیم.

یک شبان به ما دروس کتاب مقدس تعلیم داد و می دانستم که تنها مشکل زمان وجود دارد که باید ارتش را ترک کنم. من نمی توانستم همزمان هم سبت را نگه دارم و هم خدمت کنم. اما هیچ مشکلی در سبت به وجود نیامد. به آسانی در روز سبت شیفت کاری خود را با دیگران عوض کردم.

پس از چندین سال، یک فرصت برای ارتقاء به درجه سرپرستی در بخش رادار به وجود آمد. من راحت با فرمانده ام راجع به ایمانم و اینکه چگونه سبتها را نگه می داشتم حرف زدم.

فرمانده شگفتزده شد و پرسید: «چرا به من نگفتی که شیفت کاری ات را با دیگر دوستان عوض می کردی؟ تا جائیکه من مسئول هستم هر شنبه آزادی هستی.»

موضوع ایمانم همه جا پیچید و سربازان با سوالات روحانی نزد من می آمدند. اما تاثیر ایمانم هنگامی واضحتر بود که پس از ۲۹ سال خدمت در ارتش آماده بازنشسته شدن بودم. یک فرمانده مرا به اتاق کارش صدا زد تا با من بطور خصوصی حرف بزند.

اوگفت: من شروع به خواندن کتاب مقدس کرده ام. از تو سوالاتی دارم. وقتی به عقب نگاه می کنم حالا می فهمم که چرا خدا در را به سوی کار برج مراقبت برویم بست. اگر آن کار را برمی گزیدم، هرگز نمی توانستم کتاب مقدس بخوانم و وقت نمی شد. آنوقت نمی توانستم شیفت کاری ام را با دیگران برای نگه داشتن سبت عوض کنم. و نمی توانستم با دیگر سربازان در مورد ایمانم حرف بزنم.

همه چیز طبق نقشه من به پیش رفت اما نقشه های خدا بهترین است.

شهادت دادن با روح توانمند



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: یوحنا ۱۵: ۲۶ و ۲۷؛ اعمال رسولان ۲: ۴۱، ۴۲؛ اعمال رسولان ۸: ۴؛ عبرانیان ۴: ۱۲؛ اعمال رسولان ۱۷: ۳۳، ۳۴؛ اعمال رسولان ۱۸: ۸.

آیه حفظی: «هنگامی که دعایشان به پایان رسید، ساختمان محل اجتماع آنان به لرزه درآمد و همه از روح القدس پر گشتند و کلام خدا را با شهامت بیان می کردند» (اعمال ۴: ۳۱).

هنگامیکه مسیح به ایمانداران اولیه فرمان داد: «به تمام نقاط دنیا بروید و این مژده را به تمام مردم اعلام کنید» (مرقس ۱۶: ۱۵)، باید به نظر می رسید که این ماموریت غیر ممکن باشد. چگونه آنها میتوانند چنین چالش بزرگی را به انجام رسانند؟ تعداد آنان اندک و امکاناتشان محدود بود. آنان گروهی ایماندار معمولی از طبقه بی سواد جامعه بودند. اما آنها خدایی خارق العاده داشتند که می توانست آنها را در این ماموریت بزرگ و خارق العاده توانمند سازد.

اما عیسی اظهار داشت، «وقتی روح القدس بر شما نازل شود قدرت خواهید یافت و در اورشلیم و تمام یهودیه و سامره و تا دور افتاده ترین نقاط عالم شاهدان من خواهید بود» (اعمال ۱: ۸). قدرت توانمند سازی روح القدس آنان را قادر ساخت تا بتوانند پیام صلیب را با قدرت متحول کننده زندگی و تغییر دهنده جهان، با دیگران در میان بگذارند. روح القدس باعث شد تا بشارت آنان موثر واقع شود. تنها در طی چند دهه، انجیل بر کل جهان تاثیر گذاشت. در کتاب اعمال رسولان آمده است که این ایمانداران اولیه «دنیا را بهم ریخته اند» (اعمال ۱۷: ۶). پولس رسول اضافه می کند که انجیل «به تمامی خلقت زیر آسمان موعظه شده است» (کولسیان ۱: ۲۳). در این هفته، بطور خاص بر نقش روح القدس در توانمندسازی کار شهادت ما برای مسیح خواهیم پرداخت.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۱ مرداد - ۱ آگوست آماده شوید.

مسیح و وعده آمدن روح القدس

عیسی با وعده آمدن روح القدس، نگرانی شاگردان را در مورد ترک آنان و بازگشت به آسمان را برطرف کرد. «با این حال، من به شما راست می‌گویم که رفتنم به سود شماست. زیرا اگر بروم، آن مدافع نزد شما نخواهد آمد؛ اما اگر بروم او را نزد شما می‌فرستم» (یوحنا ۱۶: ۷). کلمه یونانی برای لغت «پشتیبان [مدافع]» parakletos است. و این کلمه به «کسی که به منظور کمک در کنار انسان است» اشاره دارد. یکی از عملکردهای مهم روح القدس اینست که در کنار همه ایمانداران برای توانمندسازی و هدایت آنان در جهت فعالیتها و وظایف بشارتی آنان قرار گیرد. وقتی شاهدان عیسی میشوند، تنها نیستیم. روح القدس در کنار ماست تا ما را به سمت سالکان صادق او هدایت کند. او حتی قبل از اینکه ما آنان را ملاقات کنیم، قلبهای آنان را آماده کرده است. او کلام ما را هدایت می‌کند، ذهن‌های سالکان را متقاعد ساخته و آماده پذیرش مسیح می‌کند، و آنان را توانایی میبخشد تا به القائات او واکنش نشان دهند.

یوحنا باب ۱۵: ۲۶، ۲۷ و یوحنا باب ۱۶: ۸ را بخوانید. این آیات درباره نقش روح القدس در کار بشارت، چه چیزی به ما می‌گویند؟

روح القدس گواه یا شاهد مسیح است و او را تایید می‌کند. هدف غایی او هدایت بسیاری از انسان‌ها بسوی مسیح است. رسالت او جلال عیسی مسیح است. با توجه به این نقش، او کلیه ایمانداران را نسبت به مسئولیتی که به عنوان شاهد دارند، متعهد می‌سازد. او چشمان ما را باز می‌کند تا امکانات و فرصتهای موجود در اطرافمان را ببینیم و در پس صحنه تلاش می‌کند تا قابلیت پذیرش برای پیام انجیل را ایجاد کند.

انجیل یوحنا این موضوع را به روشنی بیان می‌کند. او «می‌آید تا جهان را در مورد گناه، عدالت و داوری متقاعد سازد» (یوحنا ۶: ۸). به عبارت دیگر، او حس بیگانگی از خدا را از قلبها می‌زداید و در عمق وجود، حس نیاز به توبه را ایجاد کند. او همچنین جهان را به «عدالت» متقاعد میکند. روح القدس نه تنها گناه را بر ملا و آشکار می‌سازد، بلکه ما را بسوی عدالت و درستی هدایت می‌کند. او عظمت و شکوه درستی و عدالت عیسی در مقابل پلیدی [گناه] ما را آشکار می‌سازد. نقش روح القدس صرفاً این نیست که نشان دهد چقدر ما بد هستیم؛ بلکه اینست که نشان دهد، چقدر عیسی خوب، مهربان، دلسوز و دوست داشتنی است، و ما را شبیه او سازد.

بطور ساده شهادت صرفاً همکاری با روح القدس برای جلال عیسی مسیح است. با قدرت روح و تحت هدایت او، ما مسیح شگفت‌انگیز را تایید می‌کنیم و شهادت می‌دهیم که او چگونه زندگی ما را دگرگون کرده است.

در تمایل برای نجات جان‌ها، چرا باید همیشه بخاطر داشته باشیم که نمیتوانیم کسی را متقاعد کنیم، بلکه تنها روح القدس است که می‌تواند؟

دوشنبه

۶ مرداد

کلیسای قدرتمند

کتاب اعمال رسولان بطور شایسته‌ای، «اعمال روح القدس» خوانده شده است. این یک ماجراجویی مهیج در شهادت دادن، بشارت انجیل، و رشد کلیسا است. اعمال رسولان، حکایت ایمانداران وقف شده‌ای است که از روح القدس پُر شده‌اند، که جهان را برای مسیح تحت تاثیر قرار میدهند. آنها برای دستیابی به نتایج معجزه آسا، کاملاً به روح القدس وابسته بودند. آنان نمونه‌ای بودند از آنچه که روح القدس می‌تواند از طریق مردان و زنانی که کاملاً خود را وقف او کرده‌اند، انجام دهد.

اعمال باب ۲: ۴۱، ۴۲؛ اعمال ۴: ۴، ۳۱؛ اعمال ۵: ۱۴، ۴۲؛ اعمال ۶: ۷؛ اعمال ۱۶: ۵ را بخوانید. چه چیزی در این آیات شما را تحت تاثیر قرار می‌دهد؟ لوقا، نویسنده کتاب اعمال، با ثبت چنین رشد سریعی، چه پیامی را می‌خواست تا به اشتراک بگذارد؟

هدف لوقا از نوشتن کتاب اعمال این است تا رسالت روح القدس در کلیسای اولیه را با هر خواننده کتاب در میان بگذارد.

همچنین توجه داشته باشید که او از بکارگیری ارقام و اعداد برای نشان دادن میزان رشد سریع روح القدس در قرن اول تردید نمیکند. یعنی او تعداد تعمیدها را حساب کرده و ثبت میکند. او در اعمال ۲: ۴۱، این واقعیت که ۳۰۰۰ نفر در یک روز و در یک مکان تعمید یافتند را بیان می‌کند. او در اعمال باب ۴: ۴، درباره ۵۰۰۰ نفری که تعمید یافته‌اند صحبت میکند. و در اعمال باب ۵: ۱۴ بیان میکند که بسیاری از مردم نزد خداوند آمدند و تعمید یافتند.

لوقا هیچ یک از افرادی را که دل‌هایشان با روح القدس تحت تاثیر قرار گرفته باشد را از قلم نمی‌اندازد، خواه یک فرد تنها مانند لیدیه، زندانبان اهل فیلیپی، یا دختری دیورده که کنیز بود، و یا خواه آن فرد یک خواجه اتیوپیایی باشد.

نکته مهم در اینجا اینست که در هر یک از این اعداد و ارقام بزرگ انسانی، برای هر یک از این فرزندان خدا، مسیح است که جان خود را برای آنان بخشید. بله، ما از ارقام بزرگ تعمید خرسند میشویم، اما سرانجام، بشارت غالباً مجاهدت تک به تک است.

برای کمک به رشد سریع کلیسا در عهد جدید، کلیساهای جدیدی تاسیس شدند. یکی از دلایلی که کلیساهای اولیه خیلی سریع رشد کرد، اینست که کلیسا بطور مستمر با تاسیس کلیساهای جدید، تکثیر می‌شد. این موضوع چه پیام مهمی برای امروز ما دارد؟

تمرکز اصلی کلیسای عهد جدید تبلیغ و بشارت بود. چگونه میتوانیم اطمینان حاصل کنیم که در کانونه‌های کارهایی که در کلیسای محلی ما انجام می‌گیرد، کارهای بشارت همیشه در نقطه قانونی آن باشد؟

۷ مرداد

سه شنبه

روح القدس و شهادت دادن

در سراسر کتاب اعمال رسولان، روح القدس قدرتمندانه حضور داشته است. او ایمانداران را هدایت میکرد و از طریق آنان همانگونه که به طرق مختلف آنان شاهدان پروردگار خویش بودند، امور کلیسا را به پیش برد. او آنها را قوت بخشید تا با مشقات و چالشهای شهادت دادن در فرهنگی که با کلیسا ضدیت داشت مقابله کنند. او آنان را بسوی جویندگان واقعی و صادق حقیقت هدایت کرد. قبل از ورود ایمانداران به شهرها، او در تمامی شهرها، قلبهای مردم را برای پذیرش آنان آماده میکرد. وی درهای فرصت را در برابر آنان گشود، هرگز آنان در خواب هم نمی توانستند توانمندی سخنان و اعمال خود را تصور کنند.

اعمال رسولان باب ۷: ۵۵؛ اعمال رسولان ۸: ۲۹؛ اعمال رسولان ۱۱: ۱۵؛ اعمال رسولان ۱۵: ۲۸، ۲۹؛ و اعمال رسولان ۱۶: ۶ تا ۱۰ را بخوانید. چگونه روح القدس در هر یک از تجربیات ذکر شده در این آیات مقدس، به حواریون در کار بشارت کمک و آنان را هدایت کرد؟ به عبارت دیگر، برخی از کارهای مختلفی که روح القدس در چنین شرایطی انجام داد، چه بودند؟

خدمات مختلف روح القدس در قرن اول واقعاً شگفت انگیز بود. تجربیات ذکر شده در آیات فوق فقط نمونه ای از فعالیتهای او می باشد. او به استیفان قدرت بخشید تا در مواجهه با ظالمان و جمعیت خشمگین و غیر قابل کنترل که او را به مرگ محکوم کرده بودند، شهادی برای پروردگارش باشد. او بطرز معجزه آسایی، فیلیپ را بسوی یک حبشی پرنفوذ سالک حقیقت هدایت کرد تا درهای قاره آفریقا را برای رسوخ انجیل بگشاید.

او هنگامیکه ایمانداران غیر یهودی هدیه روح القدس را دریافت کردند، به پطرس نشان تأیید کننده ای داد که ایمانداران غیریهودی نیز می توانند روح القدس را دریافت کنند. در حالیکه مسئله ختنه براحتی میتوانست در کلیسا شکاف ایجاد کند، وی در کلیسا اتحاد و یکپارچگی بوجود آورد و وی راه را باز کرد تا در کل قاره اروپا از طریق پولس رسول، انجیل را موعظه کند.

روح القدس در کلیسای عهد جدید فعال بود، و امروز هم او در حیات کلیسا فعال است و کار می کند. او تمایل دارد تا ما را توانمند سازد، قوت بخشد، تعلیم دهد، هدایت کند، متحد سازد، و ما را برای انجام مهم ترین ماموریت در جهان، که هدایت مردان و زنان به سمت عیسی مسیح و حقیقت اوست بفرستد. نکته ای که در اینجا باید به خاطر بسپاریم اینست، که او امروز هم فعال و در کار است، درست همانطور که او در زمان رسولان و کلیسای اولیه بود.

ما هر روزه چه کاری میتوانیم انجام دهیم، تا خودمان را بیشتر پذیرای دریافت قوت و قدرت روح القدس در زندگیمان کنیم؟ انواع انتخابات صحیح در زندگی چه هستند که به وی اجازه خواهند داد تا در ما و از طریق ما کار کنند؟

۸ مرداد

چهارشنبه

روح القدس، کلام، و شهادت

کلام خدا درست در کانون شهادت کلیسای عهد جدید بود. موعظه پطرس در روز پنطیکاست، بیشتر برخاسته از عهد عتیق بود تا ثابت کند که عیسی همان مسیح موعود است. شرح حال مرگ استیفان باعث بازنگری تاریخ اسرائیل در عهد عتیق میشود. پطرس به «پیامی که خدا برای قوم اسرائیل فرستاد» (اعمال ۱۰: ۳۶) اشاره میکند و سپس حکایت قیام مسیح را با گرنلیوس درمیان میگذارد. پولس رسول بارها و بارها به پیش گوئی های عهد عتیق در مورد آمدن مسیح اشاره می کند، و فیلیپ با دقت برای حبشی جستجوگر، برجستگی نبوت مرتبط با مسیح موعود را توضیح می دهد که در اشعیا ۵۳ آمده است. در تمامی این مثالها، حواریون کلام خدا را اعلان کردند و نه آنچه خود میدانستند. کلام الهام بخش روح، اساس قدرت و نفوذ آنان بود.

اعمال باب ۴: ۴، ۳۱؛ اعمال رسولان ۸: ۴؛ اعمال رسولان ۱۳: ۴۸، ۴۹؛ اعمال رسولان ۱۷: ۲؛ اعمال رسولان ۱۸: ۲۴، ۲۵ را بخوانید. این آیات در مورد ارتباط بین روح القدس، کلام خدا، و شهادت کلیسای عهد جدید، به ما چه می آموزند؟

همان روح القدس که کلام خدا را الهام بخش می‌سازد، از طریق کلام خدا برای تغییر زندگی‌ها کار می‌کند. در کلام خدا قدرت حیات بخش زندگی وجود دارد زیرا کلام زنده مسیح از طریق روح کار می‌کند.

دوم پطرس باب ۱: ۲۱ و عبرانیان ۴: ۱۲ را بخوانید. چرا کلام خدا آنقدر قدرتمند است که می‌تواند زندگی‌ها را تغییر بدهد؟

«نیروی آفریننده که جهان را به وجود آورد، در کلام خداوند است. کلامی که بیانگر قدرت؛ آغازگر زندگی است. هر فرمان وعده ای است؛ که با اراده پذیرفته میشود، روح آنرا دریافت می‌کند، و این زندگی را به ارمغان می‌آورد که جاودان است. این تحول، طبیعت انسان را دگرگون می‌کند و جان را به شباهت خدا در می‌آورد» (الن جی وایت، آموزش، صفحه ۱۲۶).

دلیلی که کتاب مقدس از چنین قدرتی برای تغییر زندگی انسان برخوردار است اینست که همان روح القدس که از ابتدا کتاب مقدس را الهام بخشید، در حینی که کتاب مقدس را میخوانیم، به ما الهام می‌بخشد و تحول ایجاد می‌کند. همانطور که کلام خدا را با دیگران به اشتراک می‌گذاریم، روح القدس در آنان کار می‌کند تا زندگی آنان را از طریق کلامی که او الهام نموده تغییر دهد. خدا وعده داده است که کلامش را برکت دهد، نه سخنان ما را. قدرت و قوت در کلام خداست، و نه در فرضیات بشری.

تمرکز اصلی کلیسای عهد جدید تبلیغ و بشارت بود. چگونه میتوانیم اطمینان حاصل کنیم که در کانونهمه کارهایی که در کلیسای محلی ما انجام می‌گیرد، کارهای بشارت همیشه در نقطه کانونی آن باشد؟

۹ مرداد

پنجشنبه

قدرت متحول کننده روح القدس

مطالعه دقیق کتاب اعمال آشکار می‌کند که خدا از طریق روح القدس خویش در زندگی انسان معجزه می‌کند. اعمال رسولان، کتابی در خصوص پیروزی انجیل بر تعصبات فرهنگی، تغییر و دگرگونی عاداتهای کهنه ریشه دار، و تعلیم همه حقایق و فضایل انسانی مسیح است. روح القدس انسان‌ها را در همان جایگاه و شرایطی که هستند ملاقات می‌کند، ولی هرگز آنان را در جایی که هستند رها نمی‌کند. با حضور او، آنها متحول میشوند و زندگی آنان دگرگون میشود.

اعمال رسولان باب ۱۶: ۱۱ تا ۱۵، ۲۳ تا ۳۴؛ اعمال رسولان ۱۷: ۳۳، ۳۴؛ و اعمال رسولان ۱۸: ۸ را بخوانید. اینها فقط چند مورد از داستان‌های تحول انسان‌ها در کتاب مقدس است. این شرح حال‌های مختلف درباره قدرت متحول کننده خدا در زندگی افراد مختلف با پیشینه‌های متفاوت، به ما چه می‌آموزند؟

چه تنوع شگفت‌انگیزی از مردم! لیدیه یک تاجر کوشای یهودی، و زندانبان فیلیپی یک خادم از طبقه متوسط حکومت روم بود. روح القدس میتواند به همه طیفهای جامعه دست یابد. او قدرت متحول کردن همه مردان و زنان، غنی و فقیر، عامی و تحصیل کرده را دارد.

دو شخصیت آخر در لیست ما از میان این انسان‌های متفاوت همچنان قابل توجه هستند. اعمال باب ۱۷: ۳۴ به تحول دیونسیوس عضو مجمع آریوپاگوس اشاره دارد. آریوپاگوس‌های آتن، عده‌ای از مشاوران قانونی مجمع داوری بودند که پرونده‌های دادگاه را بررسی و قضاوت می‌کردند. آنها اعضای برجسته و محترم جامعه یونان بودند. به واسطه قوت و قدرت روح القدس، ماموریت پولس رسول حتی توانست به طبقات مرفه جامعه هم برسد. سیلاس (اعمال ۱۸: ۸) حاکم کنیسه یهودیان بود. او یک رهبر مذهبی با نفوذ در تفکرات عهد عتیق یهود بود، و روح القدس در او رخنه کرد و زندگی او را تغییر داد. این موارد تاریخی آشکار می‌کند، همانطور که ما شاهد مسیح هستیم و سخنان او را با دیگران در میان می‌گذاریم، روح القدس کارهای برجسته‌ای در زندگی همه مردم با انواع پیشینه‌ها، فرهنگها، تحصیلات، و عقاید انجام می‌دهد. ما نمی‌توانیم و نباید فرض کنیم که چه کسی می‌تواند یا چه کسی نمی‌تواند توسط روح القدس لمس شود. وظیفه ما اینست تا سفیر مسیح برای هر کسی و آنایکه وارد زندگی ما شده‌اند باشیم. خداوند بقیه کار را انجام خواهد داد.

مرگ مسیح بر روی صلیب برای کل جهان بود؛ یعنی، برای همه نوع بشر و برای همیشه بود. این حقیقت حیاتی در خصوص اینکه چطور هرگز نباید فرض کنیم که هیچکس فراتر از امید رستگاری نیست چه چیزی به ما می‌آموزد؟

تفکری فراتر: بخوانید از الن جی وایت، «ثمره روح القدس»، صفحات ۴۷ تا ۵۶، از کتاب اعمال رسولان؛ «دل شما مضطرب نشود»، صفحات ۶۶۷ تا ۶۷۲، از کتاب آرزوی اعصار. روح القدس در جریان نجات و رستگاری انسان، با پدر و پسر همکاری می کند. ما از طریق تمام فعالیت های بشارتیمان در کار نجات انسان ها به او ملحق میشویم. او قلبها را متعهد می سازد. او درهای فرصت را باز می کند. او از طریق کلام خود، ذهن را روشن و حقیقت را آشکار می سازد. او بندهای غرور و تعصبی را پاره می سازد که ما را به بردگی می کشند. و بر تعصبات فرهنگی که چشمان ما را از دیدن حقیقت، تیره و تاریک می سازند، پیروز میشود، و ما را از قید زنجیرهای عادات شیطانی که اسیر ساخته اند، رهایی می بخشد.

همانطور که ما شاهد مسیح هستیم، یادآوری این نکته ضروری است که ما در حال همکاری با روح القدس هستیم. او قبل از ما در آنجا حضور دارد و قلبها را برای دریافت پیام انجیل آماده می کند. همانطور که ما تصادفاً به کسی محبت می کنیم، شرح حال زندگی خود را به اشتراک می گذاریم، جلسه مطالعه کتاب مقدس برگزار می کنیم، یا در یک سفر بشارتی شرکت می کنیم، او همراه ماست و برفراز ذهنها حرکت می کند و آنها را آماده پذیرش مسیح می کند. حتی بعد از اینکه ما فردی را ترک کنیم، او کار نفوذ بر قلبها را ادامه خواهد داد و هرکاری که لازم باشد برای هدایت آن شخص بسوی علم و آگاهی از نجات انجام می دهد.

سؤالاتی برای بحث

۱. با اعضای گروه مطالعه کتاب مقدس، زمانهایی که حس کرده اید روح القدس با قدرت و قوت از طریق بشارت در شما کار می کند را در میان بگذارید.
۲. آیا تا به حال از به اشتراک گذاشتن ایمان خود احساس نگرانی یا ترس کرده اید؟ چگونه آگاهی از هدایت روح القدس این ترس را کاهش می دهد و همانطور که کار خود را انجام می دهید به شما اطمینان خاطر می بخشد؟
۳. در درس این هفته، ما درباره «فعالیت های» روح القدس در شهادت ایمان صحبت کردیم. در مورد برخی از روشهای مختلفی که روح القدس در تلاش های ما برای شهادت دادن با ما همکاری می کند، بحث کنید. چگونه روح القدس ما را آماده می سازد که شهادت بدهیم و بر روی زندگی دیگران همانطور که شاهد هستیم، کار کنیم؟
۴. این درس در مورد محوریت کتاب مقدس در کار شهادت دادن صحبت کرد. چرا کتاب مقدس عنصر و عامل حیاتی در این کار و ایمان ما است؟ چگونه میتوانیم از دام کسانی که با وجود ادعای اعتقاد به کتاب مقدس ماهرانه از اعتبار و اقتدار آن میکاهند، برحذر باشیم؟



چهار رویای پیاپی

توسط اندرو مک چسنی

اولین رویا به وقوع پیوست پس از این که ابراهام کیتا در ساعت ۳ صبحگاه طبق سنت از خواب بیدار شد تا بر روی سجاده دعای خود دعا کند. او در روستائی بنام بوفای در گینه در غرب آفریقا زندگی می کرد. ابراهام در دعا گفت: بیش از ۴۰ سال دارم و نه همسری نه فرزندی و نه کار و نه پول دارم. لطفاً کمکم کن. می خواهم مرا به یک نبی تبدیل کنی تا بتواند از طرف تو با دیگران حرف بزند.

همینطور که در دعا بود بادی وزیدن گرفت. احساس ضعف کرد و روی سجاده به خواب رفت. ناگهان، یک نفر او را تکان داد و گفت: پسر برو و در رختخوابت بخواب."

دقایقی بعد، او بر روی رختخواب در حال خواب بود و خوابی دید. در رویا، شخصی با چشمانی شبیه آتش به او نزدیک شد. ابراهام فکر کرد دارد به او حمله می شود و وحشت کرد و گفت: تو که هستی؟

آن مرد گفت: من عیسی مسیح هستم. در صبح ابراهام نگران بود که بعد چه اتفاقی خواهد افتاد.

شب بعد خوابی دیگر دید. آن مرد را یکبار دیگر دید. این دفعه هر دو مسیر کوهستانی کوهی بلند راه می رفتند. در شب سوم ابراهام در خواب دید که به دنبال کار است و عیسی کارگران را استخدام می کند. ابراهام دید که عیسی پشت میزی نشسته است و اسامی مردم را می پرسد و بر روی کاغذ می نویسد.

در شب چهارم ابراهام عیسی را دید که تا سینه در آبهای عمیق اقیانوس آتلانتیک فرو رفته است. عیسی به او نگاه می کرد و او نیز به عیسی. سه سال گذشت. ابراهام به پایتخت کشور گینه، گناگری رفت و به عنوان کارگر ساختمان استخدام شد. وقتی از سر کار به خانه بر می گشت با یکی پیشگامان بشارت جهانی به نام ترانکول فاسینادونو را در راه مواجه شد.

ترانکول پرسید: حالت چطور است؟ من یک مسیحی ام. آیا دوست داری

از کلیسایم دیدن کنی؟

ابراهام پاسخ داد: چگونه؟ من به مذهبی دیگر تعلق دارم. حتی نمی دانم راجع به چه چیز صحبت می کنی؟ در خانه خوابی را که در آن عیسی را دیده بود به خاطر آوردم. تصمیم گرفتم تا به کلیسای آن پیشگام بشارت جهانی بروم تا ببینم درباره چه چیزی می باشد.

او در کلیسا از ابراهام به گرمی استقبال کرد و از آنچه که شنید خوشش آمد. بعد از آن هر سبت رفت و بعد قلبش را به عیسی سپرد.

امروز ابراهام، ۴۸ ساله، در گینه، نگهبان ساختمان های مرکزی کلیسای ادونتیست روز هفتم و متولی مدرسه مجاور است. قسمتی از هدایای سیزدهمین سبت به توسعه مدرسه ای وابسته در گُناکری کمک خواهد کرد. ابراهام گفت: خوابهایم مرا به عیسی رهنمون کرد. حال دارم با او راه می روم؛ مثل یکی از خوابها که راه می رفتم. من در سفری با عیسی هستم.

امکانات نامحدود



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: اول قرنیتیان ۱۲: ۱۲؛ متی ۳: ۱۶ تا ۱۸؛ اول قرنیتیان ۱۲: ۷؛ اول قرنیتیان ۱: ۴ تا ۹؛ متی ۲۵: ۱۴ تا ۳۰.

آیه حفظی: «اما کلیه این عطایا کار یک روح واحد است و او آنها را بر طبق اراده خود به هرکس عطا می‌فرماید» (اول قرنیتیان ۱۲: ۱۱).

خداوند ما را فراخوانده تا شاهدان او باشیم (اعمال ۱: ۸؛ اشعیا ۴۳: ۱۰). شاهد بودن هدیه روحانی ویژه برای تعداد معدودی از منتخبین خداوند نیست که فقط آنان از آن برخوردار باشند. شاهد مسیح بودن، دعوتی الهی از هر مسیحی است.

کتاب مقدس از عبارت مختلفی برای توصیف فراخوانی ما به حضور خداوند استفاده میکند. ما باید «نور جهان»، «سفیران مسیح» و «کاهنان ملوکانه» (متی ۵: ۱۴، اول قرنیتیان ۵: ۲۰، اول پطرس ۲: ۹) باشیم. همان خدایی که ما را به عنوان شاهدان برای خدمت فرا می‌خواند، خودش هم ما را برای انجام این وظیفه مجهز و آماده می‌سازد. او هدایای روحانی را به همه ایمانداران عطا می‌کند. خدا صالحان را فرا نمی‌خواند، بلکه او به کسانی که فرا خوانده است، صلاحیت عطا می‌کند. درست همانطور که او به همه مؤمنان نجات و رستگاری را رایگان می‌بخشد، هدایای روحانی خود را هم به رایگان به آنان عطا می‌کند. همانطور که ما خود را تسلیم خدا می‌کنیم و زندگی خود را وقف خدمت او می‌کنیم، توانایی‌های ما برای خدمت نامحدود و بی‌انتهاست. «هیچ محدودیتی برای مژمر ثمر بودن کسیکه از خود می‌گذرد، و در قلب خود جای برای کار روح القدس باز می‌کند وجود ندارد، او زندگی خود را کاملاً به خدا تقدیم می‌کند» (الن جی وایت، *The Ministry* خدمت شفا، صفحه ۱۵۹).

در درس این هفته، مامکانات و توانایی‌های نامحدود برای خدمت از طریق هدایا روحانی روح القدس را مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۸ مرداد - ۸ آگوست آماده شوید.

عطایای متفاوت: متحد در خدمت

آیا تاکنون توجه کرده اید که چقدر حواریون با یکدیگر متفاوت بوده‌اند؟ پیشینه، شخصیت، خلق و خو، و عطایای آنان بسیار از هم متفاوت بود. اما این موضوع برای کلیسا اشکال و ضعفی محسوب نمیشد، بلکه نقطه قوت کلیسا بود. متی، مامور جمع آوری مالیات، انسانی کم حرف و صریح، درست، و دقیق بود. در مقابل پطرس، پر حرف و بی ملاحظه، مشتاق، احساسی و بی پروا بود، اما دارای صلاحیت ذاتی رهبری بود. یوحنا نیز فردی مهربان و رحیم اما صریح و بی پروا و جسور بود. اندریاس، فردی مردمی، بسیار آگاه به امور اطراف، و نسبت به دیگران بی تفاوت نبود. توما ذاتاً تمایل داشت تا همه مسائل را به زیر سؤال ببرد و در اغلب موارد شکاک بود. با اینکه هر یک از شاگردان مسیح شخصیتها و عطایای متفاوتی داشتند، اما مقتدرانه توسط خداوند به عنوان شاهدان او بکار گرفته شدند.

اول قرن‌تینان ۱۲: ۱۲، ۱۳، ۱۸ تا ۲۲ را بخوانید. ما از این آیات درباره نیاز مردم به عطایای مختلف در بدن مسیح، کلیسا، به چه چیزی پی میبریم؟

خداوند از بکارگیری افراد با پیشینه‌ها، استعدادها، و توانایی‌های متفاوت مسرور است، و آنان را با عطایای روحانی برای خدمت مفید و موثر مجهز میسازد. بدن مسیح از گروهی متجانس تشکیل نشده است. کلیسا یک انجمن و کلپ متشکل از افرادی با پیشینه فردی نیست که یکسان فکر می‌کنند. بلکه این جنبش پویای مردمی با عطایای متفاوت میباشد که با محبت مسیح و کلام خدا متحد و متحد هستند، تا محبت و حقیقت او را با جهان به اشتراک بگذارند (رومیان ۱۲: ۴، اول قرن‌تینان ۱۲: ۱۲). اعضای بدن مسیح هدایای روحانی متفاوتی دارند، اما همه ارزشمند هستند؛ هر یک برای عملکرد صحیح بدن مسیح بسیار حیاتی و مهم هستند. همانطور که چشم‌ها، گوش‌ها، و بینی عملکردهای متفاوتی دارند، در عین حال، همه به یک اندازه برای بدن انسان مهم و لازم هستند، همه عطایای روحانی نیز لازم و حیاتی هستند (اول قرن‌تینان ۱۲: ۲۱، ۲۲).

اگر با دقت بدن انسان را در نظر بگیرید، حتی کوچکترین اعضای بدن هم از نقشی حیاتی و مهم برخوردار میباشند. مژه‌های چشم را در نظر بگیرید. چه اتفاقی پیش می‌آید اگر چیزی همانند این مژه‌های ناچیز و کم اهمیت را نداشته باشیم؟ ذرات گرد و غبار جلو دید ما را تیره و تار می‌کنند و عواقب ناشی از آن بطور بالقوه می‌تواند آسیب‌های جبران ناپذیری را به همراه داشته باشد. عضوی از کلیسا که به نظر می‌رسد «ناچیزترین» جزو بدن مسیح است، عضوی مهم از بدن مسیح میباشد و توسط روح القدس پیشکش شده است. هنگامیکه این هدایا را بطور کامل به خداوند تقدیم میکنیم، هر یک از ما میتوانیم تفاوتی ابدی را ایجاد کنیم.

مهم نیست که چقدر ممکن است با استعداد باشید، یا در مواردی عملکردهای خیلی خوبی نداشته باشید، اما اعضای دیگر کلیسا در آن موارد عملکرد بهتری دارند؟ چگونه این مطلب کمک میکند تا شما در جایگاه مناسبی که باید باشید، قرار بگیرید؟

دوشنبه

۱۳ مرداد

خدا: بخشنده همه عطایای خوب

بر اساس اول قرن‌تین باب ۱۲، ۱۱، ۱۸؛ افسسیان ۴: ۷، ۸ و یعقوب ۱: ۱۷، خدا سرچشمه همه هدایاست، و «همه هدایای کامل» از طرف او می‌باشد. بنابراین، میتوانیم اطمینان داشته باشیم که او ما را به بهترین وجه و مناسب با شخصیت مان با هدایای روح القدس مجهز می‌سازد، و او به بهترین وجه از مهارتهای ما در جهت خدمت به آرمان خود و شکوه و جلال نام عیسی مسیح استفاده خواهد کرد.

مرقس باب ۱۳: ۳۴ و اول قرن‌تین ۱۲: ۱۱ را بخوانید. خداوند به چه کسانی هدایای روحانی را عطا می‌کند؟

کتاب مقدس در این مورد خیلی شفاف است. خدا برای هر یک از ما برای به اشتراک گذاشتن انجیل با دیگران وظیفه ویژه ای در نظر دارد. در حکایت پندآموز مسیح، از صاحبخانه ای که خانه خود را به خادمانش واگذار می‌کند و از آنها می‌خواهد که مراقب باشند، صاحبخانه از هر کس می‌خواهد تا کار خود را انجام دهد (مرقس ۱۳: ۳۴). وظیفه ای برای هر فرد وجود دارد و خداوند هدایای روحانی را به همه عطا می‌کند تا وظیفه الهی یا خدمتی را که برای انجام فراخوانده شده اند، انجام دهند. وقتی ما زندگی خود را به مسیح تسلیم می‌کنیم، و از طریق تعمیم به عضویت بدن او یعنی کلیسا در می‌آییم، روح القدس هدایای روحانی را به ما عطا می‌کند تا بتوانیم در خدمت بدن مسیح و شاهد او در جهان باشیم.

در سال ۱۹۰۳، اِلِن جی وایت، نامه ای را برای شخص خاصی می‌نویسد تا او را در بکارگیری هدایای روحانی که خدا برای خدمت به او بخشیده بود، ترغیب کند. «ما همه اعضای خانواده خداوند هستیم، به همه ما کم و بیش به یک اندازه استعدادها و خدادادی داده شده است، تا آنها را برای انجام مسئولیتی که به ما واگذار شده بکار گیریم. استعداد ما چه مهم یا ناچیز باشد، باید از آن برای خدمت خدا استفاده کنیم، و ما

باید حق دیگران را در بکارگیری عطایایی که به آنان داده شده است به رسمیت بشناسیم. هرگز نباید کوچکترین سرمایه های روحانی، عقلانی و جسمی را بی ارزش تصور نکنیم» (رساله ۲، ۲۶۰، ۲ دسامبر سال ۱۹۰۳).

اعمال رسولان باب ۱۰: ۳۶ تا ۳۸ و متی باب ۳: ۱۶ تا ۱۸ و اعمال رسولان باب ۲: ۳۸ تا ۴۲ را بخوانید. این آیات در مورد وعده روح القدس در هنگام غسل تعمید به ما چه تعلیم می‌دهند؟

درست همانطور که عیسی در تعمید خود توسط روح القدس مسح شد تا برای انجام خدمت خود به جهانیان کاملاً آماده و مجهز شود، به همانگونه او به هر یک از ما وعده دریافت روح القدس را در هنگام تعمید می‌دهد. خداوند می‌خواهد تا ما اطمینان داشته باشیم، کلام او محقق شده و عطایای روحانی روح القدس به ما داده شده تا باعث برکت کلیسای او و جهان باشد.

سه شنبه

۱۴ مرداد

هدف از عطایای روحانی

اعمال باب ۱۷: ۱۶ تا ۳۲ را بخوانید. در اعمال باب ۱۷، پولس سعی میکند تا پیام انجیل را در متنی جدید به شنونده انتقال دهد: فلسفه فرهنگ یونان. چگونه پیشینه های فرهنگی مختلف بر ارزیابی ما از اهمیت نظریات مختلف تاثیر میگذارد؟

هدایای روحانی به منظور اهداف مختلفی عطا میشود. خداوند این عطایا را برای قوت و رشد کلیسای خود و محقق نمودن رسالت خویش عطا می نماید. آنها به منظور ایجاد کلیسایی متحد و آماده برای انجام رسالت و ماموریت او طراحی شده‌اند. نویسندگان کتاب مقدس، نمونه هایی بارز از هدایای روحانی مانند خدمت، کمک، آگاهی، تعلیم، تشویق، و بخشش را بیان می کند که خداوند به کلیسای خود عطا میکند. کتاب مقدس همچنین درباره عطایای مهمانوازی، رحمت، یاری، و دلشاد کردن دیگران صحبت میکند، تا فقط به چند مورد اشاره کرده باشد. برای یک لیست کامل رومیان باب ۱۲ و اول قرنتیان باب ۱۲ را مطالعه کنید.

ممکن است در مورد رابطه بین هدایای روحانی و استعدادهای ذاتی تعجب کنید. هدایای روحانی خصوصیتی هستند که از سوی روح القدس به همه ایمانداران عطا

میشود تا آنان را برای خدمتی ویژه در کلیسا و خدمت به جهان تجهیز کند. همچنین آنها ممکن است شامل استعداد‌های ذاتی بشری باشند که توسط روح القدس تقدیس شده و در جهت رسالت مسیح بکار گرفته شده‌اند. همه استعداد‌های طبیعی، خدادادی هستند، اما همه آنها در جهت خدمت بکار گرفته نمی‌شوند.

«هدایای ویژه روح، تنها استعداد‌های گفته شده در تمثیل‌ها نیستند. این شامل همه هدایا و موهبت‌ها، اعم از ذاتی یا اکتسابی، دنیوی یا روحانی می‌باشد. همه آنها باید در جهت خدمت مسیح بکار گرفته شوند. برای اینکه جزو شاگردان مسیح شویم باید خود را با همه آنچه که داریم تسلیم او بکنیم. هدایایی که او تقدیس و مبارک کرده و به ما میدهد، باید برای جلال نام او با برکت دادن ممنوعان ما بکار گرفته شود» (ال‌ن‌جی وایت، حکایات پندآموز مسیح، صفحه ۳۲۸).

همچنین، خداوند هدایای خاصی مانند عطیه نبوت و کارهای دفتری خاص در کلیسا، از جمله برای کشیش‌ها و بزرگان کلیسا [مشایخ] در کلیسا ایجاد کرده است، معلمانی برای تعلیم در درون بدن مسیح هستند تا بتوانند هر یک از اعضا را برای خدمت پرورش و مجهز سازند (افسیان ۴: ۱۱ و ۱۲). وظیفه همه اعضای رهبری کلیسا کمک به هر یک از اعضا در کشف عطایای روحانی خود و تعلیم آنها برای بکارگیری این هدایا در جهت بناکردن و تقویت بدن مسیح است.

چه استعداد‌های ذاتی در شما وجود دارند، که هم در محیط سکولار (دنیوی) مفید و سودمند هستند، و هم می‌توانند باعث برکت در کلیسا باشند؟

۱۵ مرداد

چهارشنبه

عطایای خود را کشف کنید

اول قرن‌تینان باب ۱: ۴ تا ۹ را با دوم قرن‌تینان باب ۱: ۲۰ تا ۲۲ مقایسه کنید. این آیات درباره وعده‌های خداوند و به ویژه هدایای روحانی پیش از آمدن دوباره مسیح به ما چه می‌گویند؟

خداوند وعده می‌دهد که کلیسای او همه عطایای روح القدس را درست قبل از بازگشت مسیح آشکار خواهد کرد. وعده‌های او مسلم و قطعی هستند. او در قلب‌های ما شهادت روح القدس را قرار داده است تا هر کدام از ما را در درک عطایائی که به ما داده است راهنمایی کند. این خداوند است که هدایا را به ما عطا می‌کند و این خداوند است که از طریق روح القدس آنها را برای ما آشکار می‌کند.

لوقا باب ۱۱: ۱۳، یعقوب باب ۱: ۵، و متی ۷: ۷ را بخوانید. اگر ما مشتاق باشیم تا هدایائی را در خود کشف کنیم که خدا به ما عطا کرده، او ما را به انجام چه کاری دعوت می کند؟

ما عطایای روح القدس را هنگامی دریافت می کنیم که خود را به خداوند تسلیم کنیم و از او بخواهیم که عطایایی که به ما داده است را بر ما آشکار کند. هنگامیکه قلبهای ما از خودستایی و خود بزرگ بینی پاک شود و اولویت ما خدمت به مسیح باشد، روح او ما را با هدایای روحانی که برای ما در نظر دارد، مجهز و تحت تاثیر قرار خواهد داد. «حواریون بواسطه ایمان و دعا و سرسپردگی کامل برای خدمت به او پری روح القدس را دریافت نمودند. سپس در حسی خاص خیرات آسمان به پیروان مسیح سپرده شد... در صلیب، تمام عطایا متعلق به ماست، اما تملک واقعی آنها بستگی به روح خدا دارد که تصمیم بگیرد هرکس چه عطایی را دریافت کند» (الن جی وایت، درس‌های پندآموز مسیح، صفحه ۳۲۷).

عطایای روحانی (نگاه کنید به اول قرن‌تین ۱۲: ۴ تا ۶) خصوصیات است که خداوند به ما عطا می کند تا بتوانیم بطور موثرتری به او خدمت کنیم. خدمات، حوزه های عمومی هستند که می‌توانیم عطایای خود را در آن بروز دهیم، و فعالیتها و عملکردهای ما اتفاقات خاصی هستند که این امکان را به ما می دهند تا عطایای خود را در آنها بکار گیریم. عطایای روحانی به خودی خود کاملاً رشد نکرده اند. همانطور که روح القدس شما را با برخی حوزه های خدمتی تحت تاثیر قرار می دهد و درگیر می کند، دعا کنید که او شما را در جهت رسالتی خاص هدایت کند تا در طی خدمت بشارتی از عطیه خود استفاده کنید.

عطایای خاص شما چیست، و مهمتر از آن، چگونه می توانید این عطایا را برای خدمت پروردگار بهبود بخشید؟

۱۶ مرداد

پنجشنبه

رشد عطایای ما

حکایت سگه ها [استعدادها] را در متی باب ۲۵: ۱۴ تا ۳۰ را بخوانید. مهم‌ترین مسئله ای که در این حکایت مورد توجه شما قرار گرفت، چیست؟ چرا دو خادم اولی مورد تمجید ارباب قرار می‌گیرند ولی آخرین خادم توبیخ میشود؟ این حکایت از بابت بکارگیری عطایایمان، به ما چه می‌گوید؟ بطور خاص به متی ۲۵: ۲۹ توجه کنید.

ارباب به هر خادم سرمایه ای را «فراخور قابلیت» که داشت، اعطا کرد (متی ۲۵: ۱۵). هر فرد مبلغ متفاوتی دریافت کرد. اولی پنج قنطار، دومی سه قنطار و آخری یک قنطار. هر کدام از خادم ها خودش در مورد چگونگی سرمایه گذاری یا استفاده از قنطارها تصمیم گرفت. نکته مهم در اینجاست که آنچه که به آنها داده شده بود متعلق به خودشان نبود و فقط به امانت به آنان داده شده بود. سرمایه ها متعلق به شخصی بود که فقط مسئولیت نگه داری را به آنان داده بود.

دغدغه و نگرانی ارباب این نبود که چه کسی سکه های بیشتر یا چه کسی کمتر داشت. مسئله این نبود که چه تعداد سکه (عطایا) به هر کدام داده شده است. دغدغه ارباب این بود که هر کدام از آنچه که به او داده شده، چگونه استفاده شده است. پولس در دوم قرنیتان باب ۸: ۱۲، اینگونه بیان می کند، «زیرا اگر اشتیاق باشد، هدیه شخص مقبول می افتد، البته بر حسب آنچه کسی دارد، نه آنچه ندارد». برای خدا مهم نیست که شما چه عطیه ای دارید، بلکه آنچه با آن انجام می دهید مهم است. خداوند از دو خادم اولی تقدیر کرد، زیرا آنها در بکارگیری سکه های خود امین بودند. سکه های آنان از طریق بکارگیریشان بیشتر شده بودند. غلام «بد سرشت و تنبل» سکه هایی را که اربابش به او داده بود را استفاده نکرده بود، و مقدار آنها افزایش نیافته بود. این یک حقیقت جاودان است «قانون خدمت، کانال ارتباطی است که ما را به خدا و همنوع بشر پیوند می دهد» (الِن جی وایت، درس های پندآموز، صفحه ۳۲۶). غلام سست پیمان فرصت خدمتش را از بین برده بود و در نهایت قابلیت خدمت کردن را هم از دست داد.

هنگامیکه عطایائی را که خدا به ما داده است، برای جلال نام او بکار می بریم، آنها افزایش و توسعه می یابند و رشد می کنند. چگونه می توانید عطایائی را که خداوند به شما داده، در خود کشف کنید؟ فروتنانه از خداوند بخواهید تا حوزه هایی را که او مشتاق است تا شما در آن خدمت کنید، به شما نشان دهد. همانطور که او شما را تحت تاثیر قرار میدهد، خود را درگیر خدمت کنید. عطایای شما در اثر بکارگیری آنها رشد می کنند و شما در خدمت به او خرسند و خشنود خواهید شد.

درباره این داستان اخلاقی فکر کنید و آن را در زندگی خود بکار ببندید. اگر عطیه ای از طرف خداوند در زندگیتان وجود دارد، درباره نحوه استفاده از آن چه دارید که بگویید؟ یادتان باشد، هر چه که شما دارید هدیه ای از طرف خداوند است).

درس‌های پندآموز مسیح.

درک صحیح تعلیم کتاب مقدسی از عطایای روحانی موجب وحدت و یگانگی در کلیسا میشود. شناخت این مسئله که هر یک از ما عضو ارزشمند و ضروری بدن مسیح هستیم، یک عقیده مشترک است. وجود هر عضو کلیسا برای تحقق رسالت مسیح ضروری است. خداوند به هر عضو از بدن مسیح، عطیه‌ای را برای خدمت بخشیده است.

« به هر فردی وظیفه‌ای داده شده که باید برای ارباب خود انجام دهد. به هر یک از خادمین او عطیه یا استعدادی خاص عطا شده است. به یکی، پنج سکه؛ به دیگری، دو سکه؛ و به آن یکی، یک سکه؛ بر حسب توانایی‌های مختلفی که هر فرد دارد، عطیه‌ای داده شده است. به هر خادم عطیه‌ای برای انجام مسئولیتی که دارد امانتی سپرده شده است؛ و امانت‌های [عطایا] متفاوت متناسب و بر حسب قابلیت‌های متفاوت ما به ما سپرده میشوند. خداوند در توزیع عطایای خود با جانبداری و غرض برخورد نکرده است. او استعدادها را مطابق قابلیت‌های شناخته شده بندگان به آنان عطا کرده است و انتظار بازدهی متناسب از آنها را دارد» (الن جی وایت، Te شهادتهایی برای کلیسا، جلد ۲، صفحه ۲۸۲).

همچنین به یاد داشته باشید که عطایای روحانی برای جلال خداوند عطا شده‌اند نه برای اینکه به خود ببالیم. خداوند آنها را عطا می‌کند تا نام او جلال یابد و آرمان او تحقق یابد.

سؤالاتی برای بحث

۱. به این عقیده که از طرف خداوند عطیه‌ای به هر یک از ما عطا شده است، توجه کنید. این چه پیامدهایی برای کلیسای محلی شما دارد؟ این عقیده در بکارگیری هر یک از اعضا در کار خدمت چه تفاوتی می‌تواند ایجاد کند؟

۲. با اعضای کلاس سبت درباره اینکه چگونه عطایای عضو دیگری باعث برکت شما بوده، صحبت کنید. نحوه شناسایی عطایای روحانی خود را با اعضای کلاس به اشتراک بگذارید. به نظر شما عطایای روحانی شما چه هستند، و چگونه از آنها در جهت برکت دادن دیگران استفاده می‌کنید؟

۳. در این درس اشاره شد که عطایای ما با بکارگیریشان رشد می‌کنند. به زندگی خود نگاه کنید. آیا شما می‌توانید بگویید که عطیاتی که خدا به شما داده، همانطور که شما آنها را برای جلال نام او بکار برده‌اید، رشد کرده‌اند؟ همزمان، سوال پایانی مطالعه روز پنجشنبه را دوباره از خود بپرسید، در آنچه خداوند به شما عطا کرده است، چقدر امین بوده‌اید؟



او فقط کارلوس است

توسط اندرو مک چسنی

اگر جی کارلوس سانچز روییز رئیس اتحادیه ادونتیست روز هفتم درکشورش پرو بود، اعضای کلیسا محترمانه او را شبان - رئیسصدا می زدند. اما در کشور اوروگوئه که در آنجا سانچز روییز رئیس اتحادیه کلیساها است فقط به اسم «کارلوس» شناخته می شود.

مردان او را «کارلوس» صدا می کنند. زنان او را «کارلوس» صدا می کنند. حتی بچه ها هم او را «کارلوس» صدا می کنند. هیچ کس نمی گوید رئیس. هیچ کس عنوان «شبان» را به کار نمی برد. او فقط «کارلوس» است.

او که از کشور پرو می آمد؛ جاییکه مردم از سلسله مراتب شغلی و مقامی آگاهند، تقریباً یکسال طول کشید تا سانچز روییز خود را با کشور اوروگوئه وفق دهد وقتی او در سال ۲۰۱۱ برای اولین بار به عنوان مدیر یا رئیس انتخاب شد. سانچز روییز گفت: «اوروگوئه با دیگر کشورهای قاره آمریکای جنوبی فرق دارد. با وجود آنکه اهالی اوروگوئه می توانند رهبران را تشخیص بدهند، آنها سلسله مراتب را نمی پذیرند. یک رهبر با افراد دیگر برابر است. رهبران کلیسا می گویند، که سانچز روییز با طرز فکر اروگوئه ای بطوری قوی با تاثیر اروپائی ها پیوند خورده است و کشور را به حوزه بشارتی نوید بخشی مبدل ساخته است. کلیسای ادونتیست در کشور با جمعیتی بالغ بر سه و نیم میلیون نفر تنها ۷۳۵۸ نفر عضو کلیسای ادونتیست دارد، یا می شود گفت یک ادونتیست برای هر ۴۷۰ نفر، که رقمی بسیار ناچیز در آمریکای جنوبی است. تقریباً نصف جمعیت اوروگوئه در مونته ویدئو که پایتخت اوروگوئه می باشد زندگی می کنند.

دبیرکل کلیسای ادونتیست، تد ان سی ویلسون، طی ملاقاتی در سال ۲۰۱۹ از شبانان پرسید: «ما چگونه می توانیم به مونته ویدئو و دیگر شهرهای دنیا دسترسی داشته باشیم؟»

او کتاب مقدس را گشود و ارمیا باب ۳۲ آیه ۲۶ را خواند، «من خداوند، خدای تمام انسانها هستم! هیچ کاری برای من دشوار نیست» ویلسون در

حالیکه به ارمیا باب ۳۳ آیه ۳ اشاره می کرد گفت: «خدا به سوال خود قدرتمندانه پاسخ می دهد، مرا بخوان که تو را اجابت خواهم کرد و تو را از چیزهای عظیم و مخفی که ندانسته ای، آگاه خواهم ساخت».

ویلسون گفت: این وعده را برای اوروگوئه و در شهرهایی که خدمت می کنید اعلام کنید. شما همچون اروپا با جامعه سکولاریزم و ماتریالیزم در کشمکش بسیار زیادی هستید. اما هیچ چیز برای خداوند دشوار نیست.

با اشاره به اینکه هیچ چیزی برای خدا دشوار نیست، مردم پس از شرکت در برنامه های مراکز همایشی یا مراکز تاثیرگذار شهری که توسط کلیسا اداره می شود تعمیم می یابند. در بین اعضای جدید یک مرد جوان هست که اسمش فرناندو آگوئیر است که پس از شرکت در درس کنترل اعصاب، در یک مرکز تاثیر گذاری در مونته ویدئو قلب خود را در سال ۲۰۱۹ به عیسی سپرد.

لطفاً برای اوروگوئه و دیگر حوزه های بشارتی نوید بخش در اطراف دنیا دعا کنید.

مشارکت کلام



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: مزمور ۱۱۹: ۱۰۵؛ ارمیا ۲۳: ۲۹؛ عبرانیان ۱: ۱ تا ۳؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱۴ تا ۱۷؛ اول یوحنا ۱: ۷ تا ۹؛ جامعه ۳: ۱؛ دوم تیموتائوس ۴: ۲.

آیه حفظی: «همچنان خواهد بود کلام من که از دهانم صادر می‌شود؛ بی‌ثمر نزد من باز نخواهد گشت، بلکه آنچه را خواستم به جا خواهد آورد، و در آنچه آن را به انجامش فرستادم کامران خواهد شد» (اشعیا ۵۵: ۱۱).

وقتی شهادت می‌دهیم، از عیسی سخن می‌گوئیم. اما، بدون کتاب مقدس چگونه می‌توانستیم از مسیح آگاهی یابیم؟ در حقیقت، اگر ما کتاب مقدس را نداشتیم، چقدر می‌توانستیم در خصوص نبرد بزرگ، محبت خداوند، تولد، زندگی، رسالت، مرگ، رستاخیز، و بازگشت پروردگار خود بدانیم؟

اگرچه طبیعت، عظمت و قدرت خداوند را آشکار می‌کند، اما نقشه نجات او را آشکار نمی‌سازد. عیسی از طریق شخص روح القدس «آن نور واقعی می‌باشد که همه آدمیان را نورانی می‌کند، که در حال آمدن بود» (یوحنا ۱: ۹). با این وجود، بدون کلام خداوند برای توضیح کامل حقیقت الهی، مکاشفه روح القدس در قلبهای ما محدود خواهد بود. کلام مکتوب خدا روشن‌ترین و کاملترین مکاشفه مسیح، کلام زنده خداوند است.

با اینکه رهبران مذهبی کلام خدا را مورد مطالعه قرار دادند، اما بسیاری از پیامهای اصلی آنرا نادیده گرفتند. مسیح گفت «کتاب مقدس را مطالعه می‌نمایید، چون خیال می‌کنید که در آن حیات جاودان خواهید یافت. در حالیکه کتاب درباره من شهادت می‌دهد» (یوحنا ۵: ۳۹). بدرستی دریافتند که هر تعلیمی از کتاب مقدس بازتاب دهنده زیبایی شخصیت مسیح است. هنگامیکه کلام خدا را به اشتراک می‌گذاریم، هدف اصلی ما این نیست که اثبات کنیم، ما درست می‌گوییم و دیگران در اشتباه هستند؛ هدف اینست که عیسی را در هر جنبه‌ای از حقیقت که به اشتراک می‌گذاریم، آشکار سازیم و جلال دهیم.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۵۲ مرداد - ۵۱ آگوست آماده شوید.

نمادهای کلام خدا

مزمور ۱۱۹: ۱۰۵؛ ارمیا ۲۳: ۲۹؛ لوقا ۸: ۱۱؛ و متی ۴: ۴ را بخوانید. پنج نمادی که در این آیات برای توصیف کلام خدا استفاده شده، چه هستند؟ به نظر شما چرا این پنج نماد برای نشان دادن کلام خدا انتخاب شده‌اند؟

در این آیات از نمادهای مختلفی برای توصیف برخی از کاربردهای اصلی کلام خدا استفاده میشود. هنگامیکه ما کتاب مقدس را با دیگران به اشتراک می‌گذاریم، مانند نوریست که زندگی دیگران را روشن می‌سازد. مسیح «نور جهان»، تاریکی ابهام و درک اشتباه آنان در مورد خداوند و ماهیت شخصیت او را درهم می‌شکند. ذهن‌های تاریک با درک اشتباه از خداوند، توسط روح القدس از طریق کلام خداوند روشن و آگاه میشوند. بر اساس ارمیا، کلام خدا همانند آتش و پُتک است. که غبار گناه را از زندگی ما پاک می‌کند و قلبهای سخت شده ما را در هم می‌شکند. هنگامیکه ما به مردم کمک می‌کنیم تا جلال مسیح را در کتاب مقدس ببینند، قلبهای سخت آنها شکسته میشود، و آتش محبت او غبار خودخواهی، حرص و طمع، شهوت، و خودمحوری را از زندگی ما می‌زداید. کلام خدا همچنین به بذر تشبیه شده است. ویژگی اصلی بذر اینست که حیات بخش است. بذر برای رشد نیاز به زمان دارد. همه دانه‌ها بطور همزمان رشد نمی‌کنند و در یک زمان جوانه نمی‌زنند. همچنین سرعت رشد همه گیاهان یکی نیست. اما تحت شرایط مناسب، حیات موجود در بذر از طریق خاک سر از حیاتی نو در می‌آورد. هنگامیکه ما بذر کلام خداوند را در قلبها و ذهن‌های دیگران می‌کاریم، همیشه نتایج آنرا فوراً مشاهده نخواهیم کرد، اما بذر آرام و ساکت رشد می‌کند، و در زمانی که خود خداوند مناسب میداند، اگر آنها به هشارهای روح القدس پاسخ دهند، رشد می‌کنند و محصولی را برای ورود به پادشاهی خدا حاصل می‌کنند.

مسیح کلامش را به نان قوت بخش تشبیه می‌کند. همانطور که بسیاری از ما می‌دانیم، فقط چیزهای معدودی به اندازه یک نان خوب، گرسنگی را رفع می‌کنند. کلام خدا گرسنگی روح را بر طرف می‌کند و عطش روحانی درون ما را سیراب می‌کند. همانطور که ما وعده‌های آمده در کلام خدا را با دیگران در میان می‌گذاریم و به آنان کمک میکنیم تا دریابند عیسی کلام زنده خداوند است، زندگی آنان با نیکویی او متحول میشود، شیفته محبت، و مبهوت فیض او میشوند، و از حضور وی خشنود می‌گردند.

مجدداً به حقایقی که فقط از طریق کتاب مقدس به آنها پی برده ایم، فکر کنید. این مطلب درباره گرامی داشتن آنچه که به ما تعلیم میدهد، چه می‌گوید؟

قدرت خلاق کلام خدا

عبرانیان باب ۱: ۱ تا ۳؛ عبرانیان ۴: ۱۲؛ مزمور ۳۳: ۶، ۹ را با هم مقایسه کنید. این آیات در باره قدرت کلام خدا به ما چه می گویند؟

کلام خدا، کلام زنده است. کلام خدا در خود توانایی تحقق و انجام کارهایی را که اعلام میکند، دارد. سخنان انسانی فقط توانایی این را دارند تا از آنچه که هست صحبت کنند، اما خداوند از چیزهایی صحبت می کند که هنوز وجود ندارند، و او بعداً آنها را توسط قدرت کلام خود خلق می کند. کلام خدا، کلام حیات بخش است. کلامی که از دهان او بیرون می آید و شنیده میشود، قدرت خلق هر آنچه را که بیان می کند، دارد.

در داستان آفرینش کتاب پیدایش باب ۱، عبارت «خدا گفت» مرتباً در (پیدایش ۱: ۳، ۶، ۱۱، ۱۴، ۲۰، ۲۴، ۲۶، ۲۹) تکرار شده است. کلام گویا و روشنگر خدا چنان قدرتی دارد که وقتی او سخن گفت، زمین خشک و خالی پدیدار شد، گیاهان جوانه زدند، گلها شکوفا شدند، درختان میوه شکوفه آوردند، و حیوانات بوجود آمدند.

یک کلمه جالب عبری وجود دارد که در پیدایش باب ۱ برای عمل خلاق خداوند بکار رفته است. این کلمه bara می باشد. این کلمه در این شکل خاص، حاکی از عمل خداوند از «خلق» چیزی از هیچ چیز می باشد. از این فعل فقط زمانی استفاده میشود که موضوع و مبحث خداوند است. یعنی فقط و فقط خداوند می تواند، bara (خلق) کند، و او این کار (خلقت) را با قدرت کلام گفتارش انجام داد.

خداوند نه تنها از طریق کلام خود این جهان را آفرید بلکه آنرا از طریق کلام خود حفظ می کند. همان قدرتی که در کلام گفتاری خداست، در کلام مکتوب او نیز وجود دارد. همان روح القدس که در عمل خلقت دخیل بود، در کلام الهام بخش او نیز حضور دارد. هنگامیکه کتاب مقدس را میخوانیم یا آن را با دیگران به اشتراک می گذاریم، در کنار ما حضور دارد. در کلام خداوند، قدرت حیات بخش، متحول کننده و آفرینش گر (خلاق) وجود دارد. «نیروی خلاقانه ای که جهان را خلق کرد، در کلام خداوند است. این کلام، قدرت می بخشد؛ آغازگر زندگیست. هر فرمان یک وعده است؛ که بطور ارادی پذیرفته میشود، و توسط روح دریافت میشود، و یک حیات ابدی را به ارمغان می آورد. کلام خدا طبیعت را متحول می کند و روح را به صورت خدا و شبیه او حیاتی نو می بخشد» (الن جی وایت، آموزش، صفحه ۱۲۷).

همانطور که ما شخصاً وعده های موجود در کتاب مقدس را درک می کنیم، زندگی ما تغییر می کند، و همانطور که به دیگران کمک می کنیم تا وعده های شگفت انگیز او را

درک کنند، روح القدس زندگی آنان را نیز تغییر خواهد داد.

تصور کنید: خدا گفت و خلق شد. چگونه می توانیم درک کنیم که این به چه معناست؟ این واقعیت شگفت انگیز چه چیزی را در مورد قدرت او به ما می گوید؟ چرا این حقیقت در مورد قدرت خلاقانه خدا برای ما تسلی بخش است؟

۲۱ مرداد

سه شنبه

مزایای مطالعه کلام خدا

مطالعه کلام خدا مزایای زیادی دارد. پطرس رسول به ما می گوید که از طریق وعده های کتاب مقدس ما در «الوهیت خدا شریک و سهیم می شویم» (دوم پطرس ۱: ۴). یعقوب در مورد کلام خدا می گوید «کلامی را که در شما نشانده شده و می تواند جان های شما را نجات بخشد، بپذیرید» (یعقوب ۱: ۲۱). پولس اضافه می کند که «اکنون شما را به خدا و به کلام فیض او می سپارم که قادر است شما را بنا کند و در میان جمیع کسانی که تقدیس شده اند میراث بخشد» (اعمال ۲۰: ۳۲). هدف کتاب مقدس رستگاری انسان است. ما با دیدن حضور مسیح در کل کتاب مقدس تغییر می کنیم. وقتی ما حضور او را در کلامش می بینیم، همانند او میشویم و «به شکل او مبدل می شویم» (دوم قرنتیان ۳: ۱۸). «این قانونی عقلانی و طبیعت معنوی است که ما با دیدن تغییر میکنیم. ذهن بتدریج خود را با موضوعاتی که به آنها اجازه میدهد در درونش ساکن شوند، وفق می دهد» (الن جی وایت، نبرد بزرگ، صفحه ۵۵۵).

دوم تیموتائوس باب ۳: ۱۴ تا ۱۷ و یوحنا ۱۷: ۱۴ تا ۱۷ را بخوانید. چه مزایای دیگری از طریق مطالعه کلام خدا بدست می آید؟

پولس رسول با نوشتن نامه به دوست و همکار جوان خود تیموتائوس، از او می خواهد که به کتاب مقدس وفادار باشد و مزایای مطالعه کلام الهام بخش خدا را به اشتراک بگذارد. طبق گفته پولس، کتاب مقدس «برای تعلیم و تأدیب و اصلاح و تربیت در پارسایی سودمند است». کلام خدا حقیقت را آشکار و خطا را افشا می کند. کتاب مقدس، نقشه خدا را برای نوع بشر تشریح می کند. کلام خدا گناهان ما را ملامت می کند، تفکر غلط ما را تصحیح می کند و ما را بسوی عدالت راهنمایی و هدایت می کند. کتاب مقدس عدالت مسیح را آشکار می کند. کتب مقدس ما را از حماقت گناهان خود رهایی و بسوی زیبایی عدالت او سوق می دهد. هنگامیکه محبت فداکارانه مسیح را بر خلاف خودخواهی خود

می بینیم، متحیر میشویم. همانطور که ما در کتاب مقدس محبت و شفقت بیکران او را مشاهده می کنیم، زندگی ما تغییر می کند. هنگامیکه کلام او را با دیگران به اشتراک می گذاریم، آنها نیز بطور بنیادی دگرگون میشوند. مشاهده حضور مسیح در کلامش، ما را بیشتر شبیه او می کند. شاهد بودن به معنای مشارکت آنچه که فکر می کنیم و یا حتی باور داریم نیست. بلکه همه چیز در مورد به اشتراک گذاشتن حقایق جاودانی است که در کلام خدا یافت میشود. وقتی کلام خدا به طرز باور نکردنی زندگی ما را برکت داده است، باید این مژده نیکو را با دیگران به اشتراک بگذاریم تا بدانند که چگونه میتواند زندگی آنان را نیز برکت دهد.

در مورد دوران سختی که شما شخصاً در زندگی خود داشته اید و اینکه چگونه کلام خدا به شما قوت بخشیده، فکر کنید. از این تجربه شما چه آموخته اید؟

۲۲ مرداد

چهارشنبه

بکارگیری کلام خدا

شخصی حساب کرده که بیش از سه هزار وعده در کلام خدا وجود دارد. هر یک از این وعده ها از قلب خدای مهربانی که «قادر است به وسیله آن قدرتی که در ما کار می کند، خیلی بیشتر از آنچه ما بخواهیم و حتی تصور کنیم عمل کند» (افسیان ۳: ۲۰) برآمده است. وعده های خداوند تعهداتی هستند که او به هر یک از ما می دهد. همانطور که ما انجام این وعده ها را طلب می کنیم و به دیگران هم تعلیم می دهیم که آنان نیز از خدا آنها را بطلبند، برکات آسمان در زندگی ما جاری میشوند. پولس رسول بر این واقعیت الهی در رومیان تاکید می کند «آیا خدایی که پسر خود را دریغ نداشت، بلکه او را در راه همه ما تسلیم کرد، با بخشیدن او همه چیز را با سخاوتمندی به ما نمی بخشد؟» (رومیان ۸: ۳۲). پطرس رسول این وعده را شفاف ساخته و اظهار می دارد که «قدرت الهی آنچه را که ما برای زندگی و خداپرستی نیاز داریم، به ما بخشیده است» (دوم پطرس ۱: ۳). از طریق مرگ مسیح بر روی صلیب و پیروزی او بر شریر و اصول و قدرتهای جهنم، مسیح هر آنچه که ما برای داشتن یک زندگی الهی و روحانی نیاز داشتیم را به ما بخشید. او همچنین وعده می دهد که نیازهای اساسی و جسمی ما را نیز تامین خواهد کرد.

اول یوحنا باب ۱: ۷ تا ۹ و فیلیپیان باب ۴: ۱۳، ۱۹ را با هم مقایسه کنید. اگرچه این وعده ها کاملاً متفاوت هستند، اما همه آنها در مورد شخصیت خدا چه چیزی را به ما می آموزند؟ این وعده ها چه تاثیری بر زندگی شما داشته اند؟

وعده‌هایی که ما در این آیات می‌خوانیم، هر یک از مسائل مختلفی سخن می‌گویند، اما تصویر خدایی که این وعده‌ها را به ما نشان می‌دهند بسیار شبیه هم هستند. آنها خدایی بخشایشگر، قادر مطلق، و نیازهای اساسی ما را آشکار می‌سازند. آنها به ما اطمینان می‌دهند خداوند به ما اهمیت می‌دهد.

عبرانیان باب ۳: ۱۹؛ ۴: ۱ تا ۳؛ و متی ۱۳: ۵۸ را بخوانید. این آیات در مورد لزوم ایمان به ما چه می‌گویند؟

بسیاری از وعده‌های شگفت‌انگیز خدا در کتاب مقدس وجود دارند، و هنگامیکه ما با ایمان برای طلب آنها دعا می‌کنیم، و آنها را باور داریم چون مسیح آنها را وعده داده، برکات آن وعده‌ها به ما می‌رسد. عدم ایمان به توانایی خدا در انجام و تحقق وعده‌ها در زندگی ما باعث می‌شود که تحقق وعده‌های خدا در زندگی ما بطور کامل صورت نگیرد. دعا کنید که خداوند این هفته شما را به سمت فردی سوق دهد که نیاز به وعده‌های امیدوارانه کلام خدا دارد.

۲۳ مرداد

پنجشنبه

مشارکت کلام خدا

خبر خوش برای به اشتراک گذاری است. به مواردی در زندگی خود که از اخبار خوب خرسند شده‌اید، فکر کنید. شاید این روزی بوده باشد که شما خبر خوب ازدواج، تولد فرزند، شغل جدید، و یا خرید اتومبیل یا خانه نو را شنیده‌اید. شما آنقدر هیجان زده و خوشحال بوده‌اید که حتی نمی‌توانستید برای درمیان گذاشتن آن با دیگران صبر کنید. در میان گذاشتن شادی خود با دیگران بسیار عالی و شگفت‌انگیز است، اما بهترین خبر در کل جهان، حکایت عیسی مسیح است. وقتی ما بینش جدید نجات بوسیله عیسی مسیح را در کلام خدا کشف می‌کنیم، قلبهای ما از شادی لبریز می‌شود، و مشتاق هستیم آنرا با شخص دیگری در میان بگذاریم. هنگامیکه رهبران مذهبی سعی می‌کنند جلوی موعظه رسولان را بگیرند، پطرس اظهار می‌دارد: «اما ما نمیتوانیم از گفتن آنچه دیده‌ایم و شنیده‌ایم، دست برداریم» (اعمال ۴: ۲۰).

«کسی به حضور مسیح نخواهد آمد، مگر اینکه در قلب خود اشتیاق شناساندن مسیح و دوستی گرانبھائی را که در او یافته، به دیگران بارور کند؛ حقیقت نجات و قدوسیت چیزی نیست که بتواند در قلب خود محبوس کند. اگر ما مبلس به عدالت مسیح شده‌ایم و از شادی ساکن شدن روح القدس پُر شده‌ایم، نمی‌توانیم ساکت بمانیم»

(الن جی وایت، گامهایی بسوی مسیح، صفحه ۷۸).

در رومیان باب ۱: ۱۴ تا ۱۶، پولس می نویسد: «من خود را چه به یونانیان و چه به بربرها، چه به حکیمان و چه به جاهلان مدیون می دانم. از این رو، اشتیاق بسیار دارم که شما را نیز که در روم به سر می برید، بشارت دهم. زیرا از انجیل سرافکنده نیستم، چرا که قدرت خداست برای نجات هر کس که ایمان آورد، نخست یهود و سپس یونانی». هرگز پولس رسول از گفتن حکایت تحول خود خسته نشد. قلب او از شادی در مسیح لبریز بود. از نظر او مژده نیکو برای به اشتراک گذاری بود، و او نمیتوانست ساکت باشد.

چه اصول حیاتی را اشعیا ۵۰: ۴؛ جامعه ۳: ۱؛ و دوم تیموتائوس ۴: ۲، در مورد به اشتراک گذاشتن کلام خدا برای ما بیان می کنند؟

همانطور که زندگی خودمان را به مسیح و خدمت او تسلیم می کنیم، او درهای فرصت را برای «گفتن کلام خدا» در زمان مناسب برای کسانی که قلبهایشان آماده پذیرش کلام است، می گشاید. ما در تمامی شهادت‌هایمان باید سه اصل کتاب مقدس را به خاطر داشته باشیم: چه بگوییم، چگونه آنرا بگوییم، و چه زمانی بگوییم.

برخی از مردمی که با آنها در ارتباط هستید چه کسانی هستند، و چگونه می توانید گواه بهتری برای آنان باشید؟

۲۴ مرداد

جمعه

تفکری فراتر: از الن جی وایت بخوانید، «شناخت خدا»، صفحات ۸۷ تا ۹۱، از کتاب گامهایی بسوی مسیح؛ مطالعه کتاب مقدس به همراه خانواده، صفحات ۱۹۲ و ۱۹۳، از کتاب کارگران انجیل؛ و تکنیک های کار کتاب مقدسی، صفحات ۴۸۱ تا ۴۸۶، از کتاب بشارت.

خداوند بر روی قلبهای اطرافیان ما کار می کند. اگر ما بینش روحانی داشته باشیم تا کاری را که خداوند می کند ببینیم، قطعاً فرصتهای اشتراک گذاری کلام او با دیگران را هم خواهیم داشت. همانطور که خدا باطن را آماده می سازد، ما فرصت پیدا می کنیم که بذر انجیل را در آن بکاریم. روح القدس قلب نيقوديموس، زن کنار چاه، زنی که مشکل خون ریزی داشت، دزد بر روی صلیب، یوزباشی رومی و بسیاری دیگر را قبل از ملاقات مسیح برای دریافت سخنان او آماده کرد. آنها از طریق موقعیت اجتماعی، شرایط زندگی‌شان و تاثیرات روح القدس آماده پذیرش پیام مسیح شدند.

معمولاً ممکن است تردید کنیم که از مردم سوال کنیم که آیا می توانیم برای آنان دعا کنیم، وعده کتاب مقدس را با آنان در میان بگذاریم، و یا کمی از حقیقت کلام خدا را برای آنان بیان کنیم. بیشتر اوقات، به غیر از زمانی که احساس می کنیم باید ایمان خود را با شخص دیگری در میان بگذاریم، این روح القدس است که ما را تحت تاثیر قرار می دهد تا شخص دیگری را با شهادت شخصی تحت تاثیر قرار دهیم.

سوالاتی برای بحث

۱. اگر کسی نزد شما بیاید که به شدت نسبت به مسئله ای احساس گناه کند و نیاز به بخشش خداوند داشته باشد، چه توصیه هایی به او می کنید، و چه آیاتی از کتاب مقدس را با او در میان می گذارید؟ تجربه شخصی شما از احساس گناه و قدرت آمرزنده خداوند در زندگیتان چیست؟

۲. برخی اوقات خدا انسان هایی را وارد زندگی ما می کند زیرا که او تمایل دارد تا آنان حقیقت را دریابند. چگونه می توانیم نسبت به این عمل خداوند پاسخ دهیم؟

۳. بر روی قدرت خدا و کلام او به عنوان آشکار کننده داستان خلقت بروی خود آفرینش بیشتر تمرکز کنید. ما به سختی می توانیم مفهوم خود جهان را درک کنیم زیرا که بسیار بزرگ و گسترده است. و فکر کنید، خدایی که آنرا آفریده باید حتی از آنچه آفریده است بزرگ تر باشد. چگونه می توانیم با دانستن اینکه خدایی که به آن خدمت میکنیم، بسیار قدرتمند است، احساس آسایش و آرامش کنیم؟ او نه تنها قدرتمند است، بلکه همچنین ما را دوست دارد. دانستن این مسائل در مورد خدا، چه امید بزرگی میتواند به ما ببخشد؟ و چگونه این دانش میتواند به ما کمک کند تا شاهدان بهتری برای دیگران باشیم؟



قلبی تازه برای آلکس

توسط اندرو مک چسنی

آلکس وقتی که در فنلاند بچه بود دچار بیماری مادرزادی قلبی بود، که حفره ای در قلب او وجود داشت. پزشکان امیدوار بودند که قلب خود را ترمیم کند اما این چنین نشد. بنابراین وقتی ۸ ساله بود پزشکان عمل جراحی باز قلب را انجام دادند. بعد از آن، مادر به پسر کوچک اش که در بخش بستری بود نگاه کرد و گفت: به دلایلی خدا اجازه داد تا این اتفاق بیفتد. او برای زندگی‌مان هدفی دارد.

مادر در مورد تجربه خود در فیس بوک مطلبی نوشت. خیلی‌ها از صفحه فیس بوک او خوششان آمد و طرفدارش شدند تا اینکه او بتواند در مورد خدا با مردم حرف بزند، که در حالتی دیگر علاقه ای به گوش دادن از خود نشان نداده بودند. آلکس داشت به یک مبشر تبدیل می شد.

پس‌ریعاً بعد از عمل جراحی بهبود یافت و تنها پس از پنج روز به خانه برگشت. آن یک معجزه بود. شریر تلاش کرده بود تا آلکس را به چنگ خود در آورد ولی عیسی به او قلبی تازه داده بود.

به هر حال هوای تابستان داغ شد. یکروز عصر آلکس از دردی در سینه اش شکایت کرد. در بیمارستان پزشکان متوجه شدند که به خاطر ورم قلب، اندازه قلب دو برابر شده است (تصویر زیر را نگاه کنید). آلکس در بخش فوریتهای پزشکی عمل جراحی شد. پس از ساعتها، پزشکان عمل جراحی را موفقیت آمیز توصیف کردند. شریر می خواست آلکس را صاحب شود اما عیسی به او قلبی تازه داده بود.

وقتی آلکس به خانه بازگشت بطور نامعمول رفتار کرد. معمولاً ساکت و مهربان بود؛ ولی خشن شد و مشاجره می کرد مخصوصاً نسبت به پدرش. یکروز عصر، آلکس به طور عجیبی عصبانی شد، حرفهای نامهربانانه ای بر زبان آورد و عینکش را به زمین پرت کرد.

وقتی پدرش دستش را برای دعا بر سر آلکس می گذاشت پرسید: چرا این طوری رفتار می کنی؟ خیلی وقتها پدرعادت داشت تا دعا کند. اما این دفعه

آلکس مانع شد. او داد زد: دستت را از من دور کن. او با چشمانی پر از نفرت به پدرش نگریست. پدرش هرگز اینچنین آلکس را ندیده بود. به آشپزخانه رفت جائیکه مادر داشت شام را حاضر می کرد.

او گفت: این طبیعی نیست. این آلکس ما نیست. ما باید دعا کنیم. پدر و مادر به طرف آلکس رفتند. بدون اینکه حتی حرفی بزند پدرش دستش را روی سرش گذاشت. مادرش نیز دستش را روی پیشانی آلکس گذاشت.

پدرش گفت: در نام عیسی، به تو ای روح پلید دستور می دهیم آلکس را ترک کنی. ما آلکس را به خدا سپرده ایم و تو هیچ جائی در زندگی اش نداری.

بعد از دعا آلکس به حالت طبیعی اش برگشت. او لبخند می زد می خندید مثل اینکه اصلاً اتفاقی نیفتاده است. شریرمی خواست تا آلکس را صاحب شود اما عیسی به او قلبی تازه داده بود. مادرش امیدوار است که او بزرگ شده و قلب یک مبشر را داشته باشد و شهادت زندگی اش قلبها را عوض کند. مادرش گفت: من زندگی اش را به خدا سپرده ام. احساس می کنیم که آلکس رابطه خاصی با خدا دارد. زندگی اش سخت بوده است اما باور داریم که خدا کارهای خارق العاده ای با او خواهد کرد.

مانند مسیح خدمت کنید



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: متی ۵: ۱۳، ۱۴؛ فیلیپیان ۲: ۱۵؛ مرقس ۱۲: ۳۴؛ افسسیان ۴: ۱۵؛ متی ۴: ۲۳ تا ۲۵؛ متی ۲۵: ۳۱ تا ۴۶.

آیه حفظی: «و چون انبوه جماعتها را دید، دلش بر حال آنان سوخت زیرا همچون گوسفندانی بی‌شبان، پریشانحال و درمانده بودند» (متی ۹: ۳۶).

مسیح واقعاً به مردم اهمیت میداد. او بیشتر از آنکه به خود اهمیت بدهد به نیازها و مسائل مردم توجه داشت و به آنان اهمیت میداد. زندگی او کاملاً وقف دیگران بود. رسالت او رحمت و محبت بود. او نیازهای جسمی، روحی، و عاطفی انسان‌های اطرافش را تامین می‌کرد و بدین ترتیب قلبهای آنان آماده پذیرش حقایق الهی می‌شد که او تعلیم میداد. همانطور که جذامی را شفا میداد، نابینا را بینایی و ناشنوا را شنوایی می‌بخشید، روح شریر را از جسم بیرون میراند، گرسنه را خوراک میداد، و نیازمندان را دلجویی میکرد، قلبهای آنان لمس می‌شد و زندگیشان تغییر میکرد.

انسان‌ها با دیدن محبت و دل‌نگرانی واقعی او، قلبهایشان را بر روی حقایق می‌گشودند که او تعلیم میداد. «تنها راه رسیدن به موفقیت واقعی در دستیابی به انسان‌ها روش مسیح است. منجی بر روی زمین آمد و با انسان‌ها یکی شد، زیرا که همه چیز را برای خیریت آنان میخواست. او همدردی و محبت خود را به انسان‌ها نشان داد، نیازهای آنان را تامین کرد، و اعتماد آنان را بدست آورد. و سپس به آنان گفت «مرا پیروی کن» (الن جی وایت، خدمت شفا، صفحه ۱۴۳). عیسی تشخیص داد که جهان به همان اندازه که به اعلان پیام انجیل نیاز دارد، به اثبات و تجلی آنهم نیاز دارد. شاهد زنده با زندگی مسیح گونه و متعهد خدمت به دیگران، اثبات و شهادتی قدرتمند است برای کلامی که ما بیان می‌کنیم و به بشارت ما اعتبار بیشتری می‌بخشد.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱ شهریور - ۲۲ آگوست آماده شوید.

طرز برخورد مسیح با مردم

عیسی همیشه برای دیگران در پی دیدن خوبی‌ها و شایستگی‌های آنان بود. او همیشه بهترین‌ها را از آنان استنباط میکرد. یکی از انتقادهایی که رهبران مذهبی روزگار وی نسبت به او داشتند، این بود که او «گناهکاران را می‌پذیرد و با آنان همسفره میشود» (لوقا ۱۵: ۲). آنها نگران بودند زیرا او با «گناهکاران» معاشرت می‌کرد. دیدگاه مذهبی آنان به جای تعامل، جاه طلبی بود. آنها زمانیکه عیسی در مورد خود گفت «زیرا من نیامده‌ام تا پارسایان بلکه تا گناهکاران را دعوت کنم» (متی ۹: ۱۳) شگفت زده شدند.

مذهب کاتبان، فریسیان، و صدوقیان مذهب دوری و اجتناب از گناه بود. آنها معتقد بودند، که «هر کاری که میتوانی انجام بده تا از گناه دور باشی و آلوده آن نشوی». اما تعلیم عیسی بطرز چشمگیری متفاوت بود. او به گودال تاریک دنیا آمده بود تا دنیا را رهایی بخشد، نه اینکه از آن دوری کند. او «نور جهان» است (یوحنا ۸: ۱۲).

متی باب ۵: ۱۳، ۱۴ را بخوانید. دو تمثیلی که عیسی برای توصیف پیروانش استفاده کرد، چه هستند؟ چرا از این دو تشبیه خاص استفاده کرد؟ همچنین نگاه کنید، یوحنا ۱: ۹، یوحنا ۱۲: ۴۶، و فیلیپیان ۲: ۱۵.

نمک یکی از مهم‌ترین منابع دنیای باستان بود. نمک بسیار ارزشمند بود و در برخی مواقع سپاهیان رومی از آن به عنوان پول استفاده می‌کردند. نمک، نماد دارایی بزرگی بود. همچنین برای حفظ و طعم دادن به خوراک از آن استفاده می‌شد. وقتی عیسی از نمک برای نشان دادن پیروان خود استفاده کرد، او واقعاً میخواست بگوید که ثروت واقعی جهان قدرتمندترین و ثروتمندترین مردم آن نیستند. ثروت حقیقی جهان، مسیحیان متعهدی هستند که برای پادشاهی خداوند دگرگونی ایجاد می‌کنند. اعمال مهربانانه و خدمت به دور از خودخواهی آنان منجر به حفظ نعمت‌ها و خوبی‌های دنیا میشود و فضای آنرا معطر میسازد.

دومین تمثیلی که عیسی از آن استفاده کرد (در متی ۵: ۱۴) «نور جهان» بود. جایی که نور باشد، در آن، تاریکی جایی ندارد. نور در تاریکی می‌درخشد. نور از تاریکی دوری نمی‌کند. نور در تاریکی رخنه کرده و آنرا مبدل به روشنایی می‌کند. پیروان مسیح باید بر تاریکی این جهان در هر محله، روستا، شهرک، و شهر نفوذ کنند و آنها را با جلال و شکوه خداوند روشن سازند.

پس از بررسی سخنان عیسی در یوحنا باب ۷: ۵۱ تا ۸۱ چگونه می‌توانیم ایده جدائی از جهان و پرهیز از جهان را درک کنیم؟ آیا آنها چیز مشابهی هستند؟ منظور عیسی چه بود، هنگامیکه برای پیروانش دعا کرد که در دنیا باشند ولی جزو دنیا نشوند؟ چگونه ما میتوانیم اینگونه باشیم؟

رفتار عیسی با مردم

هدف عیسی آشکار کردن جنبه های نیکوی انسان ها بود. حتی وقتی شرایط بطور غیر معمول چالش برانگیز بود، او با فیض برخورد کرد. بر اساس انجیل لوقا همه «از او به نیکویی می گفتند و از کلام فیض آمیزش در شگفت بودند» (لوقا ۴: ۲۲)، و انجیل یوحنا اضافه می کند «فیض و راستی به واسطه عیسی مسیح آمد» (یوحنا ۱: ۱۷). رفتار و رویکرد او باعث می شد که مردم در برابر او مقاومت نکنند. سخنان مهربانانه او تار و پود قلب آنان را لمس میکرد.

متی باب ۸: ۵ تا ۱۰ و مرقس باب ۱۲: ۳۴ را بخوانید. عیسی چه عبارات امیدبخشی مسیح به دو فرد متفاوت، یعنی یک نظامی رومی و دیگری یک عالم یهودی گفت؟

اظهارات مسیح به فرمانده نظامی رومی تحولی عظیم بود. فکر کنید که این افسر نظامی چه حسی باید داشته باشد وقتی عیسی اعلام کرد که چنین ایمانی را حتی در اسرائیل هم ندیده است. همچنین در مورد افکار عالم یهودی فکر کنید وقتی عیسی به او گفت «شما از پادشاهی خدا دور نیستید». مسیح این توانایی را داشت که شایستگی های افراد را ببیند و بیان کند. گاهی رفتاری کوچک ثمره ای بزرگ دارد، مانند تعریف از افراد که برای باز کردن قلبهای آنان و پذیرش پیام انجیل کافی است. به دنبال دیدن خوبی های انسان های اطراف خود باشید و اجازه دهید تا آنان بدانند که قدردان آنان هستید.

اشعیا ۴۲: ۳؛ کولسیان ۴: ۵، ۶؛ و افسسیان ۴: ۱۵ را با هم مقایسه کنید. این آیات چه اصول اساسی درباره اشتراک گذاری ایمان با دیگران و رابطه ما با آنان، تعلیم می دهند؟

هنگامیکه سخنان ما دلگرم کننده و پر از فیض باشد، تاثیرات مثبتی بر روی زندگی دیگران دارد. سخنان اشعیا نبی آشکار می کند که عیسی مسیح «نی خرد شده را نخواهد شکست»، و «فتیله کم سو را خاموش نخواهد کرد». به عبارت دیگر، عیسی چنان دلسوز، مهربان و مراقب بود که مبدا بدون دلیل کسی را که تازه ایمان آورده آزرده خاطر نکند و یا شعله های کوچک ایمان را در دلشان خاموش نکند.

چرا، طرز بیان آنچه که ما میخواهیم بگوییم بسیار مهم است، حتی شاید مهمتر از آنچه که میخواهیم بیان کنیم؟ نظر شما در باره این مطلب «حقیقت، حقیقت است» چیست و اینکه مردم یا باید آنرا بپذیرند یا آنرا ترک کنند؟ چه اشکالی در این بیانیه درست وجود دارد؟

۲۸ مرداد

سه شنبه

خدمات شفای مسیح: بخش اول

طریق بشارت خداوند ما فراتر از موعظه های از حفظ شده و یا بیانات کنسروی است؛ بشارت او به غنا و پویایی زندگی است. ما هر روز با انسان هایی که انواع و اقسام نیازها را دارند، در تماس هستیم: جسمی، روانی، عاطفی و روحانی. مسیح مشتاق است که نیازهای آنان را از طریق ما برطرف سازد، یعنی همانطور که ما نگرانی خود را نسبت به تنهایی، اندوه و غم دل های آنان نشان میدهیم و علاقمند و شادان از شادی، امید و رویاهای آنان هستیم.

مسیح به انسان هایی که احساس نیاز می کردند خدمت میکرد، تا در نهایت بتواند اصلی ترین نیاز آنان را برطرف سازد. حس نیاز، بخشی از زندگی است که مردم حس میکنند که تا به حال نتوانسته اند به تنهایی آن را در زندگیشان حل کنند. این ممکن است، ترک سیگار، کاهش وزن، تغذیه بهتر، و یا کاهش استرس باشد. این مسئله میتواند، نیاز به خوراک، مسکن، و یا مراقبت های پزشکی باشد و یا حتی نیاز مشاوره برای ازدواج یا مسائل خانوادگی باشد.

با اینحال، یک نیاز غایی وجود دارد که مهم ترین و اصلی ترین نیاز انسان است، آنهم رابطه شخصی با خدا و درک اهمیت ابدیت در زندگی انسان است. صلح و آشتی با خدا در این دنیای سقوط کرده در گناه، نیاز اصلی ما است.

داستان مرد فلج در متی باب ۹: ۱ تا ۷ و حکایت زنی که مشکل خون ریزی داشت را در مرقس باب ۵: ۲۵ تا ۳۵ بخوانید. در هر دو حکایت ما چه نشانه هایی داریم که نشان میدهند، عیسی شفای جسمی را با تامین نیاز نهایی انسان یعنی آشتی با خدا را بهم ربط میدهد؟

هدف خدمات شفای مسیح فراتر از بهبودی جسمی و عاطفی بود. عیسی میخواست تا انسان ها کمال و تمامیت حیات که بوسیله گناه از بین رفته بود را تجربه کنند. برای مسیح، شفای جسمی بدون شفای روحانی کامل نبود. اگر محبت خدا مشوق ما در طلب

بهبودی جسمی و عاطفی برای یک فرد است، همچنین خیلی بیشتر به ما انگیزه می بخشد تا خواستار سلامتی روحانی آن فرد باشیم تا او بتواند کمال زندگی را در اینجا تجربه کند و از طریق آن به جاودانگی برسد. از این گذشته، هر شخصی را که مسیح شفا داد، سرانجام درگذشت. بنابراین، نیاز واقعی آنان بالاتر از شفای جسمی یا هر نیاز دیگری بود، یعنی همان نیاز روحانی، آیا اینطور نبود؟

چه نوع ابتکاراتی را کلیساهای ما می‌توانند در جوامع برای تامین نیازهای مردم به کار گیرند تا نشان دهد، ما واقعاً به آنها اهمیت میدهم؟ به افراد جامعه خود فکر کنید. چه کاری را کلیسای شما در جهت ایجاد تغییر در زندگی مردم میتواند انجام دهد؟

۲۹ مرداد

چهارشنبه

خدمات شفای مسیح: بخش دوم

متی باب ۴: ۳۲ تا ۵۲ و متی باب ۹: ۵۳ را بخوانید. شیوه‌های سه گانه ای که اساس رسالت او را تشکیل میداند، چه بودند؟ چگونه او نیازهای مردم را برطرف میکرد و اینکار چه تاثیری در زندگی آنان میگذاشت؟

مسیح در خدمت خود به مردم سه چیز یعنی تعلیم، موعظه و شفا را در کنار هم بکار گرفت. او اصول حیات ابدی را با انسان‌ها در میان گذاشت تا همه ما بتوانیم یک زندگی با معنا و هدفدار را تجربه کنیم. او گفت «من آمده‌ام تا ایشان حیات داشته باشند و از آن به فراوانی بهره مند شوند» (یوحنا ۱۰: ۱۰). رسالت او بیانگر فراوانی فیض و رحمت است. و مسیح آمد تا ما را قادر سازد تا در «فراوانی» حیات از حال تا به ابد زندگی کنیم و از آن بهره مند شویم.

مرقس باب ۱: ۳۲ تا ۳۹ را بخوانید. عیسی در تمام روز به شفای بیماران و دفع ارواح شریر مشغول بود. بعد از دعای صبحگاهان در روز بعد، وقتی بسیاری از مردم برای شفا نزد او آمدند، وی آنجا را ترک کرد و به شهر دیگری رفت. چرا او آنان را شفا نداد؟ به دلیل او در آیات ۳۸ و ۳۹ توجه کنید.

این داستان حکیمانه است. بعد از شفای بسیاری در روز قبل از آن، روز بعد عیسی مسیح جمعیتی را ترک میکند که در پی او بودند و هنوز نیاز به شفا داشتند. توضیح او در آیات ۳۸ و ۳۹ باب ۱ مرقس اینست که او به این جهان آمده است تا پیام انجیل را موعظه کند. مسیح صرفاً به این دنیا نیامده بود تا نقش یک معجزه گر شگفت انگیز را بازی کند. او پسر آسمانی خدا بود، کسیکه برای انجام رسالت رستگاری و نجات انسان آمده بود. او نیامده بود تا فقط بیمارهای جسمی انسان را درمان کند. او مشتاق بود تا همه مردم هدیه نجات و زندگی ابدی را که هدیه او را دریافت کنند. او به روشنی هدف خویش را از آمدن به این جهان را با این کلمات بیان می کند «زیرا پسر انسان آمده تا گمشده را بجوید و نجات بخشد» (لوقا ۱۹: ۱۰). هر عمل شفابخشی که او انجام داد فرصتی بود برای آشکار ساختن شخصیت خداوند، تسکین آلام انسان، و فرصتی برای دریافت حیات ابدی.

اگر شما فقیر و یا مریض باشید، آیا هنوز این امکان وجود دارد که در فراوانی و برکات زندگی که مسیح به شما میدهد، زندگی کنید؟ آیا مسیح چیزی بیش از شفای جسمی به مردم میبخشد؟ با چه روش‌های عملی میتوانیم در عین حال که به نیازهای جسمی و عاطفی مردم توجه و آنها را تامین می‌کنیم، آنان را بسوی حقایق روحانی نیز سوق دهیم؟

۳۰ مرداد

پنجشنبه

چه چیزی برای عیسی مهم است

در متی باب ۲۴، پیام عیسی به حواریون که شامل وقایع مربوط به تخریب بیت المقدس و روزهای قبل از بازگشت او است، با بیان سه تمثیل در باب ۲۵ ادامه می‌یابد. این تمثیل‌ها ویژگی‌های شخصیتی را نشان میدهند که واقعاً برای مسیح مهم بودند و او میخواست تا آنها را در مردمی که منتظر بازگشت دوباره او هستند، ببیند. تمثیل ده باکره تأکید بر اهمیت یک زندگی خالص، قابل اعتماد و روحانی دارد. تمثیل ده قنطار دلالت بر بکارگیری و استفاده صادقانه از هدایایی است که خداوند به هر یک از ما داده است. تمثیل گوسفندان و بزها نشانگر مسیحیان حقیقی است که واقعاً در جهت تامین نیازهای کسانی که خداوند هر روزه بر سر راه آنان در زندگی قرار میدهد، تلاش می‌کنند.

متی باب ۲۵: ۳۱ تا ۴۶ را بخوانید. چگونه مسیح، مسیحیت حقیقی را توصیف می‌کند؟ مواردی از خدمت که در این آیات در مورد آنها صحبت شده را بیان کنید.

گرچه این تمثیل‌ها از تامین نیازهای واقعی جسم انسان‌ها سخن می‌گویند [جنبه ای از داستان که نباید از آن غافل شویم]، آیا ممکن است در اینجا چیزی بیش از این وجود داشته باشد؟ عیسی مشتاق است که گرسنگی و تشنگی پنهانی که در روح انسان وجود دارد، برآورده شود (یوحنا ۶: ۳۵، یوحنا ۴: ۱۳، ۱۴). همه ما تا زمانیکه در مسیح هويت حقیقی خود را کشف نکنیم، بیگانگانی دور از مسیح و در آرزوی یافتن خانواده الهی خود هستیم (افسیان ۲: ۱۲، ۱۳، ۱۹). ما تا لباس عدالت مسیح را نپوشیم، از نظر روحانی عریان هستیم (مکاشفه ۳: ۱۸؛ مکاشفه ۱۹: ۷، ۸).

اغلب انبیای عهد عتیق، اوضاع و احوال انسان را به ناامید بیماری توصیف می‌کنند (اشعیا ۱: ۵؛ ارمیا ۳۰: ۱۲ تا ۱۵). بیماری گناه کشنده است، اما ارمیای نبی علاج آن را به ما نشان می‌دهد. «من سلامت را بر تو بازگردانده، زخم‌هایت را شفا خواهم بخشید» (ارمیا ۳۰: ۱۷). مسیح درمان و شفای بیماری مهلک روح ماست.

حکایت گوسفندان و بزها به ما اندرز می‌دهد و آگاهی میبخشد که نیازهای جسمی انسان‌های اطراف خود را تامین کنیم، اما این حکایت مفهوم بیشتری را میخواهد بیان کند. این داستان مسیح است، کسیکه مهم‌ترین نیاز روح را تامین میکند، و این فراخوان او برای همکاری با او در خدمت به انسان‌های اطراف ما است. زندگی خودخواهانه و خودمحور و کوتاهی از تامین نیازهای جسمی، روحی، عاطفی، و روحانی دیگران، خطری برای ازدست دادن ابدیت است. در این حکایت، آن کسانی که حیات خود را برای چیزی به غیر از منافع خودشان میدهند، توسط پروردگارشان ستوده میشوند و با خوشرویی در ملکوت خدا پذیرفته میشوند. در حالیکه کسانی که با خودخواهی در پی مقاصد خود هستند و نیازهای دیگران را نادیده میگیرند توسط پروردگارشان محکوم میشوند.

جمعه

۳۱ مرداد

تفکری فراتر: «بسیاری به خدا ایمان ندارند و اعتماد خود را به انسان از دست داده‌اند. اما آنها از اعمال دلسوزانه و مفید قدرانی می‌کنند. همانطور که آنها می‌بینند کسی بدون چشمداشت به تمجید و قدردانی زمینی یا بدون دریافت چیزی، به خانه‌های آنان می‌آید و بیماران را شفا، گرسنگان را خوراک، برهنگان را پوشاک، و انسان‌های غمگین و رنج‌دیده را تسلی و آرامش میبخشد، با مهربانی همه به او اشاره می‌کنند، کارگر انسان، کسیکه به انسان عشق میورزد و دل‌نگران اوست، اما او پیام آور خداست، و همانطور که آنها این را می‌بینند، قلبهای آنان لمس میشود. حس شکرگزاری در آنان بارور میشود و ایمان آنان مشتعل میگردد. آنها می‌بینند که خدا به آنان اهمیت میدهد، و قلبهای آنها آماده میشود تا کلام او را بپذیرند» (ال‌ن جی وایت، خدمات شفا، صفحه ۱۴۵).

خدمت فداکارانه و غیر خودخواهانه عیسی در قلبها را بروی او باز می‌کند، غرور و تعصب را میشکند، و قلبها را آماده پذیرش پیام انجیل می‌کند. کلیسا بدن مسیح است

که در همه جا با مهربانی نیازها را برطرف میکند. مسیح ما را به درون جوامع خودمان میفرستد تا در نام او تحول و تغییر ایجاد کنیم. گرچه، مسلماً، ما باید مراقب باشیم که آلوده جهان نشویم (و این یک تهدید بسیار واقعی و خطرناک برای کلیسای ماست)، ما همچنان باید یاد گیریم که به انسان‌ها در جایی که هستند دست یابیم و اجازه دهیم که خدا ما را بکار گیرد، خدایی که می‌خواهد ما انسان‌ها را از جایی که هستند به جایگاهی که باید باشند هدایت کنیم.

سؤالاتی برای بحث

۱. چرا خدمات دلسوزانه مسیح در از بین بردن غرور و تعصب مردم و آماده کردن آنها برای شنیدن حقایق روحانی بسیار قدرتمند است؟ سعی کنید تصور کنید که چقدر بیشتر شهادت ما به عنوان یک امت میتواند موثرتر باشد، چنانکه ما هم همان دل نگرانیها و از خودگذشتگی هایی را که مسیح برای مردم انجام داد، از خود نشان دهیم.

۲. در مورد زمانی فکر کنید که مطلبی را بیان کرده‌اید که ممکن است، صحیح، حقیقت، یا حتی ضروری بوده، اما شما آن را به طرز صحیح بیان نکرده اید، یعنی با لحن و یا رفتار بد ادا کرده‌اید. چه چیزی را از این تجربه آموخته‌اید که میتواند به شما کمک کند که اینکار را دوباره تکرار نکنید، مثلاً: قبل از سخن گفتن، کمی تامل و صبر کنید، فکر کنید، آرام باشید، و یا مانند اینها؟

۳. بر روی این عقیده که، تمام افرادی که شفا یافتند و یا حتی از میان مردگان زنده شدند، سرانجام می‌میرند، بیشتر بیندیشید. این مسئله در مورد چگونگی دستیابی و خدمت به کسانی که در اطراف ما هستند، چه می‌گوید؟

۴. کلیسای شما چه نوع خدماتی را میتواند در جامعه شما انجام دهد که در حال حاضر انجام نمی‌دهد؟

۴. چگونه میتوانیم از طریق خدمت‌مان در تامین نیازها، فرصت های روحانی را برای جویندگان ایجاد کنیم؟



چیزی لذتبخش و غافلگیر کننده در سودان

توسط گلن میشل

زندگی در سودان برای یک زوج ادونتیست که در سازمان آژانس توسعه و امداد ادونتیست کار می کردند چالش برانگیز بود. گرمای روزانه از ماه می تا سپتامبر بین ۱۰۲ تا ۱۰۸ درجه فارنهایت (۳۹ تا ۴۲ درجه سانتیگراد) می رسید. یک نوشیدنی خنک برای من و همسر سوزان پس از یک روز کاری یک چیز لذتبخش محسوب می شد.

یکروز بعد از اینکه به خانه برگشتیم، سوزان را دنبال که به آشپزخانه می رفت و پشت پیشخوان نشستم تا در حینی که او غذا حاضر می کرد با او حرف بزنم. وقتی پشت پیش خوان نشستم و پاهایم را مثل پسر بچه ای تکان می دادم، سوزان از من پرسید که برای نوشیدن چه چیزی می خواهم. پرسیدم، رچه چیز برای نوشیدن داری؟ دست به کمر و با صدائی گپرا گفـت: برایت فانتا، نوشیدنی ریشه گیاهی یا نوشابه گازدار دارم.

با اشاره به یک نوشیدنی خنک بنام اسکویت که از بدو ترک آمریکا نوشیده بودم به او گفتم که شربت می خواهم. سوزان با همان تن صدا گفـت: شربت ندارم. از پشت پیشخوان بیرون آمده و مانند یک بچه خودم را روی کف آشپزخانه انداختم و جیغ و هوار راه انداختم. دست و پا زدم و نوشیدنی خواستم، من شربت می خواهم! من شربت می خواهم!" نداشتم. از اسکویت خبری نبود. سوزان و من به خاطر این خُل بازی ها خندیدیم و خندیدیم. لحظاتی مثل این، باعث می شد تا روزهای سخت را راحت تر تحمل کنیم.

دو ساعت بعد، یکی از دوستان سر رسید و ماشینش را در کنار خانه ما پارک کرد. آن خانم برای یک سازمان توسعه بین المللی آمریکائی در پایتخت سودان، خرطوم، کار می کرد و به عنوان یک کارمند رابط برای پروژه های شرکت آدرا کار می کرد که توسط USAID تامین بودجه می شد. او اجازه داده بود تا نامه های خود را از طریق آدرس رسمی او دریافت کنیم، و در این روز او قرار بود بسته ای را دریافت کنیم که حاوی لوازم موی سر بود

و برای مدتی طولانی در انتظارش بودیم تا از امریکا بدستمان برسد. من به خاطر اینکه می دانستم دوستان آمریکائی مان یک بسته شکلات کشمشی هم برایمان گذاشته اند بسته پستی را باز کردم. با خاطرجمع بودن از این موضوع، دیدم که بسته شکلات کشمشی درست در بالای جعبه قرار داشت. زیر بسته شکلاتها دو تیوپ کرم مو بود. اما نه، بگذارید ببینم. چیزهای زیادی نیز در بسته بودند. در حالیکه بسته های داخل پاکت را زیر و رومی کردم یک بطری بزرگ با شکوه سبز رنگ اسکویت آنجا بود!

هرگز هیچ نوشیدنی از کسی از آمریکا درخواست نکرده بودم. اما در یک روز گرم در سودان، خدا یک چیز دلچسب مخصوص تدارک دیده بود. هفته ها پیش از اینکه از سوزان درخواست نوشیدنی کرده باشم، بطری در راه به سوی خرطوم بود. خدا حتی حواسش به کوچکترین چیزهای زندگی مان است و او دوست دارد تا ببخشد. «بخشیدن زندگی کردن است» (آرزوی اعصار صفحه ۶۲۳). خدا وعده می دهد، «جویندگان خداوند هیچ چیز نیکو کم نخواهند داشت» (مزامیر باب ۳۴ آیه ۱۰). وقتی خدا دید که من دیوانه وار جیغ و هوار می کشم و دست و پا می زنم، حتما با خودش فکرکرده و گفته «صبر کن تا ببینی چه برایت تدارک دیده ام».

پرورش طرز برخوردی جاذب



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: یوحنا ۴: ۲۷ تا ۳۰، ۳۹ تا ۴۲؛ متی ۱۵: ۲۱ تا ۲۸؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۱ تا ۴؛ رومیان ۱۵: ۷؛ افسسیان ۴: ۳۲؛ اول پطرس ۳: ۱۵.

آیه حفظی: «بلکه در دل خویش مسیح را به عنوان خداوند مقدس شمارید و همواره آماده باشید تا هر کس دلیل امیدی را که در شماست بپرسد، او را پاسخ گوید، اما به نرمی و با احترام» (اول پطرس ۳: ۱۵).

هرچه بیشتر زندگی مسیح را مورد مطالعه قرار میدهیم، بیشتر در توانایی او در پذیرش و تایید مردم متحیر میشویم. با اینکه او رهبران مذهبی روزگار خود را به سختی سرزنش و ملامت میکرد، اما با خوشحالی پذیرای تمام کسانی بود که با گناه مبارزه می کردند و ناامیدانه در دام گناه گرفتار شده بودند. فیض او شامل حال آنان می شد. حتی رحمت و برکت او شامل بدترین گناهکاران هم می شد. عمق بخشش او بسیار عمیق تر از ژرفای گناه آنان بود. محبت او بیکران بود.

مسیح هرگز حتی کوچکترین رفتاری از غرور و برتری از خود نشان نداد. او در همه انسان ها تصویر یکی را دید و آنهم تصویر خدایی بود که آنها را خلق کرده بود، انسان هایی که در اثر گناه سقوط کرده و حال او آمده بود تا آنان را نجات دهد. محبت او برای همه است و هیچکس از محبت او محروم نیست. هیچکس آنقدر غرق گناه نیست که فیض او نتواند شامل حالش نشود. او با تمام کسانی که ارتباط داشت با احترام و شأنی که شایسته آنان بود، رفتار کرد. مسیح مردم را برای وارد شدن به پادشاهی آسمان ترغیب میکرد، زیرا که شایستگی های آنان را باور داشت.

حضور او زندگی آنان را تغییر داده بود زیرا او عمیقاً دلسوز آنان بود. آنان برخاسته تا

آن بشوند که مسیح باور داشت که می توانند باشند.
در درس این هفته، ما به بررسی عمیق طرز رفتار و برخورد مسیح با مردم خواهیم پرداخت و چگونگی بکارگیری این اصول در زندگی خودمان را بررسی خواهیم کرد.
درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۸ شهریور - ۲۹ آگوست آماده شوید.

۲ شهریور

یکشنبه

قابلیت پذیرفتن انجیل

یوحنا باب ۴: ۷۲ تا ۰۳، و ۹۳ تا ۲۴ را بخوانید. چگونه تعامل مسیح با زن سامره ای این حقیقت را نشان می دهد که همه انسانها حتی در جاهایی که انتظار آنرا نداریم، آماده پذیرش انجیل هستند؟

تتها جایی که حواریون فکر نمی کردند که در آنجا قلبهایی آماده پذیرش پیام انجیل باشد، سامره بود. سامریان با یهودیان بر سر تعالیم و اصول عبادی دائماً در مجادله و کشمکش بودند. این دشمنی ها ده سال قدمت داشت. سامریان میخواستند تا در ساخت معبد در اورشلیم مشارکت داشته باشند ولی به دلیل تزویج با قبایل بت پرست اطرافشان و دیدگاه الحادی، این فرصت از آنها گرفته شده بود. در نتیجه، سامریان معبد خود را در کوه جرزیم بنا کردند. حواریون می توانستند بی درنگ از سامره صرف نظر کنند، زیرا برای اعلام انجیل زمینی بی حاصل بود.

مسیح چیزی را می دید که حواریون آنرا نمی دیدند، آنهم قلبهای آماده پذیرش انجیل بود. شرح حال یوحنا از حکایت زن کنار چاه با این سخنان آغاز میشود «او یهودیه را ترک کرد و دوباره به جلیل برگشت، ولی لازم بود از سامره عبور کند» (یوحنا ۴: ۳، ۴). مسیح «لازم بود» از طریق سامره عبور کند، زیرا روح القدس او را متقاعد میکرد که شاید در این مسیر که به دور از انتظارش است، قلبهایی آماده پذیرش انجیل وجود داشته باشد. وقتی چشمان ما توسط روح القدس مسح میشود، فرصتهایی را می بینند که دیگران فقط مشکلات آنرا می بینند. ما برای پادشاهی خداوند خرمن بزرگ روحهای آماده پذیرش او را می بینیم در حالیکه دیگران مزارعه بی محصول را می بینند.

اعمال باب ۸: ۴، ۵، ۱۴ را بخوانید. نتیجه نهایی خدمت مسیح در سامره چه بود؟

حواریون میتوانند از سامره عبور کنند بدون اینکه فرصتی را برای سامریان فراهم کنند تا حقیقت کلام خدا را بشنوند. آنچه را که آنان نمی دیدند، مسیح میتوانست ببیند.

او میدانست که روح القدس در قلب زن آمادگی پذیرش پیام انجیل را بوجود آورده است. تغییر چشمگیر آن زن بر تعداد زیادی از مردم آن شهر تاثیر گذاشت. اما ما همیشه فوراً نتایج تلاش‌های بشارتی خود را نخواهیم دید، همانطور که بذره‌ای کلام خدا را در قلبها میکاریم، آنها روزی برای جلال خداوند محصول خواهند داد.

ما هرگز تاثیر سخنان و اعمال خود، چه خوب یا بد، را بر دیگران نخواهیم دانست. از اینرو، چرا همیشه باید مراقب رفتار و کردارمان در حضور دیگران باشیم؟

دوشنبه

۳ شهریور

تعدیل رفتار

اغلب طرز برخورد ما با دیگران تعیین کننده توانایی ما در تاثیرگذاری بر آنان است. رفتار تند و خشن، منتقدانه، خصمانه باعث میشود تا مردم از شما دور شوند، و حتی اگر شما قادر باشید شاهد مسیح باشید، سخنان شما هرچند هم مُحق و صحیح باشد، به نظر می‌رسد زیاد از طرف آنان پذیرفته نمی‌شود.

در مقابل، رفتار مثبت و خوشبینانه و باور دیگران، باعث جلب آنان بسوی ما میشود. عیسی این اصل زیبا را اینطور بیان میکند، «دیگر شما را بنده نمی‌خوانم، زیرا بنده از کارهای اربابش آگاهی ندارد. بلکه شما را دوست خود می‌خوانم، زیرا هر آنچه از پدر شنیده‌ام، شما را از آن آگاه ساخته‌ام» (یوحنا ۱۵: ۱۵). دوستان با وجود نقاط ضعف و خطا، همیشه پذیرای یکدیگر هستند و آزادانه و با اختیار در شادیاها و غمهای یکدیگر سهیم میشوند.

متی باب ۲۱: ۱۵ تا ۲۸ و مرقس ۱۴: ۶ تا ۹ را بخوانید. این آیات دو زن را در دو وضعیت بسیار متفاوت توصیف می‌کنند. به نظر می‌رسد، مسیح با یکی با تندی و با دیگری با ملایمت برخورد می‌کند. چه نشانه‌هایی در این آیات نشان میدهند که مسیح با فیض نجات بخش خود به آنان نزدیک میشود و اعتماد آنان را بدست می‌آورد؟

زنی که در متی باب ۱۵ از آن صحبت شده، یک کنعانی است. ابتدا عیسی عمداً درخواست او را رد کرد، بنابراین همانطور که او اصرار می‌ورزید، ایمان او هم رشد میکرد. تا سرانجام مسیح خواسته او را اعطا کرد و سپس سخنی شگفت انگیز را در مورد او بیان کرد که هرگز هیچ یک از رهبران مذهبی در یهودا تا آن زمان در مورد یک زن فقیر کنعانی نگفته بودند، «ای زن، ایمان تو عظیم است!» (متی ۱۵: ۲۸). او از آن زن کنعانی با یکی از بهترین صفات که هر معلم مذهبی میتواند از او تمجید کند، تعریف و تمجید کرد. آیا

شما میتوانید تصور کنید که به چه اندازه قلب او شاد شد و زندگیش تغییر کرد؟ زنی که پاهای مسیح را با عطر گرانبها تدهین می کند، یک یهودی است، زن مشهور بیمار، فردی که در زندگیش شکست خورده و دائماً در گناه بوده، اما او مورد آموزش خداوند قرار می گیرد و متحول میشود و حیاتی نو را شروع می کند. وقتی دیگران از او انتقاد می کنند، عیسی از او تعریف و اعمال او تصدیق می کند، «آمین، به شما میگویم، در تمام جهان، هر جا انجیل موعظه شود، کار این زن نیز به یاد او بازگو خواهد شد» (مرقس ۱۴: ۹).

با توجه به دو داستان فوق که مطالعه کردیم، چه چیزی برای داشتن یک رفتار مثبت و گیرا لازم است؟ چه نوع تعدیل رفتاری نیاز دارید تا در رفتار خود، نه فقط به عنوان شاهد، بلکه بطور کلی در زندگی ایجاد کنید؟

۴ شهریور

سه شنبه

بیان حقیقت با محبت

دوستی با مردم به تنهایی برای جلب آنان بسوی مسیح کافی نیست. ما ممکن است دوستان زیادی داشته باشیم، مردمی که از بودن با آنها لذت می بریم و آنان هم از بودن در کنار ما لذت می برند، اما اگر هرگز به آنان نگوئیم که عیسی برای ما چه معنا و مفهومی دارد و اینکه چگونه او زندگی ما را تغییر داده است، دوستی ما ممکن است تفاوت زیادی در حیات ابدی آنان ایجاد نکند. مطمئناً، ممکن است با اطرافیانمان لحظات خوب و خوشی را داشته باشیم، اما خدا ما را برای هدفی بیشتر از سرگرم کردن اطرافیانمان فراخوانده است. دوستی با مردم به تنهایی برای آوردن آنان نزد مسیح کافی نیست، اما رفتار خصمانه و نا خوشایند ما ممکن است مردم را از مسیح دور کند.

پولس رسول به ما یادآوری می کند «حقیقت را با روح محبت بیان کنیم» (افسسیان ۴: ۱۵). پیوندهای دوستی وقتی ایجاد میشوند که ما تا حد امکان با افراد بر سر مسائل هم عقیده باشیم، موافقت خود را اعلام کنیم، و در جایی که متناسب باشد از آنان تعریف و تمجید کنیم. بسیار مهم است که ما عادت کنیم در افراد به دنبال دیدن خوبی ها و نه بدی های آنان باشیم.

دوم تسالونیکیان ۱: ۱ تا ۴ را بخوانید. برخی از موارد خاص را ذکر کنید که پولس به خاطر آنها از تسالونیکیان تعریف می کند.

به نظر می رسد، کسانی هستند که از پیدا کردن اشتباهات دیگران خوشحال میشوند. به نظر می رسد آنان خرسند میشوند، اگر بتوانند خطایی را در کسی پیدا کنند، چون دلیل

دیگری به غیر از این نمیتواند باعث شود که آنان در مورد خود احساس بهتری داشته باشند.

پولس رسول برعکس افرادی که در بالا از آنان صحبت کردیم، نگرش متفاوتی داشت. او به دنبال نکات مثبت در کلیساهای بود که در آنجا خدمت میکرد. مطمئناً او خطا را ملامت میکرد و بر گناه چشم پوشی نمیکرد، اما تمرکز و توجه او بر روی ترویج و رشد کلیساهای بود که تاسیس کرده بود. یکی از روش‌های او برجسته و مهم نشان دادن آنچه بود که آنها درست انجام میدادند.

اظهارات خانم الِن جی وایت در مورد اهمیت روابط خوشایند و مثبت قابل توجه است. «اگر ما خودمان را در برابر خداوند فروتن کنیم، و مهربان، مؤدب و دلسوز و غمخوار [سرشار از ترحم] باشیم، به جای اینکه یک نفر متحول شده و به حقیقت روی بیاورد، صدها تن متحول شده به حقیقت روی خواهند آورد» (شهادتنامه‌ها برای کلیسا، جلد ۹، صفحه ۱۸۹).

برای لحظه‌ای در مورد اظهارات بالا تأمل کنید. این چه مفهومی برای کلیسای شما میتواند داشته باشد، اگر مهربانی، حسن نیت، صمیمیت، و ترحم (محبت) از قلب هر عضو سرچشمه گیرد. کلیسایی مانند این چگونه کلیسایی خواهد بود؟ به قلب خود بنگرید و از خودتان بپرسید چگونه میتوانید در این زمینه رشد کنید.

۵ شهریور

چهارشنبه

اساس پذیرش

رومیان باب ۷:۱۵ و افسسیان باب ۴:۳۲ را بخوانید. پایه و اساس همه روابط مقبول را چگونه توصیف می‌کنید؟ ماهیت و جوهره یک رفتار مقبول چیست؟

در آیات فوق الذکر، پولس رسول اصولی را ارائه می‌کند که برای پذیرش و مقبولیت ما نسبت به همدیگر بنیادین هستند.

از آنجاییکه مسیح هر یک از ما را بخشیده و پذیرفته است، چطور ممکن است که ما از بخشش و پذیرفتن یکدیگر امتناع ورزیم؟ در حقیقت، دقیقاً به همین دلیل که عیسی مسیح ما را پذیرفته، ما هم باید یکدیگر را بپذیریم حتی با وجود کاستی‌ها و معایبی که داریم.

در این مورد خوب فکر کنید، این به چه مفهومی است. فکر کنید، درباره خودتان و

در مورد برخی از کارهایی که انجام داده اید یا ممکن است در حال حاضر با آن دست و پنجه نرم می کنید، مسایلی که شاید فقط شما از آنها مطلع هستید، چیزهایی که اگر دیگران از آنها اطلاع داشتند، شما به هراس بیفتید.

با اینحال، این به چه معناست؟ شما بوسیله ایمان، در مسیح پذیرفته شده اید، کسیکه همه چیز را میداند گرچه ممکن است دیگران از آن نا آگاه باشند. بله، او همه چیز را درباره شما میداند ولی با اینحال شما را می پذیرد، نه به خاطر خوبی های شما یا اینکه سزاوار و شایسته هستید، بلکه به خاطر خودش.

پس، طرز برخورد شما در قبال دیگران چگونه باید باشد؟ در اینجا پیامی وجود دارد که درک آن برای برخی دشوار است. پذیرش واقعی دیگران بدان معناست که مردم را همانطور که هستند قبول کنیم، با وجود تمام خُلق و خواهی گناه آلوده آنها، زیرا آنان انسان هایی هستند که در شمائل خداوند افریده شده اند. از آنجاییکه مسیح به خاطر ما مُرد «هنگامیکه هنوز ما گناهکار بودیم» و «ما را خدا آشتی داد» هنگامیکه هنوز ما دشمن او بودیم، پس ما میتوانیم دیگران را ببخشیم و آنان را بپذیریم (رومیان ۵: ۶ تا ۱۰). اما هنگامیکه یک رابطه دوستانه و خیرخواهانه ایجاد شد، اغلب لازم است، تا فرد مقابل، با محبت و مهربانی با حقایق کتاب مقدس آشنا شود. کوتاهی در انجام اینکار، چشم پوشی از محبت کردن است. ما به عنوان یک دوست باید به دوستانمان اهمیت بدهیم و حقایق حیات ابدی را با آنان در میان بگذاریم.

بینش مسیح این چنین نبود که بگوید، «هرکاری که میخواهی انجام ده و آن صحیح است. و من هنوز تو را می پذیرم». نگرش او این چنین بود، «مهم نیست که شما تا به حال چه کاری انجام داده اید، من آماده هستم که شما را ببخشم و شما را قادر سازم تا تغییر کنید». وقتی حقایق کتاب مقدس با فروتنی مسیح وار و رفتاری مهربانانه بیان شود، قلبها را بسوی خود جلب میکند و باعث متحول شدن زندگی ها میشود.

چگونه ممکن است یک فرد را بدون اینکه رفتار گناه آلوده او را قبول داشت، پذیرفت؟ چگونه میتوانیم فردی را بپذیریم، در حالیکه در عین حال، با گناه سازش و بر آن چشم پوشی نکرده ایم؟

۶ شهریور

پنجشنبه

بیان حقیقت بطور محبت آمیز

عیسی مسیح «به خاطر محبت» از گفتن حقیقت اهمال نکرد، زیرا در اینصورت دیگر محبت نبود. محبت همیشه بهترین را برای دیگران میخواهد. هیچ تضادی بین محبت و حقیقت وجود ندارد. حقیقتی که با محبت و فروتنی بیان شود، بیانگر محبت است. مسیح فرمود، «من راه و راستی و حیات هستم؛ هیچکس جز به واسطه من، نزد پدر نمی

آید» (یوحنا ۱۴: ۶). عیسی تنها راه نجات است (اعمال ۴: ۱۲). ما بوسیله فیض او نجات یافتیم تا بتوانیم حقیقت را بشناسیم و در او حیات نو یابیم و در او زندگی کنیم. حقیقت بدون محبت منجر به خدشه دار شدن رستگاری میشود، زیرا که حیات روحانی را از بین میبرد. بنابراین «محبت» بدون حقیقت باعث پیروی از عواطف و احساسات بدون معنا و مفهوم میشود و فرد را در دریای بی اعتمادی رها می کند. ثمره حقیقت بیان شده بوسیله محبت یک تجربه معتبر مسیحی است که یک هدف روشن، معنادار، و مشخص را ارائه میدهد.

اول پطرس باب ۳: ۱۵؛ دوم تیموتائوس ۴: ۲؛ و تیتوس ۳: ۴، ۵ را بخوانید. چه عباراتی در این آیات بیانگر هماهنگی بین بیان حقیقت کتاب مقدس و یک روح مهربان و فروتن است؟

نویسندگان عهد جدید هرگز محبت را بر بیان حقیقت ارجح ندانستند. آنها با لطافت و به زیبایی محبت را با بیان حقیقت، فیض را با شریعت، و شفقت را با صداقت در هم آمیختند. پطرس به یاران ایماندارش توصیه می کند «همواره آماده باشید تا هرکس دلیل امیدی را که در شماست بپرسد، او را پاسخ گوید، اما با نرمی و با احترام» (اول پطرس ۳: ۱۵). به عبارت دیگر، شما باید بدانید که به چه چیزی اعتقاد دارید، چرا به آن اعتقاد دارید، و قادر باشید تا آنچه را که اعتقاد دارید، و دلیل آن را توضیح دهید. این بدان معنا نیست که شما همه پاسخها را بدانید و یا باید قادر باشید تا دیگران را به آنچه که معتقد هستید، متقاعد کنید. این بدان معناست که فقط با «نرمی و با احترام» بیان کنید، فقط همین، تا بتوانید با تواضع و مناعت طبع درباره موضوعات مورد مناقشه، از ایمان خود دفاع کرده و آنرا توضیح دهید.

پولس رسول به همکار جوان خود توصیه میکند، «کلام را موعظه کنی و به گاه و به بیگاه آماده این کار باشی و با صبر بسیار و تعلیم دقیق، به اصلاح و توییح و تشویق بپرداز» (دوم تیموتائوس ۴: ۲). او به تیتوس یادآوری می کند که این شفقت و محبت خداست که کسانی را که در او حیات تازه یافتند، نجات یابند (تیتوس ۳: ۵). ما نیز فراخوانده شده ایم تا حقیقت را با محبت، صبوری و فروتنی بیان کنیم. پروردگار ما از ما دعوت می کند تا با یک بینش مهربانانه و گیرا در رساندن پیام او در مورد روزهای آخر برای دنیائی که بدون مسیح در حال مرگ است، به او بپیوندیم.

اگر شخصی از شما سؤال کند، «چرا شما مسیحی هستید؟» شما چه پاسخ خواهید داد، و چرا؟

تفکری فراتر: «در مسیح حساسیت یک شبان دلسوز، محبت یک پدر و مادر، و فیض بی همتای منجی مهربان وجود دارد. او برکاتش را با لحنی جذاب و گیرا بیان می کند. او فقط با اعلان آنها راضی نمی شود؛ بلکه او عطایا را با شیواترین روش بیان می کند تا در هر کس اشتیاق دریافت آنها را ایجاد کند. بنابراین، خادمین او باید گنجینه با شکوه و جلال عطایای توصیف ناپذیر او را معرفی کنند. محبت شگفت انگیز مسیح قلبهای سخت را نرم و تسلیم میسازد، در حالیکه تکرار اصول تعالیم کاری را از پیش نمی برد.» قوم مرا تسلی دهید، آنها را تسلی دهید!..... صهیون اعلام کن! فریاد بزن و ترسان نباش، به شهرهای یهودا بگو که خدای آنها می آید! خداوند قادر متعال می آید تا با قدرت حکومت کند، او با خودش قومی را که نجات داده است، خواهد آورد. او مثل یک شبان از گلّه خود محافظت خواهد کرد. او بزه ها را با هم جمع می کند و آنها را در آغوش خود به آغل می برد. و میش ها را هم با ملایمت، هدایت می کند» (اشعیا ۴۰: ۱، ۹ تا ۱۱). (النجیل، آرزوی اعصار، صفحات ۸۲۶، ۸۲۷).

سؤالاتی برای بحث

۱. متاسفانه، برخی با بیان و اشاره به خطایای دیگران، احساس بهتری درباره خود می کنند. چگونه میتوانید مطمئن باشید که در زمره این افراد نیستید؟
۲. این موضوع را در نظر بگیرید: دوستی، تازه از مراسم تشییع جنازه برگشته است و اظهار میدارد: «من بسیار خوشحالم که الان عمه ام در بهشت است و مرا را نظاره می کند. و من از این مطلب احساس خوبی دارم». براساس اصولی که در این هفته در این درس مطالعه کردیم، عکس العمل شما چگونه خواهد بود؟ یعنی، با اینکه وضعیت انسان بعد از مرگ مسئله مهمی است، چرا ممکن است زمان خوبی برای صحبت کردن با شخص در مورد موضوع کتاب مقدس درباره این موضوع نباشد؟
۳. با توجه به وظیفه شاهد بودن ما، به بحث در مورد موضوع زیر پردازید: کنکاش پلیدی در دیگران، منجر به شکل گرفتن پلیدی در تفحص کنندگان میشود. با تمرکز بر روی خطایای دیگران، ما هم شبیه آنان میشویم. اما با دیدن چهره مسیح که از محبت و کمال ذات آنان صحبت می کند، ما متحول میشویم و به شکل مسیح در می آییم. با اندیشیدن به ایده والایی که او در اختیار ما گذاشته، ما به عالم پاک و مقدس ملکوت، حتی تا به حضور خداوند تعالی می یابیم. هنگامیکه ما بر روی زمین ساکن هستیم، نوری که از ما ساطع میشود، بر روی تمام کسانی که با آنان در ارتباط هستیم، می تابد» (النجیل، آرزوی اعصار، صفحه ۴۷۹).



گستاخانه حرف زدن در فنلاند

توسط اندرو مک چسنی

سیمو و کاووری ۱۹ ساله در حالیکه از عمو و خاله ادونتیست روز هفتمی اش که در سوئد بودند دیدن می کرد شروع کرد به مرور کردن دوباره زندگی اش. نوجوان فنلاندی به خاطر آورد که سه سال پیش در اردوی تابستانی نتوانسته بود به عهده‌ی که با خدا بسته بود وفادار بماند و از خود پرسید: «آیا فیض خدا را از دست داده‌ام؟»

یک شب او به پشت باغ رفته و در کنار یک بوته بزرگ یاس بنفش زانو زده و با گریه گفت: ای عیسی، اگر هنوز مرا می پذیری، اگر امشب آن شبی است که قلبم را باید به تو تسلیم کنم، لطفاً به من نشان بده. شاید اجازه دهی شهاب سنگی از آسمان فرو افتد.

همینکه بلند شد یک شهاب سنگ بزرگ در تاریکی شب عبور کرد. وقتی سیمو به خانه نزد خانواده بازگشت که مزرعه تهیه لبنیات در فنلاند داشتند، طولی نکشید که مردم روستا تصمیم او را برای پیروی از خداوند شنیدند. برخی نیشخند زدند و سیمو با خود فکر کرد که آیا باید ایمانش را مخفی نکند.

یک عصر وقتی سیمو در حال دوشیدن گاوها در اسطبل آجری پدرش بود یک بازرس دولتی برای بازرسی های همیشگی سروکله اش پیدا شد. او در مورد تسلیم شدنش به عیسی شنیده بود و با او با تمسخر حرف زد. در حالیکه سیمو گاوی را می دوشید با حالتی استهزا آمیز به او گفت: گوش کن، پرنده ای کوچک شایعه ای را پخش می کند. امیدوارم که در سوئد مسیحی نشده باشی. آیا بهتر نیست که بروی دنبال هنرپیشگی مثل رقص و خوانندگی با دیگر جوانان از دنیا لذت ببری؟

سیمو در حالیکه به آن خانم زل زده بود گفت: دوست من می توانم به تو بگویم که من عیسی را به عنوان منجی شخصی ام در سوئد ملاقات کردم و هر کجا که مرا رهبری کند می روم.

سیمو حرف زدنش را تمام کرده بود وقتی یک انفجاری مهیب به اسطبل

خورد و گاوی را که او می دوشید به زمین افتاد و مرد. گاوهای دیگر به زمین افتادند. سکوتی اسطبل را فرا گرفت. بعد گاوها چنان ماو ماو کردند مثل اینکه سگها پارس کرده باشند.

یک گلوله رعد و برق به اندازه یک توپ گلف بین سیمو و گاو افتاده بود. چکمه های سیمو او را از شوک الکتریکی محفوظ کرده بود.

بازرس در حالیکه شوکه شده بود بر روی زمین بتنی مبهوت و بی حرکت ایستاده بود. صورتش از ترس رنگ باخته بود. ابزارآلاتش به داخل گودالی پر از سرگین گاو فرو رفته بود. او سرانجام لب به سخن گشوده و گفت: سیمو مرا به خاطر حرفهای بدی که گفتم ببخش؟ لحن تمسخر آمیز او تغییر کرده بود. پس از لحظه ای مکث پرسید: چطور می توانم به مانند تو در این راه قدم بگذارم؟

سیمو در آن لحظه مصمم شد که نایستی در مورد به اشتراک گذاردن ایمانش خجل باشد. او آن شب در اتاقش دعا کرد: تمام قلب و زندگی ام از آن توست و هر جا رهبری ام کنی می روم.

سیمو که حال ۸۴ ساله است به عنوان شبان و رهبر کلیسا در فنلاند خدمت می کند.

راهی جالب برای مشارکت



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: پیدایش ۱: ۱، ۲، ۲۶؛ خروج ۱۸: ۲۱ تا ۲۵؛ اول قرنیتان ۱۲: ۱۲ تا ۲۵؛ اعمال رسولان ۱۶: ۱۱ تا ۴۰؛ اعمال رسولان ۴: ۳۱؛ اعمال رسولان ۱۲: ۱۲.

آیه حفظی: «پس به شاگردانش گفت: محصول فراوان است، اما کارگر اندک. پس، از مالک محصول بخواهید کارگران برای درو محصول خود بفرستد» (متی ۹: ۳۷، ۳۸).

شخصی گفته است، قدرت در تعداد است. از طرفی، این مطلب صحیح است. آیا تا به حال توجه کرده‌اید که هنگامیکه شما در یک گروه ورزش می‌کنید، انگیزه بیشتری برای اینکار دارید، نسبت به زمانیکه مجبور هستید هر روزه به تنهایی ورزش کنید؟ بسیاری از مردم به عضویت کلوپ‌های سلامتی، بدنسازی، و مراکز ورزشی در می‌آیند زیرا معتقد هستند آنان در صورت ورزش با یک گروه بیشتر فعالیت می‌کنند و از آن بیشتر لذت و بهره می‌برند. به همین ترتیب، خداوند ما را برای مصاحبت و مشارکت با یکدیگر آفرید. ما موجودات اجتماعی هستیم و همانند موضوع ورزش این موضع در بسیاری دیگر از جنبه‌های زندگی ما صادق است: ما عملکرد بهتری داریم اگر نظام اجتماعی از ما حمایت کند. این امر به ویژه در مورد مسائل روحانی صادق است.

در سراسر کتاب مقدس، گروه‌های کوچک به عنوان یکی از روش‌های خداوند برای تقویت ایمان، ارتقاء دانش ما در مورد کلام خدا، تعمیق زندگی عبادی ما، و آماده سازی ما برای شاهد بودن شناخته شده‌اند. پدر، پسر، و روح القدس در یک گروه کوچک خدمتی، با هم مشارکت کردند. موسی، رهبر یک گروه کوچک بود. مسیح گروه کوچک خود را که متشکل از حواریون بود ایجاد کرد، و پولس رسول به همراه یک گروه کوچک متشکل از یاران انجیلی به دنیای روم باستان سفر کرد.

ما در طی مطالعه این هفته بر روی اصول کتاب مقدس برای گروه‌های کوچک تمرکز خواهیم کرد، و شما به روش انگیزه بخش برای مشارکت پی خواهید برد.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۵۱ شهریور - ۵ سپتامبر آماده شوید.

گروه‌های کوچک: اولین ایده خدا

پیدایش باب ۱: ۱، ۲، ۲۶؛ عبرانیان باب ۱: ۱، ۲؛ و افسسیان باب ۳: ۸، ۹ را بخوانید. چگونه این آیات وحدت را در الوهیت نشان میدهد؟

روح القدس با هم در آفرینش مشارکت داشتند. هر کدام وظایفی متفاوت داشتند، اما هر سه با هم یکی و از هم جدا نبودند. پدر، استاد طراح و معمار بزرگ بود. او نقشه های خود را از طریق مسیح، کسیکه در عمل آفرینش دخیل بود، و با قدرت روح القدس عملی کرد. این کار خارق العاده عظیم، فراتر از قدرت درک ماست. آنچه که ما میتوانیم درک کنیم، روشن است، و آن تنها واقعیت خلقت جهان و کهکشانها نیست، بلکه این است که همه اینها را خداوند خلق کرده است (نگاه کنید به رومیان ۱: ۱۸ تا ۲۰).

گروه های کوچک، از همان ابتدا، ایده خداوند بود. با اینحال، با توجه به بسیاری از جنبه های اسرارآمیز خداوند، باید هنگامیکه از این تمثیل ها استفاده میکنیم مراقب باشیم، اجازه دهید نمونه ای را بیان کنیم، و اینست که پدر، پسر، و روح القدس اولین «گروه کوچک» را در تاریخ رستگاری تشکیل دادند. آنها با هم در آفرینش نسل انسان و سپس در رستگاری او پس از سقوط در گناه مشارکت کردند.

یوحنا باب ۰۱: ۷۱، ۸۱ را با رومیان ۸: ۱۱؛ و اول قرنتیان ۵۱: ۵۱ مقایسه کنید. رستاخیز مسیح، چگونه یگانگی پدر، پسر، و روح القدس را در برنامه نجات نشان میدهد؟

پدر، پسر، روح القدس در «گروهی کوچک» با یک هدف روشن و مشخص یعنی نجات نسل بشر با هم متحد شدند. «نقشه نجات جایگاه خود را از ازل در اندرزه های خالق سرمدی داشت».

(الن جی وایت، اصول بنیادین آموزش مسیحی، صفحه ۱۸۶). برای خداوند هیچ چیز مهمتر از نجات هر چه بیشتر انسانها نیست (اول تیموتائوس ۲: ۴؛ دوم پطرس ۳: ۹). ممکن است گروه های کوچک اهداف متعددی داشته باشند که ما در درس این هفته آنها را مورد مطالعه قرار خواهیم داد، اما هدف اصلی آنها متمرکز بر جلب و تسخیر قلبهای انسان های گمشده برای مسیح است. یعنی با مشارکت در گروه های کوچک، نه تنها به خودمان، بلکه به دیگران هم کمک میکنیم. یعنی هدف غایی گروه های کوچک باید صید جانها باشد.

بر راز وحدت خداوند تامل کنید. درک این مسئله دشوار است، اینطور نیست؟ با اینحال، همچنان میتوانیم آنچه را که کاملاً درک نمی‌کنیم، باور داشته باشیم و به آن اعتماد کنیم، اینطور نیست؟ چرا مسیحیان این چنین اصول مهم را باید با ایمان پیروی کنند؟

۱۰ شهریور

دوشنبه

گروه‌های کوچک در کتاب مقدس

کتاب مقدس نمونه‌های زیادی از گروه‌های کوچک دعا، مشارکت، تشویق یکدیگر، و کار برای مسیحرا معرفی می‌کند. این گروه‌ها برای قوم خدا فرصتی را فراهم می‌کنند تا در انجام مسئولیت‌ها با هم مشارکت کنند و عطایای مختلف خودشان را کاملاً بکار گیرند. به این معنا که، گروه‌های کوچک می‌توانند فرصتی را برای پروردگار فراهم کنند تا هر یک از ما بطور کامل بکار گیرد.

خروج باب ۸۱: ۱۲ تا ۵۲ بخوانید. چه توصیه‌های دوراندیشانه‌ای را پدر زن موسی، یترون به موسی داد که تفاوت چشمگیری را در زندگی موسی ایجاد کرد؟ چرا این طرح از اهمیت حیاتی برخوردار بود؟

هر فرد در اردوگاه اسرائیل عضوی از یک گروه ده نفره بود، که توسط یک شخص صالح و پرهیزگار رهبری می‌شد. این گروه‌های کوچک مکانی برای حل اختلافات بودند، اما این گروه‌ها برای اهدافی فراتر از این‌ها بودند. آنها شوراهای مشورتی بودند که می‌توانستند از مشکلات جلوگیری کنند و حیات روحانی را پرورش دهند. آنها مکان بیان دیدگاه‌ها بودند که طرح‌های خداوند برای مردم اسرائیل می‌توانست در آنجا با آنان درمیان گذاشته شود. در گروه‌های کوچک مانند این، مردم می‌توانند روابط محکم و مهربانه‌ای با هم برقرار کنند، که می‌تواند به همه اعضا کمک کند تا از پس هر مسئله‌ای که با آن مواجه هستند، برآیند. پس بدون تردید، حتی در حال حاضر، مردم با مسائل مختلفی دست و پنجه نرم می‌کنند که دیگران می‌توانند به آنان کمک کنند. گروه‌های کوچک فرصتهایی را برای همیاری گرم و دلسوزانه، رشد روحانی، و حل مشکلات فراهم می‌کنند. قابل توجه است که کارشناسان گروه‌های کوچک به ما می‌گویند که اندازه ایده‌آل برای تعامل گروهی بین شش تا دوازده نفر است. این دقیقاً معیاری است که موسی و عیسی هر دو در تشکیل گروه‌های خود بکار گرفتند.

لوقا باب ۶: ۱۲، ۱۳؛ متی باب ۱۰: ۱؛ مرقس باب ۳: ۱۳ تا ۱۵ را بخوانید. دو هدف عیسی در فراخوانی حواریون و انتخاب آنان به عنوان بخشی از گروه کوچک خدمتی خود، چه بودند؟

هدف عیسی در دعوت از حواریون این بود که آنان را هم از لحاظ روحانی و هم عملی برای ماموریت آنان در جهان آماده کند. در مشارکت با او، آنها میتوانستند در فیض رشد کنند. آنان در چارچوب جلسات کوچک گروهی خود، میتوانستند بیاموزند که چگونه خدمتی موثرتر داشته باشند. هر روزه، همانطور که آنان کار مسیح در خدمت به مردم و در تامین نیازهای آنان را مشاهده می کردند، میتوانستند نحوه بکارگیری عطایای خود را یاد بگیرند. هدف مسیح از گروه‌های کوچک، هم پرورش روحانی و هم دستیابی به دیگران بود که هنوز جذب مسیح نشده بودند.

به زمانی فکر کنید که با یک گروه کوچک از افراد در موضوعی، مشارکت و همکاری داشته اید و در آن از یکدیگر حمایت کرده اید و همه برای یک هدف مشترک تلاش کرده‌اید. چه چیزی فرا گرفته اید که ممکن است در درک ارزش گروه‌های کوچک در زمینه ایمانتان به شما کمک کند؟

۱۱ شهریور

سه شنبه

سازماندهی شده برای خدمت

اول قرنیتیان باب ۱۲: ۱۲ تا ۲۵ را بخوانید. چگونه بدن انسان یک تصویر عالی از همکاری هماهنگ اعضا در گروه‌های کوچک را نشان میدهد؟

پولس نه تنها اهمیت عطایای روحانی را در حیات کلیسا بیان میکند، همچنین الگویی را برای نحوه هماهنگی و سازماندهی اعضا نشان میدهد. او در خصوص چگونگی کارکرد عطایای روحانی در بدن مسیحیه بحث می پردازد.

مطالعه آناتومی و فیزیولوژی بدن نشان میدهد که اعضای بدن در سیستم‌های مختلف ولی مرتبط با هم همکاری می کنند. برای مثال، دستگاه گوارش، قلبی عروقی، تنفسی و استخوان بندی تنها معدودی از سیستم پیچیده اعضای بدن هستند. عطایای روحانی همانند بخش‌های مختلف بدن هستند. آنها بهترین عملکرد را خواهند داشت اگر در سیستم‌ها یا گروه‌ها سازماندهی شوند. در حقیقت، در اکثر موارد آنها نمی توانند به تنهایی عمل کنند. بدن ما فقط مجموعه‌ای از اعضای جداگانه نیست که آنها برای خود مستقل و بدون ارتباط با اعضای دیگر عمل کنند. هر عملکرد جسم در ارتباط تنگاتنگ و مرتبط با یک سیستم است که با هم در جهت پیش بردن یک هدف مشترک عمل می کنند.

همه اینها مطلبی را در مورد محلی که در آن میتوانیم از عطایای روحانی خود به بهترین نحوه استفاده کنیم، بیان می کنند. هنگامیکه به تنهایی کار می کنیم، براحتی میتوانیم ناامید شویم، اما زمانیکه به عضویت یک گروه کوچک از افرادی با علائق و اهداف مشترک در آییم، تلاش‌های ما میتواند بسیار منسجم تر باشد و عملکرد بهتری داشته باشد.

گروه‌های کوچک می‌توانند بهترین محیط را برای بکارگیری عطایای روحانی فراهم می‌کنند، و می‌توانند به هسته مرکزی خدمت بشارتی یک جماعت کلیسای محلی تبدیل شوند. خانم الِن جی وایت ارزش گروه‌های کوچک را اینطور بیان میکند: «تشکیل گروه‌های کوچک به عنوان بنیان تلاش مسیحی توسط آن کسی که نمیتواند خطا کند به من نشان داده شده است. اگر تعداد زیادی در کلیسا وجود دارند، بگذارید گروه‌های کوچکی را تشکیل دهند، تا نه تنها به اعضای کلیسا بلکه به غیر ایمانداران هم خدمت کنند. اگر در یک مکان فقط دو یا سه نفر هستند که حقیقت را میدانند، بگذارید آنها یک گروه کاری تشکیل دهند. بگذارید آنها اتحاد و وحدت خود را دائماً حفظ کنند، با محبت و وحدت همبستگی خود را نگه دارند و یکدیگر را ترغیب و تشویق به پیشرفت کنند و هر کدام از کمک دیگری به دلیری و قوت دست یابند». شهادتهایی برای کلیسا، جلد ۷، صفحات ۲۱، ۲۲.

گروه‌های کوچک خدمتی توسط خداوند مقرر شده‌اند، تا هر عضو کلیسا از نظر روحانی رشد کند و مشارکتی صمیمانه را تجربه کند، و عطایای خدادادی آنها در خدمت بکار گرفته شود.

در مورد سخنان خانم الِن جی وایت بیندیشید. عبارت به عبارت آنرا تجزیه و تحلیل کنید. چگونه می‌توان این توصیه الهی را در کلیسا بکار گرفت؟

۱۲ شهریور

چهارشنبه

گروه‌های کوچک در عهد جدید

کلیسای عهد جدید در اثر رشد بسیار سریع گسترش یافت. و در مدت کوتاهی از یک جماعت کوچک ایماندار به ده‌ها هزار نفر از عابدان گسترش یافت. عوامل بسیاری وجود دارند که به این پدیده رشد سریع کلیسا کمک کردند. رسالت مسیح کاشتن بذر انجیل و آماده کردن مخاطبین برای پذیرش موعظه حواریون بود. پس از صعود مسیح، در روز پنطیکاست در هنگام دعا روح القدس بر شاگردان ایماندار مسیح نازل شد. یکی از عوامل موثر در رشد سریع کلیسای عهد جدید ساختار سازمان یافته گروه کوچک آنها بود. گروه‌های کوچک تأثیرات زیادی داشتند.

اعمال رسولان باب ۱۸: ۱ تا ۵، و اعمال رسولان باب ۲۰: ۱ تا ۴ را بخوانید. چرا لوقا نام برخی از کسانی را که با پولس از نزدیک همکاری می‌کردند را ذکر کرده است؟

جالب است که به این نکته توجه کنید که لوقا فقط نام برخی از کسانی که با پولس کار می‌کردند را ذکر می‌کند. برای او همه آنها مهم بودند. او نام همه آنان را میدانست. آنها در کار بشارت از یکدیگر حمایت می‌کردند. با اینحال تعداد اسامی که وی به آنها

اشاره می کند اندک است، و این به اثبات اهمیت داشتن همکاری نزدیک با یکدیگر، حتی با تعداد اندک کمک می کند.

مطمئناً هر یک از این افراد دارای عطایایی بودند که با آنچه دیگری داشت متفاوت بود. آنها دارای پیشینه ها و فرهنگهای متفاوتی بودند. دیدگاه آنان نسبت به امور همیشه یکسان نبود، اما هر یک سهم ارزنده ای در راه رسالت مسیح داشتند. همه عطایا، پیشینه ها، و تجربیات مختلف آنان در رشد کلیسا نقش مهمی را ایفا کرد. هر کدام از آنها در انجام رسالت مسیح، سهم خود را از سابقه و تجربه ارزشمند شخصی زندگی با مسیح را به مشارکت گذاشت.

اعمال باب ۱۶: ۱۱ تا ۱۵، ۴۰: اعمال ۱۲: ۱۱، ۱۲ را بخوانید. لیدیا بلافاصله بعد از ایمان آوردن چه دعوتی از پولس کرد؟ پولس و پطرس پس از آزادی از زندان هر دو به کجا رفتند؟

ایمانداران عهد جدید معمولاً یکدیگر را در خانه ها ملاقات می کردند. خانه های مسیحیان به مراکز تاثیرگذار و کانون گروه های کوچک خدمتی تبدیل شده بودند.

آیا تا به حال فکر کرده اید که یک گروه کوچک بشارتی را در خانه خودتان شروع کنید و یا با پیوستن به یک دوست، یک گروه کوچک خدمتی را در خانه او تشکیل دهید؟ اگر شما در حال حاضر جزئی از یک گروه کوچک بشارتی هستید، فکر کنید، چه مزایایی از آن را میتوانید در این هفته با کلاس در میان بگذارید.

۱۳ شهریور

پنجشنبه

جنبشهای گروه کوچک

گروه های کوچک وسیله ای هستند که خداوند برای رشد کلیسا از آنها استفاده میکند. آنها «پناهگاه امن» برای مردم هستند تا بتوانند مشکلاتشان را بیان کنند و درباره دل نگرانیهای یکدیگر بحث و گفتگو کنند. آنها فرصتهایی را برای رشد روحانی در قالب روابط دلسوزانه و یاری رسان فراهم می کنند. بسیاری از غیر مسیحیان در ابتدای آشنایی با مسیحیت، شرکت در جلسات خانگی را نسبت به حضور در یک جلسه کلیسایی ترجیح داده و احساس راحت تری دارند.

اعمال باب ۴: ۳۲، و اعمال ۱۲: ۱۲، و اعمال ۲۰: ۱۷ تا ۱۹، ۲۷ تا ۳۲ را بخوانید. فهرستی از تمام عوامل مختلف در این گروه های عهد جدید تهیه کنید. این گروهها در چه فعالیتهایی دخیل بودند؟

مسیحیان اولیه در کنار هم جمع میشدند، تا برای دیگران دعا کنند، در یک مشارکت گرم و صمیمانه دل نگرانیها و مشکلاتشان را با یکدیگر در میان میگذاشتند و برای آنها دعا میکردند، کلام خدا را مطالعه میکردند، برای خدمت آماده میشدند، و از یکدیگر در برابر معلمان دروغین محافظت نموده و با یکدیگر در فعالیتهای بشارتی همکاری میکردند. گروههای کوچک باعث تغییر میشوند. مردم در اتحاد با یکدیگر عطایای خود را در جهت خدمت بکار میگیرند، و در کار بشارت بر قدرت روح القدس تکیه می کنند، و آنان سلاحی قدرتمند در دستان خداوند هستند.

متی باب ۹: ۳۷، ۳۸ را بخوانید. عیسی در مورد محصول چه گفت، و راه حل او برای این مشکل چه بود؟

حواریون فقط احتمالات ضعیف را برای پیشرفت و اعلان پیام انجیل می دیدند، اما عیسی فرصتهای بسیار عالی را برای این امر میدید. او این خبر خوب را با آنان در میان گذاشت که «در حقیقت محصول فراوان است»، سپس او به مشکل اشاره می کند، که «کارگر کم است» (متی ۹: ۳۷). راه حل مسیح این بود که، «شما باید از صاحب محصول درخواست نمایید تا کارگرانی برای جمع آوری محصول خود بفرستد» (متی ۹: ۳۸). گروههای کوچک پاسخی به دعای مسیح هستند و بطور تصاعدی تعداد کارگران برای برداشت محصول مسیح را افزایش میدهند.

هدف تمام گروههای کوچکِ تاثیرگذار، خدمت و بشارت است. رسالت گروه های کوچک اگر فقط متمرکز بر روی مسائل داخلی باشد و نه خارج از گروه بزودی از بین می رود. اگر گروه کوچک کمی بیشتر از یک گروه بحث و گفتگو باشد و فقط به خدمت در داخل خود پردازد، در هدف خود ناکام خواهد ماند و از هدف اصلی بوجود آمدنش دور خواهد شد. گروههای کوچک بوجود می آیند تا مردم را بسوی مسیح سوق دهند، تاایمان آنان را در مسیح بنا و پرورش دهند و آنها را آماده ساخته تا سفیران مسیح بشوند.

آیا این امکان وجود دارد که خداوند شما را فرا خوانده تا یک گروه کوچک را در خانه تشکیل دهید؟ چرا درباره آنچه که ممکن است خدا شما را در خصوص آن تحت تاثیر قرار دهد تا انجام دهید، دعا نمی کنید؟ شما ممکن است در آستانه زمان دریافت اجر معنوی زندگی خود باشید.

۱۴ شهریور

جمعه

تفکری فراتر: چندین سال پیش در حومه یکی از شهرهای بزرگ اروپا، یک کلیسای کوچک، تصمیم گرفت که باید کاری بزرگ و چشمگیر برای خداوند انجام دهد. کلیسا فعال نبود و سالها بود که کسی در آن تعمیر نیافته بود. اگر همان روند ادامه می یافت، کلیسا

آینده درخشانی نداشت. کشیش و مدیریت کلیسا با جدیت دعا کردند و آنچه را که ممکن بود بتوانند انجام دهند، با دقت مورد بررسی قرار دادند.

همانطور که آنان عهد جدید را مورد مطالعه قرار دادند، تصمیم گرفتند که یک گروه کوچک بشارتی تشکیل دهند. نه نفر از میان حضار کلیسا در انجام این عقیده مشارکت کردند. آنها خود را متعهد ساختند تا با یکدیگر دعا کنند و نحوه تشکیل گروه‌های کوچک بشارتی تاثیرگذار را مورد بررسی قرار دهند. طولی نکشید که آنها تصمیم گرفتند که هریک از آنها خانه خود را به یک مرکز بشارت تبدیل کند. این گروه‌ها آموختند که عطایای خود را در راه‌های مختلف بکار گیرند. آنها جلسات دعا و مهمانوازی را راه اندازی کردند. آنها روابط دوستانه را در جامعه توسعه دادند. و با رفتار دوستانه و شفقت آمیز نسبت به فامیل، دوستان، و ادونت‌تست‌های سابق، روابط خود با آنان را احیا کردند. رهبران گروه‌های کوچک بشارتی، مطالعه کتاب مقدس را در نه [۹] خانه با چهل مهمان شروع کردند. آنها از آنچه روح القدس در حال انجام بود، در شگفتی بودند. سرانجام هفده نفر از چهل نفر تعمید یافتند. شهادت آن کلیسای کوچک غیر فعال و بی روح، اینست که گروه‌های کوچک بشارتی می‌توانند تغییرات بزرگی ایجاد کنند. آنها یکی از ابزار خداوند برای مشارکت اعضای کلیسا در ماموریت کلیسا هستند.

سؤالاتی برای بحث

۱. در کلاس، درباره عناصر لازم در هر گروه کوچک، همانطور که در درس روز پنجشنبه بطور اجمالی از آن صحبت شد، بیشتر بحث کنید. انواع دیگر فعالیتها که گروه‌های کوچک می‌توانند در آنها فعال باشند، چه هستند؟ چه روش‌هایی هستند که یک گروه کوچک میتواند به کسانی که عطایای ویژه ای دارند کمک کند تا بتوانند آنها را طوری بکار گیرند که هرگز در قبل بکار نگرفته اند؟
۲. چرا بسیار مهم است که گروه‌های کوچک، دائماً متوجه خدمت خارج از خود و بشارت باشند؟ بدان معنا که، هر چقدر هم که گروه مسئول کمک به اعضای خود و حمایت از آنان باشد، اما باید همیشه هدف اصلی خود یعنی گسترش و بشارت انجیل را فراموش نکند؟ چرا اینقدر این مسئله مهم است؟
۳. آیا تا به حال عضو گروه‌های کوچکی بوده‌اید و یا شنیده اید که بطور موثر عمل نکرده باشند و سر انجام منحل شده باشند؟ درباره دلایل آن بحث کنید و فکر کنید چرا این اتفاق افتاده است.
۴. در مورد حکایت فوق یعنی، در مورد آنچه در اروپا برای گروه کوچک بشارتی اتفاق افتاد، فکر کنید. به نظر شما چرا آنان به خوبی در اینکار موفق شدند؟ چه کاری انجام دادند که از بسیاری جهات خیلی ساده بود و در عین حال بسیار موثر واقع شد؟ چرا ممکن است کار کردن از محیط «امن تر» خانه‌ها، بر خلاف ساختمان کلیسا، راهی موثر برای شروع بشارت در محله و جامعه است؟



بخشیده شده در تیمور شرقی

توسط اندرو مک چسنی

فردی که می خواست کارمند فروشگاه ادونتیست روز هفتم را به قتل برساند با مجازات روبرو نخواهد شد، پس از اینکه مقامات شرق تیمور تصمیم کارمند مغازه را مبنی بر بخشش او پذیرفتند در عوض اینکه برای اجرای عدالت او را مورد پیگرد قرار دهند. پرونده کیفری باعث شوکه شدن شهر لوس پالوس شد، جاییکه مجازات و کیفر چیزی معمولی است، و حتی پلیس باور به بخشش ادو واچومو را ندارد. فرد حمله کننده، یوئینیل آنانیاس، در سال ۲۰۱۷ در حالیکه مست بود تلاش می کرد تا با فرو کردن نیزه ای به در مغازه و وارد شدن به مغازه، ادو را بکشد. نیزه تنها تا بینی ادو را خراش داده بود.

ادو یوئینیل را در ایستگاه پلیس در سال ۲۰۱۹ ملاقات کرد و با نوشتن نامه ای اعلام نمود که او را بخشیده است. یوئینیل به آرامی اظهار ندامت کرد. او گفت: «من متاسفم. ممنونم». یوئینیل پیشنهاد کرد که یک خوک را ذبح کرده و جشنی برای افتخار ادو بر پا کند؛ اما ادو سرباز زد و گفت که گوشت خوک نمی خورد. افسرهای پلیس با شگفتی در حالیکه ادو کاغذ را امضاء می کرد نگاه می کردند. یک افسر به یوئیل گفت: تو حداقل باید یک هدیه به ادو بدهی یا یک گاو قربانی کنی.

حمله مذکور، که به عنوان داستان مدرسه سبت در فصل چهارم سال ۲۰۱۸ در نظر گرفته شد، اتفاق افتاد وقتی یوئینیل با مستی قدم به داخل فروشگاه گذارده و قصد جان ادوی ۲۸ ساله را کرده بود که پشت پیشخوان مغازه بود. ادو، که پس از آنکه دروس کتاب مقدس را از صاحب مغازه اش زلیندو یواثو لای گرفت و به کلیسای ادونتیست پیوسته است، به آرامی او را سرزنش کرد. یوئینیل با خشم می خواست ادو را بکشد اما وقتی دیگر مشتریها را در مغازه دیده بود از کشتنش سرباز زده بود.

وقتی داشت از در مغازه بیرون می رفت گفت: «امشب تو را خواهم کشت». آن شب ادو شنید که کسی در فلزی را می کوبد که پشت مغازه بود.

او به طرف در رفت که با زنجیر قفل شده بود و از بین زنجیر بیرون را نگاه کرد تا ببیند چه کسی بیرون است. در آن لحظه، یک نیزه از لای در به داخل فرو رفت. در یک چشم به هم زدن، ادو دستش را بلند کرد و نیزه را به طرف دیگر فشار داد و نیزه تنها بینی اش را مجروح کرد. دو روز بعد پلیس نزد ادو آمده و پرسید که آیا می خواهد تا فرد متخلف به زندان برود یا نه. ادو سرش را به نشانه نه تکان داده و گفت: من او را بخشیده ام.

در حال پلیس یوئینیل را به مدت یک هفته بازداشت کرده و سپس آزاد کرد. روند قانونی تا سال ۲۰۱۹ به طول انجامید تا اینکه یوئینیل به طور رسمی توسط مقامات تبرئه شد.

زلیندو امیدوار است که جامعه محلی بفهمند که خدا می خواهد آنان را ببخشد — درست همانطور که ادو یوئینیل را بخشید. بعد از حادثه حمله، خواهر و برادر ادو تعمیر گرفتند و زلیندو امیدوار است بسیاری از مردم الگوی آنان را دنبال کنند.

او گفت: «همه درباره تصمیم ادو در مورد بخشیدن صحبت می کنند و هیچ کس آنرا درک نمی کند. قدرت بخشش از سوی خداست.

داستان مسیح را به مشارکت گذاشتن



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: افسسیان ۲: ۱ تا ۱۰؛ اول یوحنا ۴: ۷ تا ۱۱؛ مرقس ۵: ۱ تا ۲۰؛
عبرانیان ۱۰: ۱۹ تا ۲۲؛ غلاطیان ۲: ۲۰؛ اول قرنتیان ۱: ۳۰.

آیه حفظی: «اینها را به شما نوشتم که به نام پسر خدا ایمان دارید، تا بدانید که از حیات جاویدان برخوردارید» (اول یوحنا ۵: ۱۳).

همانطور که در درس‌های قبلی گفته شد، هیچ چیزی شیواتر از تغییر زندگی نیست که بتواند درباره قدرت انجیل بگوید. ممکن است، مردم با شما بر سر عقایدتان بحث کنند، تعالیم شما را به چالش بکشند و یا درک شما از کتاب مقدس را زیر سؤال ببرند، اما آنها به ندرت می‌توانند شهادت شخصی شما بخاطر مفهومی که مسیح برای شما دارد و آنچه برای شما انجام داده است را زیر سؤال ببرند.

شهادت دادن یعنی در میان گذاشتن آنچه که در باره مسیح میدانیم. یعنی بگذاریم تا دیگران بدانند که عیسی چه مفهومی برای ما دارد و چه کاری برای ما انجام داده است. اگر شهادت ما صرفاً به تلاش برای اثبات درستی ایمانمان و غلط بودن باور دیگران منتهی شود، با مخالفت شدید روبرو خواهیم شد. اگر شهادت ما در باره عیسی از دل بر آمده باشد که به فیض او دگرگون گشته، و مفتون محبت او گردیده، و از حقیقت وی متحیر شده، دیگران هم از حقیقتی که زندگی ما را تحت تاثیر قرار داده، تحت تاثیر قرار خواهند گرفت. آنگاه حقیقت بیان شده در قالب یک زندگی متحول شده، باعث تغییر در دیگران میشود.

وقتی مسیح در کانون هر اصول اعتقادی باشد، و هر آموزه کتاب مقدسی منعکس کننده شخصیت او باشد، آن کسانی که ما کتاب‌های مقدس را با آنان به اشتراک می‌گذاریم، بیشتر احتمال دارد که کلام او را بپذیرند.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۲ شهریور - ۲۱ سپتامبر آماده شوید.

عیسی: اساس شهادت ما

همه ما به عنوان باورمندان مسیحی، حکایتی برای گفتن داریم، حکایتی درباره اینکه چگونه مسیح زندگی ما را عوض کرده و چه کاری برای ما انجام داده است.

افسیان باب ۲: ۱ تا ۱۰ را بخوانید. ما قبل از اینکه مسیح را بشناسیم، چگونه بودیم؟ از زمانی که مسیح را پذیرفته ایم، چگونه هستیم؟ الف: قبل از شناخت مسیح (افسیان ۲: ۱ تا ۳).

ب: بعد از شناخت مسیح (افسیان ۲: ۴ تا ۱۰).

چه تغییر شگفت انگیزی! ما قبل از اینکه مسیح را بشناسیم، «به علت خطاها و گناهان خود مُرده بودیم. و در مسیر این جهان قدم می‌گذاریم و از حکمران قدرتهای هوا [شیطان]، یعنی همان روحی که اکنون در اشخاص نافرمان و سرکش عمل می‌کند، پیروی می‌کردیم. در آن زمان، ما دستخوش شهوات جسمانی و اسیر تمایلات و افکار نفسانی خود بودیم. درست مانند سایر آدمیان، ما نیز طبیعتاً سزاوار خشم و غضب خدا بودیم». به بیان ساده، ما قبل از اینکه مسیح را بشناسیم در زندگی بی هدف، گمشده و سرگردان بودیم.

ممکن است ما فکر کنیم آنچه را که ظاهراً خوشبختی بوده است، در زندگی تجربه کرده ایم، اما در زندگی ما یک هدف تحقق نیافته و یک احساس روحی ترس و بیم وجود داشته است. با آمدن نزد مسیح و تجربه محبت او همه چیز در زندگی ما تغییر می‌کند. حال در مسیح ما واقعاً «زنده» هستیم. «اگرچه به علت خطاهای خود مرده بودیم، ما دوباره با مسیح زنده شدیم (از راه فیض خداست که شما نجات یافته‌اید). و به‌خاطر اتحادی که با مسیح داریم، ما را سرفراز فرمود و در قلمرو آسمانی با مسیح نشانید. تا ثروت عظیم و بی‌قیاس فیض خود را، با مهربانی نسبت به ما، در عیسی مسیح در زمانهای آینده نمایان سازد. زیرا به‌سبب فیض خداست که شما از راه ایمان نجات یافته‌اید و این کار شما نیست بلکه بخشش خداست.» «زندگی جاوید در اوست و این زندگی به تمام مردم نور می‌بخشد» (یوحنا ۱: ۴) و

افسیان باب ۲: ۱۰ را بخوانید. این متن در مورد اینکه کردار نیک در کانون ایمان مسیحی را قرار دارد، چه می‌گوید؟ چگونه میتوانیم این اعتقاد «بدون اجرای شریعت» را در بطن نجات بوسیله ایمان درک کنیم؟

چگونه زندگی شما بوسیله مسیح تغییر کرده، تغییری که احتمالاً به شخص دیگری هم کمک می‌کند تا نزد مسیح آید؟

قدرت متحول کننده شهادت شخصی

یعقوب و یوحنا، پسران زبدی، که به «پسران رعد» (مرقس ۳: ۱۷) معروف بودند. در حقیقت، این لقب را عیسی به آنان داده بود. لقب یوحنا به رفتار تند و آتشین مزاج او در حین سفر عیسی و حواریون به اورشلیم و عبور از شهر سامره مربوط میشود. هنگامیکه آنان سعی می کردند محلی را برای اقامت شبانه پیدا کنند، به دلیل خصومت و ضدیت سامریان علیه یهودیان با مخالفان روبرو شدند. سامریان حتی از دادن محقرترین اقامتگاه‌های خود به آنان امتناع کردند.

یعقوب و یوحنا فکر کردند که راه حلی برای این مسئله دارند. «وقتی یعقوب و یوحنا، شاگردان او، این جریان را دیدند، گفتند: «خداوندا، آیا میخواهی بگویم از آسمان آتشی ببارد و همه آنان را بسوزاند؟» (لوقا ۹: ۵۴). مسیح آن دو برادر را سرزنش کرد، و آنان بی سر و صدا دهکده را ترک کردند. طریق عیسی، طریق محبت و دوستی است، نه مجادله و دعوا و زور. در محضر محبت مسیح، تند خویی و خشم یوحنا، به مهربانی و روحیه ملایم و رحیمانه تبدیل میشود. در رساله اول یوحنا، واژه محبت نزدیک به چهل بار آمده است؛ و در اشکال مختلف، پنجاه بار ذکر شده است.

اول یوحنا باب ۱: ۱ تا ۴؛ اول یوحنا ۳: ۱؛ اول یوحنا ۴: ۷ تا ۱۱؛ و اول یوحنا ۵: ۱ تا ۵ را بخوانید. این آیات درباره شهادت یوحنا و تحولی که در زندگی‌اش در اثر تعامل با عیسی رخ داد، به ما چه می گویند؟

یک اصل جاودانه وجود دارد، که قانون جهان است. خانم الِن جی وایت این اصل را به خوبی بیان می کند: «بکارگیری نیروی زور و اجبار بر خلاف اصول دولت خداوند است؛ او فقط مشتاق به مهرورزی است؛ محبت نمیتواند تحکم کند؛ و زور، اجبار و تحکم نمیتواند پیروز شود. تنها با محبت میشود حس محبت را برانگیخت» (آرزوی اعصار، صفحه ۲۲).

هنگامیکه ما خود را به مسیح میسپاریم، پرتو محبت او از طریق ما بر دیگران می تابد. بزرگترین شهادت مسیحیت، زندگی متحول شده است. این بدان معنا نیست که ما هرگز اشتباه نخواهیم کرد و یا اینکه، ما در بعضی از مواقع در جایی که میبایستی کانال ارتباطی محبت و رحمت او باشیم، نبوده ایم. اما این بدان معناست که در شرایط مناسب، از طریق زندگی ما محبت مسیح به دیگران خواهد رسید، و ما باعث برکت اطرافیانمان خواهیم بود.

چقدر میتوانید به خوبی منعکس کننده محبت مسیح باشید؟ در مورد پیامدهای پاسخ خود فکر کنید.

گفتن حکایت مسیح

اولین مبلغینی که مسیح نزد مردم فرستاد، چه کسانی بودند؟ آنان از میان حواریون مسیح نبودند؟ آنان حتی جزو پیروان طولانی مدت او هم نبودند. اولین مبلغانی که مسیح نزد دیگران فرستاد مردان دیوزده ای که گرفتار ارواح ناپاک بودند، و در قبرستانی در حومه شهر زندگی میکردند و آنقدر خطرناک بودند که کسی جرأت نداشت از آن منطقه عبور کند و همه از آنان ترس و وحشت داشتند.

حتی یکی از این مردان، بوسیله قدرت شیطانی فوق طبیعی، زنجیرهایی را که به او بسته بودند، گسیخته و پابندهای آهنین را شکسته بود، و با صدائی وحشتناک فریاد میزد و با سنگ های برنده و تیز خود را زخمی میکرد. درد و رنجی که در صدای آنان بود، تنها میتوانست بیانگر عذاب عمیق تر درونی و روحی آنان باشد (مرقس ۵: ۱ تا ۵: متی ۸: ۲۸، ۲۹).

اما آنان به نزد مسیح آمدند و زندگیشان متحول شد. آنان دیگر انسان های قبلی نخواهند بود. عیسی اجازه داد تا ارواح پلید از آنان بیرون رفته و وارد خوک ها شوند و سپس گله خوک ها با سرعت از سراسیمی تپه به طرف دریا دویده و در دریا غرق شدند (مرقس ۵: ۱۳، ۱۴؛ متی ۸: ۳۲ تا ۳۴).

مرقس باب ۵: ۱ تا ۱۷ را بخوانید. چه اتفاقی برای این مردان رخ میدهد، و مردم شهر هنگامیکه آمدند تا ببینند که چه اتفاقی افتاده است، به چه چیزی پی بردند؟

آن دیوزدگان اکنون با قدرت مسیح متحول و انسان های جدیدی شده بودند. مردم دیدند که مردان دیوزده آرام در کنار مسیح نشستند و با دقت تمام به سخنان استاد خویش گوش میدهند. در اینجا باید توجه داشته باشیم که انجیل متی درباره دو دیوانه صحبت می کند، در حالیکه انجیل لوقا فقط بر روی حکایت یکی از آن دو معطوف است. اما نکته مهم در اینجاست که مسیح آنان را از نظر جسمی، عقلی، عاطفی و روحانی شفا داده و حیاتی نو به آنان بخشیده بود.

مرقس باب ۵: ۱۸ تا ۲۰ را بخوانید. مسلماً این دیوزدگان متحول شده، این افراد نو ایمان، میخواستند در کنار مسیح بمانند، اما مسیح آنان را برای انجام چه کاری نزد دیگران میفرستد؟

«برای لحظاتی این مردان، افتخار داشتند که تعالیم مسیح را گوش دهند. آنان تمام

موعظه های او را شنیدند و هیچ کدام را از دست ندادند. آنان قادر نبودند همانند حواریون مسیح مردم را هدایت کنند، زیرا که حواریون هر روزه با مسیح زندگی کرده بودند. اما این مردان شفا یافته، خود بیانگر شواهدی بودند که اثبات میکرد، عیسی همان مسیح موعود است. آنان میتوانستند آنچه را که فهمیده بودند؛ آنچه را که خود از قدرت مسیح دیده، شنیده و حس کرده بودند، را بیان کنند. این همان کاری است که هرکس که مسیح، قلب او را با فیض خود لمس کرده است، میتواند انجام دهد.» (الن جی وایت، آرزوی اعصار، صفحه ۳۴۰). شهادت آنان باعث شد تا دکاپولیس و ده شهر ساحلی دریای جلیل برای شنیدن تعالیم مسیح آماده شوند. این قدرت شهادت شخصی است.

چهارشنبه

۱۹ شهریور

شهادت با اطمینان

اول یوحنا باب ۵: ۱۱ تا ۱۳؛ عبرانیان باب ۱۰: ۱۹ تا ۲۲؛ و اول قرنتیان ۱۵: ۱، ۲ را بخوانید. چه اطمینان خاطری کتاب مقدس در مورد حیات ابدی به ما میدهد که به ما اجازه میدهد تا با یقین از نجات در مسیح، شهادت خودمان را بیان کنیم؟

اگر شخصاً به نجات در مسیح اطمینان نداشته باشیم، قادر نخواهیم بود تا آنرا با دیگران در میان بگذاریم. ما نمیتوانیم آنچه را که خود نداریم با دیگران به اشتراک بگذاریم. مسیحیان مؤمنی وجود دارند که از نجات خود اطمینان ندارند، و نمیدانند که آیا آنان به اندازه کافی انسان‌های خوبی بوده‌اند که بتوانند رستگار شوند. همانطور که یک خردمند و واعظ قدیمی می‌گوید، «وقتی من به خودم نگاه می‌کنم، هیچ امکانی برای نجات خود نمی‌بینم. اما وقتی به مسیح چشم می‌دوزم، امکان نجات نیافتن دیگر وجود ندارد.» «ای تمام مردم جهان، به سوی من باز گردید و نجات یابید! من تنها خدا هستم و خدای دیگری نیست» (اشعیا ۴۵: ۲۲).

پروردگاران از هر یک از ما میخواهد تا به خاطر رستگاری که او به رایگان به ما عطا کرده است، شادمان باشیم. او مشتاق است تا ما آنچه را که به معنای تایید فیض او و رهایی از محکومیت مجازات گناه است، تجربه کنیم. همانطور که پولس در رومیان می‌گوید «پس چون از راه ایمان پارسا شمرده شده ایم، به واسطه خداوندان عیسی مسیح از صلح با خدا برخورداریم، (رومیان ۵: ۱). او اضافه می‌کند که ما می‌توانیم اطمینان داشته باشیم «پس اکنون برای آنان که در مسیح هستند، دیگر هیچ محکومیتی نیست» (رومیان ۸: ۱). یوحنا رسول تایید می‌کند «آن که پسر را دارد، حیات دارد و آن که پسر خدا را ندارد از حیات برخوردار نیست» (اول یوحنا ۵: ۱۲).

اگر با ایمان مسیح را پذیرفته باشیم، او از طریق روح القدس در قلبهای ما ساکن است، و هدیه حیات ابدی امروز از آن ماست. این بدان معنا نیست که، وقتی یکبار فیض رستگاری

خداوند به ما عطا شد، دیگر هرگز هلاک و گمراه نخواهیم شد (دوم پطرس ۲: ۱۸ تا ۲۲؛ عبرانیان ۳: ۶؛ مکاشفه ۳: ۵). ما همیشه با آزادی اختیاری که داریم میتوانیم انتخاب کنیم که از او دور شویم، اما هنگامیکه محبت او را تجربه کردیم و عمق مفهوم قربانی شدن او برای خود را درک کردیم، دیگر هرگز نمیتوانیم انتخاب کنیم تا از کسی که ما را محبت کرده و ما را دوست دارد، دور شویم. و هر روزه به دنبال فرصتهایی خواهیم بود تا فیضی را که مسیح به ما عطا کرده، با دیگران به اشتراک بگذاریم.

آیا شما از نجات در مسیح اطمینان دارید؟ اگر چنین است، این اطمینان بر اساس چیست؟ چرا شما این یقین را دارید؟ این اطمینان شما از کجا نشأت می‌گیرد؟ از طرف دیگر، اگر مطمئن نیستید، به چه علت است؟ چگونه میتوانید این اطمینان را حاصل کنید؟

۲۰ شهریور

پنجشنبه

چیزی که ارزش شهادت را دارد

«وقتی مسیح بر روی صلیب مصلوب شد، در حقیقت من نیز با او مصلوب شدم. پس دیگر من نیستم که زندگی میکنم، بلکه مسیح است که در من زندگی میکند! و این زندگی واقعی که اینک در این بدن دارم نتیجه ایمان من به فرزند خداست که مرا محبت نمود و خود را برای من فدا ساخت» (غلاطیان ۲: ۲۰).

هنگامیکه ما مسیح را می‌پذیریم، مسلماً باید چیزهایی را قربانی کنیم. چیزهایی در زندگی ما وجود دارند که او از ما میخواهد تا رها کنیم. مسیح خیلی واضح تعهدی را که برای پیروی از او لازم است، اینطور بیان میکند: «اگر کسی بخواهد مرا پیروی کند، باید خود را انکار کرده، هر روز صلیب خویش برگردد و از پی من بیاید» (لوقا ۹: ۳۲). مرگ بر روی صلیب، مرگ دردناکی است. وقتی ما زندگی خود را تسلیم او میکنیم تا وعده‌های او را دریافت کنیم، می‌دانیم آن انسان قدیم که ما بودیم، با او بر صلیب شد تا پیکر گناه درگذرد» (رومیان ۶: ۶)، و این دردناک است. برخی مواقع رها کردن و گذشتن از خواست‌ها و تمایلات مورد علاقه و عادت‌های مادام‌العمر دردناک است، اما پاداش آن چیزی که بدست می‌آوریم بسیار ارزشمندتر از آنهاست. شهادت‌های قدرتمندی که بر روی زندگی دیگران تاثیر می‌گذارد و آنها را متحول میکند، براساس آنچه است که مسیح برای ما انجام داد، نه آنچه که ما به خاطر او از آن گذشته ایم. آنها براساس فداکاری او می‌باشد، نه در اثر به اصطلاح «از خودگذشتگی‌های» ما. برای همین مسیح هرگز از ما نمی‌خواهد تا هر چیزی را که حفظ آن به منفعت ماست، رها کنیم.

با اینحال، تاریخ مسیحیت پر از حکایات افرادی است که به خاطر مسیح مجبور به فداکاریهای عظیمی شدند. اما این بدان معنا نیست که این افراد خودشان با اعمالشان به رستگاری نائل شده باشند، مهم نیست که چقدر آنها از خود گذشتگی و ایثارگری از خود نشان

دادند، شایستگی حضور در پیشگاه خداوند به آنان بخشیده شد. در عوض، در بیشتر موارد، با درک آنچه که مسیح برای آنان انجام داده است، این زنان و مردان مشتاق بودند بنا به دعوت خداوند در زندگیشان همه چیز را بر روی قربانگاه ایثار قرار دهند.

یوحنا ۱: ۱۲؛ یوحنا ۱۰: ۱۰؛ یوحنا ۱۴: ۲۷، و اول قرن‌تینان ۱: ۳۰ را بخوانید. اظهارات ما همیشه بر اساس کاری است که مسیح برای ما انجام داده است. برخی از عطایای فیض او که در آیات فوق به آنها اشاره شده را ذکر کنید.

با توجه به آیات فوق، درباره آنچه مسیح برای شما انجام داده، بیندیشید. ممکن است، شما مسیحی باشید که تمام زندگی خود را وقف مسیحیت کرده باشید، یا احتمالاً یک تحول عظیم را در زندگی خود تجربه کرده باشید. توجه داشته باشید که چقدر مسیح با شما مهربان بوده و به شما هدف، آرامش، و شادمانی عطا کرده است. به زمان‌هایی بیندیشید که او به شما قدرت داده تا از پس تجربیات تلخ و دشوار زندگی خود برآیید و از آنها گذر کنید.

شما به خاطر مسیح فراخوانده شده‌اید تا چه نوع فداکاری از خود نشان دهید؟ چه چیزی را از تجربیات خود آموخته‌اید که می‌تواند باعث برکت دیگران باشد؟

۲۱ شهریور

جمعه

تفکری فراتر: مرقس باب ۵: ۲۵ تا ۳۴ را بخوانید.

«جمعیت شگفت زده دور مسیح حلقه زده بودند و از همه طرف بر او فشار می‌آوردند، و متوجه صادر شدن هیچ نیرو یا قوت حیات بخش نشدند. اما هنگامیکه زن رنج کشیده با دست خود ردای او را لمس کرد، با ایمان به اینکه اگر ردای او را لمس کند شفا خواهد یافت، زن به فضیلت شفا نائل گردید. پس او به چیزهای روحانی ایمان آورده بود. صحبت از مذهب بدون ایمان و همینگونه، دعا بدون گرسنگی روح و ایمان زنده، هیچ ثمره‌ای ندارد. ایمان صوری به مسیح، و اینکه او را فقط به عنوان ناجی جهان بپذیریم، هرگز نمی‌تواند شفای روح را به ارمغان بیاورد. ایمان به نجات، تنها پذیرش روشنفکرانه و عقلانی حقیقت نیست ... ایمان داشتن درباره مسیح کافی نیست؛ ما باید به مسیح ایمان داشته باشیم. ایمان زمانی باعث برکت میشود و سودمند خواهد بود که به واسطه آن عیسی را به عنوان منجی خود در آغوش بگیریم و به او ایمان داشته باشیم؛ آنگاه شایستگی‌ها و فضائل او را نصیب خود گردانیم ...

«اعتراف ما به وفاوداری و صداقت مسیح، عاملی است که ملکوت برای آشکار کردن

او به جهان برگزیده است. ما باید فیض او را به جهان اعلام کنیم، همانطور که بوسیله مقدسین عهد عتیق به جهان اعلان شد؛ اما موثرترین این اعترافات زمانی است که تجربیات شخصی خود را درباره فیض خداوند به دیگران شهادت می دهیم. هنگامیکه کار عظیم خداوند را در زندگی خود با رفتارمان آشکار می سازیم، شاهدان خداوند خواهیم بود. هر فردی زندگی متمایزی نسبت به دیگران دارد، و تجربیاتی که اساساً با دیگران متفاوت است. خدا مشتاق است که حمد و پرستش ما با خصوصیات و علایق فردی ما به پیشگاه او تقدیم گردد. این اعترافات گرانبها که ما درباره فیض پرجلال خداوند اعلام می کنیم، هنگامیکه توأم با یک زندگی مسیح گونه باشد، قدرت عظیمی است که برای رستگاری بشریت بکار گرفته شود.» اِلن جی وایت، آرزوی اعصار، صفحه ۳۴۷.

سؤالاتی برای بحث

۱. عوامل یک شهادت قانع کننده چه هستند؟ دفاعیات پولس را در نزد اغریباس، از کتاب اعمال رسولان باب ۲۶: ۱ تا ۲۳ بخوانید. چه چیزی بنیان شهادت او بود؟
۲. چرا فکر می کنید شهادت شخصی ما در مورد کاری که مسیح برای ما انجام داده، بسیار قدرتمند است؟ با اینحال، چگونه به این سوال پاسخ می دهید: خوب، فکر کنید این همان اتفاقی است که برای شما رخ داده است، اما اگر من آن نوع تجربه را نداشته باشم، چه میشود؟ چرا تجربه شما باید قادر باشد به من بگوید که چرا من باید مسیح را پیروی کنم؟
۳. برخی از مواردی که باید در هنگام شهادت دادن به یک بی ایمان از گفتن آنها پرهیز کنید، چه هستند؟
۳. برخی از مواردی که باید در هنگام شهادت دادن به یک بی ایمان از گفتن آنها پرهیز کنید، چه هستند؟
۴. بر روی این سؤال در مورد اطمینان از رستگاری تمرکز کنید. چرا این بخش مهمی از تجربه مسیحی است؟ چگونه میتوانیم از نجات خود اطمینان کسب کرده باشیم در حالیکه هم زمان پیشگویی نکرده باشیم؟



زنی مرده که حرف می زند

توسط اندرو مک چسنی

توماس کارائودا فردی ۲۸ ساله و دکتر عمومی ادونتیست روز هفتمی در لهستان که از او درخواست شد تا برگه فوت زنی را امضا کند که هنوز زنده بود.

یک پرستار با ویلچر زن را به بخش ریه می برد جائیکه توماس در آنجا مشغول دوره کارآموزی خود بود. همه چیز حاکی از این بود که آن زن مرده بود. او سرطان ریه داشت که به خاطر سالها سیگار کشیدن به وجود آمده بود. تصلب عضلات رخ داده بود، و خون در ناحیه قدامی کمر او دیده می شد که حاکی از مرگ بود. معمولاً رنگ پوست او صورتی بود بخاطر اینکه خون مملو از اکسیژن در مویرگهایش جاری بود و حال رنگ پریده شده بود بعلت اینکه خون به رگهای بزرگتری تخلیه شده بود. وضعیت او برگشت ناپذیر بود. توماس با تاکید بر آن لحظه گفت: «من هرگز چنین چیزی در عمرم ندیده بودم. او مرده بود، در حالیکه بر روی صندلی چرخ دار نشسته و حرف می زد».

زن در بخش مراقبتهای ویژه شلوغی بستری شده بود؛ اما پزشکش وقتی دید دیگر کاری بیش از این از دستش بر نمی آید او را بیرون از بخش مراقبتهای ویژه فرستاد تا تخت برای بیمار دیگر خالی شود. پرستار نیز از پزشک پرسیده بود که آیا امکانش است تا بیمار در بخش ریه بماند.

بخش ریه نیز تخت خالی نداشت پس پزشکش او را بر روی تخت تا شویی در راهرو خوابانید. او بر روی یک صندلی در کنار او نشست و با او دو ساعت حرف زد.

زن می دانست که در حال مرگ است. او از تصمیماتی که در زندگی اش داشت ابراز پشیمانی می کرد.

من کل زندگی ام با سیگار کشیدن سپری شد. ای کاش می شد یکبار دیگر به عقب برمی گشتم و به آن خاتمه می دادم. توماس نمی دانست که چه بگوید. احساس می کرد که در وسط داستان دو دزدی که بر روی صلیب در

انجیل بودند گرفتار است. او داستان زن را گرفت.

سرانجام زن آخرین نفسهایش را کشید. توماس برگه فوتش را امضاء کرد. توماس که در مدرسه پزشکی عمومی درس خوانده بود گفت: پزشکی عمومی مسیحی بودن، مسئولیتی سنگین است. هیچ کس در دانشکده در مورد چنین شرایطی به ما آموزش نداده بود. او دریافته است که با گرفتن داستان فردی و امید دادن و گفتن «همه چیز روبه راه خواهد شد» تاثیر گذار خواهد بود، حتی اگر شخص در حال مرگ، یقین بداند که آنچه که انتظارش را می کشد مرگ است.

او گفت: بعضی اوقات بهترین چیز، ساکت ماندن است. بعضی وقتها هم می توانید دست کسی را گرفته و به آرامی دعا کنید. دنیا در گناه دارد می میرد. در بسیاری موارد، شرایط به نظر برگشت ناپذیر به نظر می رسد. آیا دست کسی را خواهید گرفت؟ دعا خواهید کرد؟ آیا امیدبخش خواهید بود؟

پیامی که ارزش مشارکت را دارد



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: دوم پطرس ۱: ۱۲، ۱۶ تا ۲۱؛ مکاشفه ۱۹: ۱۱ تا ۱۸؛ مکاشفه ۱۴: ۱۴ تا ۲۰؛ جامعه ۱۲: ۱۳، ۱۴؛ مکاشفه ۱۴: ۶ تا ۱۲.

آیه حفظی: «آنگاه فرشته‌ای دیگر دیدم که در دل آسمان پرواز می‌کرد و انجیل جاودان با خود داشت تا ساکنان زمین را بشارت دهد، از هر قوم و طایفه و زبان و ملت که باشند. هم او به آواز بلند گفت: «از خدا بترسید و او را جلال دهید، زیرا که ساعت داوری او فرا رسیده است. او را بپرسید که آسمانها و زمین و دریا و چشمه‌ساران را او آفرید» (مکاشفه ۱۴: ۶، ۷).

مرگ فدیه‌گونه مسیح برای کل جهان بود؛ یعنی برای همه انسان‌هایی که تا به حال زندگی کرده‌اند، صرف نظر از زمان و مکان. بنابراین، سخن انجیل با همه انسانها از هر نوع زبان، فرهنگ، و پیشینه است. انجیل پلی میان شکافهای قومی است. این مژده فوق العاده خوب است که عیسی، با زندگی، مرگ، و قیام خود بر اصول و قدرتهای جهنمی پیروز شده است. تمامی پیام انجیل درباره مسیح است. او برای گناهان ما مُرد و اکنون به خاطر ما زندگی می‌کند. او یکبار به جهان آمد تا برای همیشه ما را از مجازات گناه و قدرت مرگ‌رهایی بخشد و دوباره خواهد آمد تا ما را از اسارتگناه نجات دهد. او مرگی را که سزاوار ما بود بر خود گرفت و مُرد تا ما در حیاتی که شایسته اوست، زندگی کنیم. در مسیح، ما عادل و مقدس شمرده شده ایم و روزی در جلال وی نیز شریک خواهیم بود. کتاب مقدس بر روی دو عملکرد عیسی متمرکز است. او یکبار آمد تا ما را نجات دهد و دوباره باز خواهد گشت تا آنچه را با پرداخت بهایی گزاف خریداری کرده با خود به خانه ابدی پدر خویش ببرد. مکاشفه، آخرین کتاب در کتاب مقدس، به ویژه برای آماده سازی جهان برای بازگشت دوباره عیسی مسیح نوشته شده است. این یک پیام حیاتی

برای این نسل است. در درس این هفته، ما رابط مکاشفه با جامعه معاصر قرن بیست و یکم را مورد مطالعه قرار خواهیم داد. ما با هم، درخواست عیسی از کلیسای روزهای آخر را برای به اشتراک گذاشتن پیام روزهای آخر مورد بررسی قرار خواهیم داد. درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۹۲ شهریور - ۹۱ سپتامبر آماده شوید.

یکشنبه

۲۳ شهریور

پیام حقیقتِ زمانِ حاضرِ پطرس

در سراسر تاریخ رستگاری، خداوند همواره پیام ویژه ای را از طریق کلام نبوی فرستاد تا مردم را برای آنچه قرار بود اتفاق بیفتد، آماده سازد. خداوند هرگز دست از اجرای اراده خویش باز نخواهد ایستاد (اشعیا ۴۶: ۹، ۱۰). خدا قوم خود را برای آینده با ارسال انبیا آماده می کند، انبیا پیام های او را پیش از فرا رسیدن ویرانی های داوری بر ملا می کنند (عاموس ۳: ۷). قبل از وقوع طوفان نوح، خداوند پیام خود را از طریق نوح به جهانیان فرستاد و هشدار داد که سیل در حال آمدن است. در مصر، خدا یوسف را منصوب نمود تا با هفت سال وفور نعمت برای هفت سال قحطی پس از آن آماده شود. انبیای یهود به رهبران اسرائیل هشدار دادند که اورشلیم بدست لشکریان بابل ویران خواهد شد. و پیام توبه و ندامت یحیی تعمید دهنده، ملتی را برای نخستین آمدن مسیح آماده کرد.

دوم پطرس باب ۱: ۱۲ را بخوانید. پطرس از چه عباراتی برای توصیف پیام خدا به نسل خود استفاده میکند؟

دوم پطرس باب ۱: ۱۶ تا ۲۱ را بخوانید. پیغام «حقیقت حاضر» که پطرس و شاگردانش اعلام کردند چه بود؟

پیام مهم و برجسته جاودانه برای قرن اول، این بود که مسیح آمده است. محبت پدر به جهانیان با قربانی شدن مسیح بر روی صلیب آشکار شد. اگرچه «مزد گناه مرگ است» و «همه گناه کرده اند و از جلال خدا محرومند. اما با رحمت و فیض خدا، همه به وساطت عیسی مسیح آزاد و به رایگان نیک محسوب میشوند و حیات ابدی برای همگان تضمین میشود. تا در این زمان، عدالت خدا کاملاً به ثبوت برسد، یعنی ثابت شود که خدا عادل است و کسی را که به عیسی ایمان می آورد، نیک می شمارد» (رومیان ۳: ۳۲؛ رومیان ۶: ۳۲؛ افسسیان ۲: ۸). پیام نجات و رستگاری در مسیح محدود به زمان نمی شود. این حقیقت موجود برای همه نسل ها می باشد.

آخرین کتاب، مکاشفه، عیسی و نجات ابدی او را در چارچوب زمان آخر را بیان میکند

تا مردم را برای بازگشت عنقریب او آماده میکند. مکاشفه، بطالت سنت بشری و دینداری خود محوری را بر ملا می کند. مکاشفه از ابتدا تا انتها، عیسی و کار او به نیابت از بشریت را آشکار میسازد.

عیسی گواه واقعی شخصیت پدرش است. او «فرمانده پادشاهان زمین» است. او کسی است که «ما را دوست دارد و با خون خود ما را از گناهانمان آزاد گردانید. ما را به سلطنت رسانید تا به عنوان کاهنان، خدا یعنی پدر او را خدمت کنیم» (مکاشفه ۱: ۱ تا ۶). تمام مکاشفه در مورد مسیح و پیام او برای آماده کردن قوم او برای بازگشت اوست که بزودی واقع می شود.

هنگامیکه در مورد کتاب مکاشفه تامل میکنید، چه چیزی به ذهن شما خطور میکند؟ آیا افکار شما بیشتر متوجه نمادهای نبوی و جانوران است، یا درباره عیسی است؟ فکر میکنید که چرا عیسی نبوت هایی را در مکاشفه به ما داده است؟ چگونه آنها نقشه های محبانه او برای بشریت را آشکار میکنند؟

۲۴ شهریور

دوشنبه

توجه زمان آخر مکاشفه

انجیل ها در درجه نخست بر آمدن اول مسیح تمرکز دارند. آنها داستان تولد، زندگی و خدمت، مرگ و رستاخیز او را بیان می کنند. اگرچه آنها از آمدن دوباره او صحبت می کنند، اما تاکید اصلی آنان بر آن نیست. با اینحال، تمرکز اصلی مکاشفه، اوج مجادله طولانی نسلها در طی قرنهاست. هر یک از این نبوت های مهم و اصلی آن با بازگشت با شکوه خداوند ما خاتمه می یابد.

مکاشفه باب ۱: ۷، مکاشفه ۱۱: ۱۵، مکاشفه ۱۴: ۱۴ تا ۲۰، و مکاشفه ۱۹: ۱۱ تا ۱۸ را بخوانید. نتایج مشابهی که در هریک از این آیات می بینید، چیستند؟

از اول تا آخرین فصل کتاب مکاشفه، اوج و نقطه عطف هر نبوت، آمدن مسیح است. «برّه قربانی» (مکاشفه ۵: ۱۲). و او دوباره به عنوان «پادشاه پادشاهان و خداوند خداوندان» خواهد آمد (مکاشفه ۱۹: ۱۶). و تمام دشمنانی که ظلم کردند و مردم را آزار و جفا دادند، از او شکست خواهند خورد (مکاشفه ۱۷: ۱۴). او آنان را از کابوس گناهان رهایی خواهد بخشید و آنان با شکوه و جلال با خدا در خانه او ساکن خواهند شد. مجادله بزرگ میان خیر و شر پایان خواهد یافت. زمینی نو ساخته خواهد شد، و نجات

یافتگان برای ابد با پروردگار خود زندگی خواهند کرد (مکاشفه ۲۱: ۱ تا ۴).
در مکاشفه ۲۲: ۷ (همچنین نگاه کنید به آیات ۱۲، ۱۷ و ۲۰)، مسیح می گوید: «اینک به زودی می آیم! خوشا به حال کسی که کلام نبوت این کتاب را نگاه می دارد». بنابراین، درخواست نهایی مسیح از تمام بشریت اینست تا به محبت او پاسخ دهند، فیض او بپذیرند، و برای آمادگی در بازگشت عنقریب او از حقیقت پیروی کنند. مکاشفه با دعوت مسیح بپایان می رسد، روح و عروس می گویند: «بیا!» هر شنونده ای باید بگوید: «بیا!» ای تشنگان بیابید، آب حیات را بپذیرید این بخششی است رایگان برای هرکس که طالب آن است» (مکاشفه ۲۲: ۱۷).

خداوند ما از همه کسانی که در پی حیات ابدی هستند، دعوت میکند تا نزد او آیند. او سپس از کسانی که پیام نجات او را پذیرفته اند، می خواهد تا مشتاقانه در زمان انتظار بازگشت او و پیوستن به او، از دیگران دعوت کنند تا پیام محبت او را بپذیرند. او ما را برای انجام رسالتش و اشتراک گذاری پیامش، به نزد دیگران میفرستد تا جهان برای بازگشت عنقریب او آماده شود. هیچکاری بیش از مشارکت با مسیح در ماموریت او برای جهان سزاوار پاداش نیست. در تحقق نقشه نجات مسیح در روزهای آخر هیچ چیزی موثرتر از همکاری با مسیح نیست.

مسیح بزودی خواهد آمد؟ یوحنا این سخنان را در حدود ۲۰۰۰ سال پیش از این می نویسد. بهر حال، با توجه به درک ما از وضعیت پس از مرگ، چرا بازگشت دوباره مسیح برای هر یک از ما در تجربه شخصی خودمان، هرگز بیش از یک لحظه پس از مرگ ما طول نمی کشید؟ چگونه این حقیقت به ما کمک می کند تا درک کنیم که چقدر آمدن مسیح عنقریب خواهد بود؟

۲۵ شهریور

سه شنبه

پیام زمانِ آخرِ مکاشفه

قلب تپنده مکاشفه، باب ۱۴ می باشد. این فصل برای قوم خدا که در روزهای آخر تاریخ بشریت زندگی میکنند از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. این باب پیام خداوند برای روزهای آخر به بشر را آشکار میکند. پیام روزهای آخر سه فرشته برای قوم خداوند و برای تمام بشریت بسیار مهم و حیاتی می باشد.

مکاشفه باب ۱۴: ۱۴ تا ۲۰ را بخوانید. در اینجا برای به تصویر کشیدن بازگشت پروردگار از چه نمادی استفاده شده است؟

در کتاب مقدس از نماد محصول [خرمن] برای توصیف بازگشت مسیح استفاده شده است (متی ۱۳: ۳۷ تا ۴۳، مرقس ۴: ۲۹). در مکاشفه باب ۱۴، برداشت محصول رسیده نشان

دهنده رستگاری صالحان است، و برداشت انگورهای تُرشیده، نابودی و هلاکت شیران را به تصویر می کشد. مکاشفه ۱۴: ۶ تا ۱۲ حاوی پیام نیاز مبرم برای آماده سازی زنان و مردان برای برداشت نهایی محصول زمین است.

مکاشفه باب ۱۴: ۶، ۷ را بخوانید. ماهیت پیام موجود در این دو آیه چیست؟ چگونه آنها به ما کمک می کنند تا به عنوان اعضای کلیسای روز هفتم درک کنیم که چه کسانی هستیم؟

پیام اولین فرشته در مکاشفه باب ۱۴، خطاب به خواست نسل قرن بیست و یکم برای هدف در زندگی آنهاست. این پیام معرف انجیل فیض و رحمت خداوند است، که عفو و بخشش را برای همه فراهم می کند. این پیام ما را از مجازات گناه مبرا میسازد و به ما قدرت می دهد تا بر آن غلبه کنیم.

این پیام، عزت نفس و خود ارزشمندی را در این واقعیت بنیان می نهد که مسیح ما را خلق نمود و رهایی بخشید. به عبارت دیگر [یعنی ما آنقدر ارزش آن را داشته ایم که خلق شویم و بعد از آن حتی از مرگ ابدی نیز رهایی یابیم]. حاکی از آن است که روزی تمام بی عدالتی ها با اجرای داوری نهایی خداوند به پایان می رسد. این مژده نیکو فوق العاده است، زیرا نشان می دهد بی عدالتی برای همیشه دوام نخواهد داشت.

«به یک مفهوم خاص، ادونتیستهای کلیسای روز هفتم انتخاب شده اند تا در دنیا نگهبانان و حاملان نور باشند. وظیفه آگاهی دادن به جهان در حال نابودی به آنها واگذار شده است. نور شگفت انگیز کلام خدا از آنان میدرخشد. وظیفه بسیار مهم اعلام پیامهای سه فرشته به آنان سپرده شده است. هیچ کار دیگری با اهمیت تر از این وجود ندارد. آنها نباید اجازه دهند هیچ چیز دیگری توجه آنان را به خود جلب کند» (الن جی وایت، بشارت، صفحات ۱۱۹، ۱۲۰). به عنوان کلیسا، اما حتی بسیار مهمتر، به عنوان فردی مستقل، چگونه میتوانیم این سخنان را جدی بگیریم و اهمیت این موضوع را درک کنیم؟

۲۶ شهریور

چهارشنبه

درک کامل تری از پیام خداوند

پیام روزهای آخر مکاشفه، نشان می دهد که مسیح، فیض نجاتبخش خود را برای کل بشریت می خواهد (مکاشفه ۱۴: ۶). این پیامی جدی و مهم است که از ما می خواهد تا در هر کاری که انجام می دهیم «ترس» از خداوند یا احترام و تمجید او را در نظر داشته باشیم، یعنی احترام به دستورات و اطاعت از فرامین او در پرتو نور داوری خداوند (مکاشفه ۱۴:

۷) «ترس از خدا» به نحوه طرز تفکر ما مربوط میشود. پیام از ما میخواهد به نحوی زندگی کنیم که باعث خرسندی خداوند باشد، و او را در جایگاه نخست افکار و مقاصد خود قرار دهیم. این یک نگرش از اطاعت است که ما را به سمت داشتن یک زندگی الهی سوق میدهد (امثال ۳: ۷، اعمال ۹: ۳۱، اول پطرس ۲: ۱۷). این پیام همچنین از ما دعوت میکند تا خداوند را «جلال دهیم». تکریم و تمجید خداوند به نحوه عملکرد ما در تمام جنبه های زندگیمان مربوط میشود.

جامعه باب ۱۲: ۱۳، ۱۴ و اول قرنتیان باب ۶: ۱۹، ۲۰ را بخوانید. چگونه این آیات به ما کمک میکنند تا مفهوم آنچه که هم ترس از خدا و هم تمجید و احترام به خداست را درک کنیم؟

در عصر بی مسئولیتی اخلاقی، که میلیونها انسان احساس میکنند که در قبال هیچکس بجز خودشان مسئول نیستند، این پیام زمان داوری به ما یادآوری میکند که ما مسئول اعمال خویش هستیم. بین رفتار احترام آمیز نسبت به خداوند، تبعیت از خداوند، و داوری ارتباطی وجود دارد. اطاعت، ثمرهٔ یک رابطه رستگار کننده با عیسی می باشد. عدالت او به تنهایی به اندازی ای نیکوست که کفایت می کند تا رای داوری را صادر نماید، و در پرتو عدالت اوست که ما ایمن و مصون هستیم. ما از طریق عدالت او زندگی میکنیم تا نام او را در هر کاری که انجام میدهیم جلال دهیم.

مکاشفه باب ۱۴: ۷، مکاشفه ۴: ۱۱، پیدایش ۲: ۱ تا ۳، و خروج ۲۰: ۸ تا ۱۱ را بخوانید. اساس عبادت راستین خداوند چیست، و چگونه سبت این مفهوم را بازتاب می دهد؟

شیطان به سبت حمله کرده است زیرا میداند که سبت قلب تپنده پرستش است. روز سبت، مسیح را به عنوان خالق تکریم میکند و به همه مردان و زنان در هر جای جهان می گوید، «او را پرستید که آسمانها و زمین و دریا و چشمه ساران را آفرید» (مکاشفه ۱۴: ۷). روز سبت ما را فرا میخواند تا به پرستش مسیح به عنوان کسی که ما را آفریده بازگردیم، کسیکه به ما حسی از عزت نفس واقعی می بخشد.

در مورد اینکه چقدر روز سبت به عنوان یادآور خداوند به عنوان خالق ما مهم است، بیندیشید، بنابراین، تنها اوست که شایسته پرستش است. سرانجام، چه فرمان دیگری از خداوند مهمتر از این فرمان اوست، که هفتمین روز زندگی خود در هر هفته را به منظور یادآوری او به عنوان خالق خود اختصاص دهیم؟

آخرین درخواست خداوند

مکاشفه ۱۴: ۸، مکاشفه ۱۷: ۳ تا ۶، و مکاشفه ۱۸: ۱ تا ۴ را بخوانید. در خصوص بابل روحانی از این آیات چه می آموزیم؟

در کتاب مکاشفه، اصطلاح «بابل» نمادیک سیستم دروغین مذهبی است که اساس آن وظایف انسانی، سنت های ساخت بشر، و تعالیم اشتباه است. این سیستم، نوع بشر را تمجید و تکریم میکند و خودپرستی و خویش عادل پنداری را گرمی داشته و خود را بالاتر از مسیح و زندگی عاری از گناه او میداند. این سیستم مذهبی دستورات معلمان مذهب انسانی را بالاتر از فرامین و احکام خداوند قرار میدهد. بابل، مرکز بت پرستی، خورشید پرستی، و تعالیم دروغین از جاودانگی روح بود. این سیستم مذهبی دروغین، بسیاری از اعمال عبادی بابل را خیلی ماهرانه و ظریف در مراسم پرستشی خود ادغام کرده است. پیام ایام آخر خداوند برای سیاره در حال نابودی ما، همان پیام مسیح و عدالت اوست. این طنین صدای درخواست آسمانی است «بابل سقوط کرده است! بابل بزرگ سقوط کرده است! ... ای قوم من از این شهر بیرون آیید» (مکاشفه ۱۸: ۲، ۴). خداوند، کلیسای ادونتیسست روز هفتم را بنا کرده است تا پیام مسیح را با تمام وجود تمجید کند. برای تمجید مسیح باید هر آنچه را که او تعلیم داده جلال دهیم. وظیفه کلیسای ادونتیسست باید بشارت او باشد که «راه»، حقیقت، و حیات است (یوحنا ۱۴: ۶). کلیسای ادونتیسست باید خطایای بابل را که بر خلاف حقایق مسیح است، افشا کند.

مکاشفه باب ۱۴: ۷، ۹ تا ۱۱ را بخوانید. چه نشانه ها و آیات متضاد پرستشی در این آیات برجسته شده است؟

مکاشفه باب ۱۴ دو عمل عبادی متفاوت را توصیف می کند، پرستش خالق، و پرستش جانور[شریر]. این دو عمل عبادی پیرامون روز عبادت خداوند، سبت حقیقی، و روز جایگزین سبت و یا سبت دروغین است. روز سبت نشانگر آرامش، اطمینان، و امنیت است که ما در مسیح، خالق، ناجی، و پادشاه آینده خود داریم. روز جایگزین سبت هم نشانگر انسان و یک روز جعلی دروغین استوار بر استدلال انسان و احکام ساخته دست بشر است.

مکاشفه ۱۴: ۱۲ را بخوانید. این آیه به ما چه می گوید، به ویژه در قالب آنچه که پیش از آن آمده بود؟ چگونه شریعت و فیض، هر دو در این آیه بیان میشوند و این مطلب در باب شریعت و فیض که هر دو از جنبه های جدانشدنی انجیل هستند، چه می گوید؟

تفکری فراتر: «خدا کلیسای خود را امروز فراخوانده است، تا مانند چراغی بر روی زمین بتابد، همانطور که او اسرائیل باستان را فراخواند. توسط کنار زنده‌توانی پرده حقیقت، پیامهای فرشته اول، دوم و سوم، آنان را از کلیساها و دنیا جدا کرده است تا آنان را به جایگاه مقدس خود نزدیک کند. او آنان را امانتدار شریعت خود کرده و در این زمان، حقایق بزرگ نبوی را به آنان سپرده است. همانند الهام های مقدسی که به اسرائیل کهن سپرده شد، اینها اعتقاد و امانتی مقدس هستند که باید به جهانیان اعلام شود.

«سه فرشته باب ۱۴ مکاشفه، نماد مردمی هستند که نور و روشنایی پیامهای خدا را می پذیرند و به عنوان ماموران و عاملان او در چهارگوشه زمین پیام هشدار او را اعلام میکنند. مسیح به پیروانش اعلام می کند: «شما نور جهان هستید» (متی ۵: ۱۴). صلیب جلجتا خطاب به هر جانی که مسیح را قبول کند، می گوید: ارزش روح را ببین. به تمام نقاط دنیا بروید و این مژده را به تمام مردم اعلام کنید» (مرقس ۱۶: ۱۵). هیچ چیز نباید مانع شما شود. این تنها کار مهم زمان ما است؛ محبتی که مسیح برای رستگاری روح انسانها با نثار جانش آشکار ساخت، همه پیروانش را ترغیب خواهد کرد.

«مسیح همه را می پذیرد، و با شادمانی می پذیرد! هر عامل انسانی که خود را تسلیم و وقف او کند را می پذیرد. او انسان را به اتحاد بالوهیت میرساند، تا بتواند اسرار محبت مسیح جسم پوشیده را به جهان اعلام کند. از او سخن بگوئید، دعا کنید، سرود بخوانید، و دنیا را با پیام حقیقت او پر کنید، و کماکان آن پیام را تا مناطق دوردست اعلام کنید.» - الن جی وایت، اندرزهایی برای کلیسا، صفحات ۵۸ و ۵۹.

سؤالاتی برای بحث

۱. چگونه پیامهای سه فرشته در باب ۱۴ مکاشفه، ماهیت کلیسای ادونتیست را مشخص میکند؟

۲. درباره روز سبت و اهمیت آنچه را که معرف آن است، فکر کنید. همانطور که در این هفته دیدیم، پیام حاوی سبت بسیار مهم است برای اینکه خداوند فرمان میدهد که ما یک هفتم از زندگیمان را به او به منظور به یاد آوردن او به عنوان خالق و ناجی خود اختصاص دهیم. همچنین غیرمتشابه با یک کوه مقدس یا شهر مقدس، مجبور نیستیم تا به آنجا برای عبادت برویم. هر هفته، سبت به سرعت فرا می رسد. چگونه این حقیقت همچنین به ما کمک میکند تا اهمیت این روز و آنچه را که به آن اشاره دارد، درک کنیم؟

۳. چگونه می توانیم عقیده سقوط بابل یا مفهوم جانور را به شیوه ای جذاب توضیح دهیم؟ یعنی، چگونه میتوانیم این حقایق را به شیوه ای که توهین آمیز نباشد بیان کنیم؟ حتی باید درک کنیم که با وجود تلاش های ما برخی از افراد رنجیده خاطر خواهند شد.



ادونتیست در زندگی بعدی

توسط اندرو مک چسنی

زن پیر به دقت به درس مدرسه سبت در جنوب شرق آسیا گوش می کرد. کتاب مدرسه سبت او به دقت پر شده بود. اوتک تک آیات را کاوش می کرد. بسیاری از آیات بودند که زیرشان خط کشیده شده بود. او در سبد جمع آوری هدایا در بخش امور مدرسه سبت پول گذاشته بود. آن زن که اعضای کلیسا به او «مادربزرگ» می گفتند همچون الگوئی از ادونتیست های روز هفتم بود. رهبر کلیسای آمریکائی گریگوری ویتست، پس از مراسم نیایش از مادربزرگ دیدار کرده و پرسید که چرا او زندگی غیر مسیحی اش را پشت سر گذارده و یک ادونتیست شد.

مادربزرگ داستان غم انگیز از دست دادن والدینش در سن ۵ سالگی و آزار و اذیت توسط ارواح شریر را بازگو نمود. او به دنبال درمان گشته و از دکترها و واسطه های ارواح تقاضای کمک کرد؛ اما دارو تنها تسکینی موقتی بود.

یکروزیک شبان ادونتیست به خانه کناری اش نقل مکان نمود و اوکنجکاوانه افرادی را که هر جمعه عصر به خانه اش رفت و آمد می کردند تماشا می کرد. او کنار در خانه اش ایستاد تا ببیند چه خبر است و صدای موزیک می شنید. آرامش او را پر می کرد وقتی هر هفته به آن موزیک گوش می داد. شبان نتوانست او را متقاعد کند که به خانه اش بیاید؛ اما مشکلات روحی او را فهمید و پیشنهاد کرد تا برای او دعا کند. مادربزرگ پذیرفت و ارواح شریر او را رها کردند. در حالیکه پر از روح شکرگزاری بود عیسی را پذیرفت و به کلیسای ادونتیست پیوست.

ویتست که مدیر مرکز ادیان آسیای شرقی است و در برنامه خدمت جهانی کلیسای ادونتیست دخیل است از مادربزرگ خواست که بگوید عیسی برایش چه معنائی دارد.

یک مترجم حرف آن زن کهنسال را ترجمه کرد: عیسی برای من به معنای همه چیز است. او مرا شفا داده و به من آرامش داده است. من نمی توانم کاری انجام دهم اما می توانم در مورد عیسی به کسانی که با آنها ملاقات می

کنم بگویم. من زنی پیر هستم و عمر زیادی از من باقی نمانده است. عیسی را آنقدر دوست دارم که تصمیم گرفته ام تا در زندگی بعدی نیز ادونتیست باشم.

مترجم شگفتزده شد. او کتاب مقدس را با مادربزرگ خوانده بود و از طریق آن او زندگی کهنه اش را کاملاً رها کرده بود.

رهبران کلیسا می گویند شرایط مادربزرگ پس از آنکه ادیان جهان دیگر و تعالیم روحگرائی سنتی را پیروی می کنند در بین اشخاصی که مسیحی شوند غیر عادی نیست. این چالشی بزرگ در توسعه انجیل است و علتی برای پایه گذاری ادیان آسیای شرقی و مراکز خدمت جهانی در وب سایت globalmissioncenters.org می باشد. لطفاً برای کار مراکز خدمت جهانی و افرادی مثل مادربزرگ دعا کنید.

گام برداشتن در ایمان



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: فلیپیان ۲: ۵ تا ۱۱؛ متی ۴: ۱۸ تا ۲۰؛ اعمال ۹: ۳ تا ۶، ۱۰ تا ۲۰؛

یوحنا ۲۱: ۱۵ تا ۱۹؛ اول یوحنا ۳: ۱۶ تا ۱۸.

آیه حفظی: « طرز تفکر شما درباره زندگی باید مانند طرز تفکر عیسی مسیح باشد. اگرچه او از ازل دارای الوهیت بود، ولی راضی نشد که برابری با خدا را به هر قیمتی حفظ کند. بلکه خود را از تمام مزایای آن محروم نموده، به صورت یک غلام درآمد و شبیه انسان شد» (فلیپیان ۲: ۵ تا ۷).

ترک جلال و شکوه آسمان، پرستش فرشتگان، و همنشینی با پدر، خود یک فداکاری و از خودگذشتگی غیرقابل تصور بود. با این وجود، عیسی به این جهان رنج، فنا و نیستی آمد، تا شخصیت مهربان پدر را آشکار کند، عاطفه و مهر از دست رفته نسل بشر را به او بازگرداند و کل بشریت را نجات دهد. «هرگز بهای گرانقدر بازخرید ما، برای ما قابل درک نمیتواند باشد تا زمانی که نجات یافتگان در برابر عرش خداوند همراه با فدیة دهنده بایستند. سپس همانطور که شکوه و جلال خانه ابدی تحسین ما را برانگیخته و مبهوت خود کرده، ما به یاد خواهیم آورد که مسیح همه آن شکوه و جلال را به خاطر نجات ما ترک کرد، او نه تنها از بارگاه و جایگاه آسمانی دور شد، بلکه به خاطر ما خطر ناکامی و از دست دادن ابدیت را هم پذیرفت. سپس ما در پیشگاه او سر تعظیم فرو خواهیم آورد، و با صدای بلند خواهیم خواند، «بره خدا که جانش را در راه نجات مردم قربانی کرد، لیاقت دارد که صاحب قدرت و دولت، حکمت و قوت، حرمت و جلال و برکت باشد» (مکاشفه ۵: ۱۲). (الن جی وایت، آرزوی اعصار، صفحه ۱۳۱).

فداکاری که عیسی برای نجات ما انجام داد، غیر قابل تصور بود. وقتی ما به رهبری او پاسخ مثبت میدهیم، فرمان او را می پذیریم و با او در دستیابی به گمشدگان برای ورود به پادشاهی او متحد میشویم، این را می توان فداکاری نامید. اگرچه قربانیهای ما هرگز به هیچوجهی نمیتواند با فداکاری او مقایسه شود، اما ماموریت و وظیفه ما در

صید جان‌ها می‌تواند همچنان خیزش بزرگی در ایمان باشد. این ما را راهنمایی میکند تا از محیط امن و راحت خودمان درآمده و به سمت آبهای خروشان حرکت کنیم. در برخی مواقع پروردگاران ما را فرا می‌خواند تا قربانی‌هایی را بدهیم، اما شادهایی که او به ما می‌بخشد بیشتر از آنهاست.

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۵ مهر - ۲۶ سپتامبر آماده شوید.

یکشنبه

۳۰ شهریور

محبت فداکارانه مسیح

پولس رسول ما را تشویق می‌کند تا «بگذاریم» یا «اجازه دهیم» یا «مجاز بداریم» تا ذهنیت و افکار مسیح در ما ساکن شوند. این ما را بسوی برخی سؤالات جالب سوق میدهد. طرز تفکر مسیح شبیه چه بود؟ چه چیزی بر الگوهای فکری او حاکم بود؟ منشاء افکار او چه بود؟

فیلیپیان باب ۲: ۵ تا ۱۱ را بخوانید. چگونه این آیات محور تفکرات مسیح و الگوی حاکم بر کل زندگی او را نشان می‌دهند؟

مسیح از ازل با خداوند برابر بود. پولس این حقیقت جاودانی را اینطور بیان میکند: «اگرچه او از ازل دارای الوهیت بود، ولی راضی نشد که برابری با خدا را به هر قیمتی حفظ کند» (فیلیپیان ۲: ۶). کلمه ترجمه شده «شکل» از کلمه یونانی **Μόρφ: Mórph** گرفته شده است. یعنی تغییر از یک شکل به شکل دیگر. او دو چیز که ارزش برابر دارند را به هم پیوند میدهد. کتاب مقدس تفسیری کلیسای ادونتیست‌های روز هفتم چنین بیان می‌کند: «این مسیح را در جایگاهی مساوی با پدر، و او را بالاتر از هر قدرت دیگری قرار میدهد. پولس این مطلب را تصریح می‌کند تا ژرفای حقارت داوطلبانه مسیح را واضح تر به تصویر بکشد»

(جلد ۷، صفحه ۱۵۴). خانم **الِن جی وایت** در مورد ماهیت ابدی او چنین می‌افزاید که « مسیح زندگی است، اصیل است، ذات است، آغازین است (آرزوی اعصار، صفحه ۵۳۰). عیسی که از ازل با خدا برابر بود، «با خدا برابر بودن را غنیمت نشمرد، بلکه خود را خالی کرد». این همان عبارت شگفت‌انگیز یونانی است. این کلمه به معنای واقعی «تهی کردن» میتواند ترجمه شود. مسیح داوطلبانه خود را از امتیازات و مزایای برابر با خدا بودن «تهی کرد»، تا به شباهت انسان درآید و خود را غلام فروتن بشریت ساخت. او به عنوان یک خادم، قانون محبت ملکوتی را برای تمام جهان آشکار ساخت و سرانجام، با مرگ خود بر روی صلیب، عمل به محبت را بطور کامل نشان داد. او زندگی خود را بخشید تا همه ما را تا به ابد نجات دهد.

ماهیت افکار مسیح، محبت فداکارانه و از خودگذشتگی بود. پیروی از مسیح بدان معناست

که همانطور که او محبت کرد ما هم محبت کنیم، همانطور که او خدمت کرد ما هم خدمت کنیم، و همانطور که او عبادت کرد، ما هم عبادت کنیم. اجازه دادن به عیسی برای تهی کردن وجود ما از جاه طلبی و خودخواهی توسط روح القدس خویش، هزینه ای را برای ما در بر خواهد داشت. این برای عیسی به بهای همه چیز او تمام شد. اما کتاب مقدس درباره عیسی می‌گوید: «از این جهت خدا او را بسیار سرافراز نمود و نامی را که بالاتر از جمیع نامهاست به او عطا فرمود» (فیلیپیان ۲: ۹).

بهشت ارزش هر گونه فداکاری را دارد که ما بر روی زمین انجام دهیم. در مسیر زندگی فداکارهایی وجود خواهد داشت، اما شادی های خدمت امروز، گوی سبقت را از آنها خواهد گرفت، و لذت ابدی زندگی با مسیح در ابدیت باعث میشود که هر نوع فداکاری که در اینجا انجام میدهیم در برابر آن ناچیز باشد.

آخرین باری که شما واقعاً در وجود خود به خاطر مسیح مُرده اید] خود را انکار کرده‌اید] چه زمانی بوده است؟ پاسخ شما درباره گام برداشتن با مسیح و همراه شدن با او به شما چه می‌گوید؟

۳۱ شهریور

دوشنبه

فراخوانی برای وقف

تصور کنید که شما پطرس و یوحنا هستید. در یک صبح زیبا از تپه جلجتا خورشید تازه بعد از یک شب سرد طلوع کرده است. افکار شما متمرکز بر یک چیز است: صید مقدار زیادی ماهی. اخیراً ماهیگیری خوب بوده است، و شما منتظر روز دیگری برای صیدی عالی هستید. سپس در نور سپیده دم، عیسای ناصری، را می بینید که به شما نزدیک میشود. شما فقط میدانید که چند لحظه دیگر کل زندگی شما تغییر خواهد کرد. و شما دیگر هرگز آن انسان قبلی نخواهید بود.

متی باب ۴: ۱۸ تا ۲۰ را بخوانید. چرا فکر می کنید پطرس و یوحنا مایل بودند با چنین سرسپردگی بنیادی از مسیح پیروی کنند؟ چه چیزی در این آیات نشان میدهد که عیسی آنها را برای هدفی بزرگ‌تر از صید ماهی فراخوانده است؟

از انجیل یوحنا می فهمیم که این مردان بیش از یک سال قبل چیزی را درباره عیسی می دانستند، اما هنوز بطور کامل سرسپردگی خود را به او اعلام نکرده بودند. با وجود این، باید رفتار و حرکتی الهی صورت گرفته باشد، چیزی در ارتباط با چهره، کلام، و اعمال او که به این ماهیگیران جلیلی نشان داده باشد که وی آنان را برای یک فراخوان الهی دعوت می کند. علتی که به خاطر آن، آنها قایق ها، شغل، و خانواده و اطرافیان خود را برای پیروی از او رها کردند،

زیرا که او آنها را برای هدفی والاتر فرا میخواند. این ماهیگیران عامی فهمیده بودند که برای یک هدفی فوق العاده فراخوانده شده‌اند. ممکن نیست خدا شما را دعوت کند تا امروز حرفه خود را ترک کنید، مگر اینکه شما را برای هدفی فوق العاده تر فراخوانده باشد، و آن اینست که محبت او را با دیگران در میان بگذارید و برای جلال نام او شاهدان حقیقت باشید.

دعوت از متی، مامور باج و خراج، را در کتاب متی باب ۹:۹ در نظر بگیرید. شما در این آیه چه می بینید که کاملاً قابل توجه است؟

مامورین جمع آوری مالیات در دنیای روم اغلب باجگیر بودند چرا که از قدرت رسمی خود برای سرکوب مردم عادی استفاده می کردند. آنها از میان برخی شخصیت‌های منفور و پست در تمام اسرائیل بودند. دعوت عیسی این بود «مرا پیروی کن»، او در نظر می‌گیرد که متی، عیسی را شنیده و در قلبش شوق پیروی از او را دارد. وقتی متی دعوت شد، او آماده بود. او شگفت زده بود که آیا مسیح او را خواهد پذیرفت، و از او برای اینکه یکی از شاگردانش باشد، دعوت میکند.

در اعماق قلبهای ما اشتیاق برای چیزی بیشتر و مهمتر در زندگی وجود دارد. مانیز می‌خواهیم برای چیزی ارزشمند، و هدفی عظیم و اصیل زندگی کنیم. از اینرو، مسیح ما را دعوت میکند، تا مانند متی او را پیروی کنیم.

درباره آنچه مردم مجبور شده‌اند به خاطر پیروی از عیسی از آن بگذرند، فکر کنید. چرا، در پایان، همیشه ارزش پیروی از مسیح را خواهد داشت؟

۱ مهر

سه شنبه

پولس: عامل منتخب خدا

هنگامیکه پولس مسیح را پذیرفت، کل زندگی او بطور بنیادین تغییر کرد. مسیح آینده کاملاً جدیدی را برای او رقم زد. او پولس را هدایت کرد تا زندگی راحت خود را رها کند و تجربیاتی را داشته باشد که حتی تصورش را هم نکرده بود. پولس رسول با هدایت روح القدس، کلام خدا را به هزاران نفر در سراسر دنیای مدیترانه اعلام کرد. وی به عنوان شاهد مسیح و با جلال نام او تاریخ مسیحیت و جهان را تغییر داد.

اعمال باب ۹: ۳ تا ۶، ۱۰ تا ۲۰ را بخوانید. این آیات چگونه نشان میدهند که عیسی هدفی الهی را برای حیات پولس در نظر داشت؟

مسیح اغلب نامحتمل ترین نامزدها را انتخاب میکرد تا شاهدان و سفیران باشند تا نام او را جلال دهند. به مرد دیوانه، زن سامری، روسپی، باجگیر، ماهیگیران جلیلی، و حالا یک شکنجه گر و جفا دهنده مسیحیان بیندیشید. همه اینها با فیض خداوند تغییر کردند و سپس فرستاده شدند تا داستان

آنچه که مسیح در زندگیشان انجام داده بود را بازگو کنند. آنها هرگز از بازگو کردن داستان زندگیشان خسته نمی شدند. آنچه مسیح برای آنان انجام داده بود چنان شگفت انگیز بود که آنها مجبور بودند با دیگران در میان بگذارند. آنان نمی توانستند سکوت کنند.

اعمال باب ۲۸: ۲۸ تا ۳۱ و دوم تیموتائوس باب ۴: ۵ تا ۸ را با هم مقایسه کنید. در این آیات چه نشانه هایی داریم که نشان میدهند که پولس هرگز از وقف کامل زندگی خود به مسیح در رسالت ماموریت صید جانها تخطی نکرد؟

پولس در پایان زندگیش، هنگامیکه در روم در حبس خانگی بود، تایید میکند: «پس بدانید که این نجات الهی در اختیار غیر یهودیان گذاشته شده است و آنها آن را خواهند پذیرفت» (اعمال ۲۸: ۲۸). همچنین نوشته شده است که وی تمام افرادی که نزد او آمدند را پذیرفت و کلام خدا را برای آنان موعظه کرد (اعمال ۲۸: ۳۰، ۳۱). در پایان زندگیش، او از تیموتائوس خواست تا کار بشارت را ادامه دهد، پولس میتواند در مورد خودش چنین گفته باشد، «من در این مسابقه نهایت کوشش خود را نموده ام و دوره خود را تمام نموده، ایمانم را حفظ کرده ام» (دوم تیموتائوس ۴: ۷).

ممکن است فراخوان ما به اندازه پولس چشمگیر نباشد، اما خداوند از هریک از ما دعوت میکند تا با او در ماموریت او برای تغییر جهان شرکت کنیم. بدیهی است، پولس علیرغم همه سختی هایی که در طی سالها با آن روبرو بود (دوم قرنتیان ۱۱: ۲۵ تا ۳۰)، نسبت به دعوت پروردگار از او با ایمان وفادار ماند. داستان چگونگی آزار و جفای این جفاکار سابق پیروان مسیح به تاثیرگذارترین و پرثرترین حامی و مدافع ایمان مسیحی مبدل شد (به استثناء مسیح) و همچنان شهادت قدرتمندی برای آنچه که پروردگار میتواند از طریق کسی که زندگی خود را وقف کار خداوند کرده، انجام دهد.

خداوند شما را برای انجام چه کاری فراخوانده است؟ آیا شما به وظیفه خود عمل می کنید؟

۲ مهر

چهارشنبه

مطالبات محبت

محبت همیشه در عمل تجلی می یابد. محبت ما به مسیح ما را وادار می کند تا برای بشریت گمشده کاری انجام دهیم. پولس زمانیکه با کلیسای قرنتس سخن می گوید، به روشنی بیان می کند، «زیرا محبت مسیح بر ما حکمفرماست» (دوم قرنتیان ۵: ۱۴). مسیحیت در درجه اول این نیست که ترک اعمال بد میتواند به نجات ما منجر شود. مسیح چیزهای بد را در آسمان «ترک» نکرد تا دیگران بتوانند رستگار شوند. او چیزهای خوب را رها کرد تا دیگران بتوانند نجات یابند. مسیح ما را فقط دعوت نمی کند تا وقت،

استعداد، و گنجهای خود را به رسالت او اختصاص دهیم؛ او ما را دعوت میکند تا حیات خود را وقف او کنیم و از آن بگذریم.

در جلسه صبحگاهی با حواریون در سواحل جلیل، مسیح بطور واضح و شفاف، الزامات مهر و محبت الهی را مشخص کرد.

یوحنا باب ۲۱: ۱۵ تا ۱۹ را بخوانید. مسیح سه بار از پطرس سوالی پرسید، و پاسخ پطرس چه بود؟ چرا مسیح این سوال خاص را سه مرتبه از پطرس پرسید؟

پطرس سه مرتبه خداوند خود را انکار کرد، و عیسی سه مرتبه پاسخ محبت را از زبان خود پطرس بیرون کشید. در حضور حواریون، مسیح اعتماد به نفس پطرس را دوباره احیا کرد که با محبت الهی به او بخشیده شده بود و همچنان مسیح ماموریتی برای پطرس داشت که او باید در راه هدف مسیح به انجام میرساند.

یوحنا باب ۱۲: ۵۱ تا ۹۱ را بار دیگر بخوانید، اینبار به ویژه به پاسخ مسیح برای تایید پطرس در مورد محبت به مسیح، توجه کنید. مسیح در جواب به او گفت که چه کاری انجام دهد؟

محبت الهی فعال و در حال جنبش و حرکت و نه منفعل و ساکت. محبت واقعی چیزی بیش از یک احساس گرم و صمیمی، و بیش از یک ایده خوب است. محبت متعهد است. محبت ما را وادار به عمل میکند. محبت ما را به دنبال دستیابی به جهانی گمشده متشکل از فرزندان خدا که شدیداً نیازمند به تغییر و تحول هستند، میفرستد. هنگامیکه مسیح به پطرس گفت، «گوسفندان مرا خوراک بده»، این هم یک دستور و هم یک اطمینان خاطر بود. سرور خواستار پاسخگویی به محبت بود، و او همچنین پطرس را تشویق کرد چون هنوز وظیفه ای را برای او در نظر دارد که باید به انجام میرساند، حتی با وجود عمل واقعاً شرمگینانه پطرس در هنگام دستگیری مسیح، که پطرس نه تنها انکار کرد که او را نمیشناسد، بلکه با دشنام گویی او را انکار کرد، دقیقاً همانگونه که مسیح پیش گوئی کرده بود که اتفاق می افتد.

مهم چیست؟ شما ممکن است خداوند را از خود بشدت ناامید کرده باشید. شما ممکن است بیش از یکبار او را با اعمال خود انکار کرده باشید. خبر خوب اینست که هنوز فیض او در دسترس است و هنوز خدا از شما ناامید نشده است. هنوز در کار او جایگاه و مسئولیتی برای شما هست، اگر شما بخواهید.

آیا هرگز تا به حال مانند پطرس خداوند را «انکار» کرده اید؟ اگر چنین بوده، در اینجا این داستان نه تنها درباره انکار پطرس، بلکه در مورد سخنان مسیح به پطرس به شما چه می گوید؟

تعهد محبت

در پایان گفتگوی میان پطرس و مسیح، می بینیم که هر دو مرد در ساحل در حال قدم زدن هستند. هنگامیکه امواج به ساحل برخورد می کنند، عیسی به پطرس از هزینه و بهای شاگردی سخن می گوید. او می خواهد که پطرس به وضوح بداند که اگر دعوت مسیح مبنی بر «خوراک دادن گوسفندان» را بپذیرد با چه مسئولیت مهمی روبرو خواهد بود.

یوحنا ۱۲: ۸۱، ۹۱ را بخوانید. عیسی در مورد بهای شاگردی به پطرس چه گفت؟ چرا فکر می کنید عیسی در این مرحله از زندگی پطرس چیزی بسیار شگفت انگیز را برای او آشکار کرد؟

در این سخنان، مسیح شهادتی را که روزی نصیب پطرس خواهد شد را پیش گوئی کرد. او به صلیب کشیده می شد. در این مکاشفه، مسیح به پطرس پیشنهاد یک انتخاب را داد. او یک شادی عظیم را در پیش روی قرار می دهد: دیدن جان هایی که به خاطر پادشاهی خداوند صید خواهند شد. در روز پنطیکاست او می توانست هزاران نفر را ببیند که به نزد مسیح خواهند آمد. او در نام مسیح معجزات بسیاری را انجام می داد و نام او را در برابر هزاران نفر تکریم میکرد و جلال می داد. او می توانست شادی پایان ناپذیر رفاقت و همکاری با مسیح در انجام ماموریتش در جهان را تجربه کند.

اما این امتیاز و افتخار بزرگ مستلزم پرداخت بهایی بود. این می توانست یک فداکاری بزرگ، فداکاری رفیع و والایی باشد. از پطرس خواسته شده بود تا با آگاهی و چشمان باز تعهداتش را بپذیرد و سرسپردگی خود را اعلام کند. حالا پطرس دیگر میدانست که هیچ فداکاری و از خودگذشتگی بزرگ تر از پیوستن به مسیح در انجام ماموریت جهانی او نیست.

اول یوحنا باب ۳: ۱۶ تا ۱۸ را بخوانید. گزینه یوحنا برای محبت کردن به عنوان صرفاً یک تئوری مبهم و نامعلوم چه بود؟ چگونه یوحنا مفهوم از خودگذشتگی عظیم محبت را وصف میکند؟

برای ابدیت، ما هیچکاری را نمی توانیم انجام دهیم که همانند یک فداکاری به نظر برسد. اختصاص وقتمان، تلاش های مان، وقف زندگی مان، به نظر می رسد همه بسیار ارزشمند و دارای اجر هستند. کدام شادی عظیم تر از تبدیل شدن محبت به عمل، و نیات و مقاصد به سرسپردگی و تعهد است. ما زمانی به محبت الهی پاسخ خواهیم داد که هیچ چیز نتواند مانع ما در کار خدمت شود، و ما به عنوان سفیران مسیح شاهدان او در برابر دیگران باشیم، و به مفهوم حیاتمان تحقق بخشیم و بزرگترین شادی زندگی را تجربه کنیم. همانطور که عیسی صریحاً بیان کرد، «هرگاه این را فهمیدید، خوشا به حال شما اگر به

آن عمل نمائید» (یوحنا ۱۳: ۱۷). عظیم ترین شادی زندگی و خوشحالی ابدی زمانی حاصل می شود که ما با به مفهوم واقعی هستی خود تحقق بخشیم آنهم با جلال دادن خداوند بوسیله طریقه زندگیمان و به اشتراک گذاری محبت و حقیقت او با جهان.

وقتی تمام آن چیزی که ما می دانیم اینست که فرصت ما کم است، درک مفهوم نظریه ابدیت دشوار است. اما همانطور میتوانید، تلاش کنید تا یک زندگی ابدی خوب را مجسم کنید، بهتر از هر چیزی که می توانیم در این جهان داشته باشیم، بنابراین، چرا هیچ چیز در اینجا، در این دوره کوتاه زمان، ارزش اینرا ندارد که وعده حیات ابدی یعنی زندگی با عیسی مسیح را به خاطر آن از دست بدهیم.

جمعه

۶ تیر

تفکری فراتر: کسانی که نظارت مسائل روحانی کلیسا را برعهده دارند باید روشها و تمهیداتی را ایجاد کنند تا فرصتی برای هر یک از اعضای کلیسا فراهم آید تا بخشی از کار خدا را انجام دهند. اغلب در گذشته این امر میسر نشده است. طرح ها و برنامه ها بطور شفاف و کامل اجرا نشده اند که به موجب آن استعدادها همه اعضا در کار خدمت بکار گرفته شود. تعداد اندکی هستند که درک کرده باشند که به این علت چه جان هایی از دست رفته اند.

«رهبران راه خدا، به عنوان فرماندهان خردمند، باید برنامه هایی را برای حرکت های پیشرونده در تمام جبهه های کار خداوند طراحی کنند. در برنامه ریزیهای آنان باید مطالعات خاص در مورد کارها انجام گیرد تا افراد عادی هم بتوانند برای دوستان و همسایگانشان در جهت رسالت خداوند کاری را انجام دهند. تا زمانیکه مردان و زنان عضو کلیسا به وظایف خود عمل نکنند و در تلاشهای خودشان با خادمین و رهبران کلیسا متحد نشوند، کار خداوند بر روی زمین تحقق نمی یابد.

«نجات گناهکاران مستلزم یک کار جدی و فردی نیروی انسانی است. ما باید با در دست داشتن کلام حیات بخش خداوند بسوی آنان برویم، نه اینکه منتظر باشیم تا آنها به سمت ما بیایند. وه! که من می توانم از کلام خداوند با زنان و مردانی سخن بگویم که میتوانند باعث بیداری و آگاهی برای یک اقدام کوشا شود! فرصتی که به ما اعطا شده است، بسیار اندک است. ما از نقطه نظر تاریخی در مرزهای جهان ابدی ایستاده ایم. ما وقتی برای از دست دادن نداریم. هر لحظه، فرصتی طلایی و روی هم رفته بسیار ارزشمند است که صرفاً باید به خدمت فردی اختصاص یابد. چه کسانی با جدیت در جستجوی خداوند از قدرت و فیض او بهره میگیرند تا در عرصه بشارت، کارگران وفادار او باشند؟» در هر کلیسا استعدادهائی وجود دارند که برای بکارگیری در یک نوع کار خدمتی

متناسب می باشند، و میتوانند با پرورش و توسعه تبدیل به کمک بزرگی در کار خدمت گردند. آنچه در حال حاضر برای بنای کلیساهای ما نیاز است، کار بجا و مطلوب نیروی انسانی خردمند کلیسا است تا بتوانند استعدادها را در کلیسا تشخیص و پرورش دهد، استعدادهایی که می توانند برای کاری بزرگ تربیت شوند « (الن جی وایت، شهادت هایی برای کلیسا، جلد ۹، صفحه ۱۱۶).

سوالاتی برای بحث

۱. منظور اصلی خانم الن جی وایت در اظهارات فوق چیست؟ چه تاثیری میتواند در شاهد بودن شخص شما و کار بشارتی کلیسای شما داشته باشد؟
۲. چگونه محبت واقعی همیشه آشکار میشود؟ آشکار جعلی محبت که ربطی به محبت واقعی ندارند، چه هستند؟
۳. در کلاس، در مورد قربانی هایی که مردم برای خداوند میدهند، از جمله گذشتن از زندگی خودشان، صحبت کنید. از این داستان ها چه چیزهایی می توانیم یاد بگیریم؟
۴. در مورد پاسخ خود به سوال پایانی درس یکشنبه، و آنچه که شما برای مسیح قربانی کرده اید، فکر کنید. در واقع، چه فداکاری کرده اید؟ چرا کرده اید؟ آیا ارزش آن را داشته است؟ چگونه میتوانید برای کسی که مسیحی نیست، توضیح دهید چه کاری شما انجام داده اید، و چرا انجام داده اید؟



حامله به مدت دو سال

توسط اندرو مک چسنی

فانتا کامارا هیچانزده بود وقتی متوجه شد که شکمش متورم شده است. اما وقتی تورم بزرگتر شد احساس مریضی نمود. او آنقدر احساس وحشتناکی کرد که به بیمارستان گناگری که در کشور گینه بود رفت.

یک پزشک عمومی شکمش را معاینه کرد و گفت: شما حامله نیستید. فانتا حرف پزشک را باور نکرد. او از یکی از فامیلهایش که پرستار بود خواست تا او را معاینه کند. فامیلش گفت: تو حامله هستی و یک نوزاد در شکمت وجود دارد.

فانتا غرق در شادی شد. اما هنوز احساس می کرد که مریض است و فامیلش مطمئن نبود که چگونه می تواند به او کمک کند. پس به بیمارستان دیگری رفت. پزشک عمومی در آنجا گفت: شما حامله نیستید.

فانتا به سومین بیمارستان نیز مراجعه نمود. پزشک عمومی گفت: شما حامله اید. اما نمی دانست که چه کمکی کند. هفته ها می گذشت و وضعیت سلامتی فانتا بدتر می شد. به ندرت می توانست راه برود. پنج ماه از تورم شکم فانتا گذشته بود که یک موجود عجیب در اتاقش ظاهر شد. پاهای رانهایش شبیه به پاهای انسان بود اما سینه و چهره اش بسان یک یوزپلنگ بود. فانتا ترسید. آن موجود عجیب در حالیکه به نظر می رسید دارد از میان دیوار اتاق خواب عبور می کرد گفت: تو آن بچه را در شکمت نخواهی داشت. شب بعد نیز آن موجود در اتاق خواب ظاهر شد. گفت: تو بچه را در شکمت نخواهی داشت. هر شب او به اتاق خوابش می آمد.

یکسال گذشت. دو سال گذشت. با شروع سال سوم، فانتا هنوز احساس بیماری و محنت داشت. سپس او ترانکول فاسینادونو را به خاطر آورد. نسبت به او بی توجهی کرده بود چون تنها فرد مسیحی بود که با او همسایه بود اما حالا او نا امید شده بود. پس از آنکه ترانکول، مبشر جهانی پیشگام، داستانش را شنید به مدت سه روز روزه گرفته و دعا کرد و از خدا حکمت خواست.

سپس نزد فانتا رفت و کتاب مقدسش را باز کرده و افسسیان باب ۶ آیه ۱۲ را خواند: «زیرا جنگ ما با انسان نیست بلکه ما علیه فرمانروایان و اولیای امور و نیروهای حاکم بر این جهان تاریک و نیروهای شیطانی در آسمان در جنگ هستیم».

او با ارواح نادیدنی که در خانه ساکن بودند حرف زد. او گفت: «تمامی ارواح شریر که نام عیسی مسیح را اقرار نمی کنند فوراً به نام عیسی مسیح اینجا را ترک کنند». بعد روبه فانتا کرده و گفت: «اگر روح شریر را دوباره دیدی، فقط کافی است که نهیب زده و بگوئی به نام عیسی مسیح برود». آن شب فانتا در حالیکه روی رختخوابش درازکشیده بود روح شریر ظاهر شد. قبل از آنکه آن حرف بزند فانتا گفت: «به نام عیسی مسیح دور شو». روح شریر فوراً در ابری از دود ناپدید شد و هرگز برنگشت. سه روز بعد، فانتا یک دختر نوزاد سالم را به دنیا آورد. حالا من به عیسی ایمان دارم. به خاطر سیزدهمین هدایای سبت سپاسگزاریم و این هدایا به مردم گینه و سایر مردم در بخش آفریقای مرکزی- غربی کمک خواهد کرد.